

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

انقلاب مشروطه

در بوته نقد

علی رضا کریمی



بسم الله الرحمن الرحیم

انقلاب مشروطه در بوته نقد

نویسنده:

علیرضا کریمی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

انقلاب مشروطه در بوته نقد ----- ۸

مشخصات کتاب ----- ۸

اشاره ----- ۸

فهرست مطالب ----- ۱۰

دیباچه ----- ۱۴

پیش گفتار ----- ۱۶

بخش اول : پیش زمینه های انقلاب مشروطیت ----- ۱۸

اشاره ----- ۱۸

فصل اول: استبداد ----- ۱۹

فصل دوم: استعمار ----- ۲۵

فصل سوم: پیروی از رهبران مذهبی ----- ۳۲

فصل چهارم: روشن فکران ----- ۳۸

فصل پنجم: رکود اقتصادی ----- ۴۳

فصل ششم: مدارس جدید، مطبوعات و انجمن ها ----- ۴۹

بخش دوم: پیروزی انقلاب مشروطیت ----- ۵۵

اشاره ----- ۵۵

فصل اول: مشروطه اول ----- ۵۶

اشاره ----- ۵۶

قیام تنباکو ----- ۵۶

دریافت وام از روسیه و انگلستان ----- ۶۱

سلطه بلژیکی ها بر گمرکات کشور ----- ۶۲

قحطی و کمبود نان ----- ۶۳

آغاز انقلاب ----- ۶۶

یورش به ساختمان بانک استقراضی روس ۶۹
مهاجرت صغری ۶۹
مهاجرت کبری ۷۱
دلیل حمایت سفارت انگلیس از آزادی خواهان ۷۶
صدور فرمان مشروطیت ۷۸
تشکیل نخستین مجلس شورای ملی ۸۱
استبداد صغیر محمدعلی شاه ۸۶
بمباران مجلس مشروطه ۹۰
فصل دوم: مشروطه دوم ۹۲
اشاره ۹۲
دوره استبداد صغیر و جنبش اجتماعی مخالف آن ۹۲
فتح تهران ۹۵
شیخ فضل اللّه نوری و مشروطیت ۹۷
فصل سوم: مقایسه مشروطه اول با مشروطه دوم ۱۰۵
اشاره ۱۰۵
۱. مشارکت مردمی ۱۰۵
۲. رهبران ۱۰۶
۳. دخالت استعمارگران ۱۰۸
۴. آیین نامه انتخاباتی ۱۰۹
۵. استقلال نمایندگان مجلس ۱۱۰
بخش سوم:عوامل انحراف مشروطه ۱۱۱
اشاره ۱۱۱
۱. اختلاف رهبران مشروطه و تأثیر آن در سرنوشت جنبش عدالت خواهی (مشروطه) ۱۱۲
۲. نفوذ شاهزادگان و زمینداران و عوامل بیگانه در ارکان جامعه ۱۱۸
۳. ادامه سلطه استعمارگران ۱۲۰
۴. ناتوانی دولت مشروطه در حل مشکل های اقتصادی ۱۲۵

۵. ورود ایلات و طوایف به عرصه سیاست و حکومت مشروطه ---- ۱۳۰

۶ . نقش برخی از روشن فکران در انحراف مشروطه ---- ۱۳۴

اشاره ---- ۱۳۴

نقش روشن فکران در تدوین قانون اساسی ---- ۱۴۲

بومی نبودن قانون اساسی مشروطه ---- ۱۴۴

واکنش مردم به کاستی ها و شکست مشروطه ---- ۱۴۶

قیام جنگل ---- ۱۴۷

قیام شیخ محمد خیابانی ---- ۱۴۹

قیام کلنل محمدتقی پسیان ---- ۱۵۰

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان ---- ۱۵۳

اشاره ---- ۱۵۳

پیشنهادهای کلی ---- ۱۵۴

پیشنهادهای برنامه ای ---- ۱۵۵

پرسش های مردمی ---- ۱۵۵

پرسش های مسابقه ای ---- ۱۵۶

پرسش های کارشناسی ---- ۱۵۷

کتاب نامه ---- ۱۵۹

درباره مرکز ---- ۱۶۶

انقلاب مشروطه در بوته نقد

مشخصات کتاب

سرشناسه : کریمی، علی رضا

عنوان و نام پدیدآور : انقلاب مشروطه در بوته نقد / علی رضا کریمی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : [۳]، ۱۳۶ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۷۵۲.

شابک : ۱۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۳۰-۲ :

یادداشت : چاپ قبلی: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۳۳] - ۱۳۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : سیاستمداران ایرانی -- قرن ۱۴

موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ق.

موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ق. -- علل و منشاء

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : DSR۱۴۰۷/ک۴الف۸ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۷۵

شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۳۹۲۷۶

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

فهرست مطالب۳

دیباچه۱

پیش گفتار۳

بخش اول : پیش زمینه های انقلاب مشروطیت۵

فصل اول: استبداد۶

فصل دوم: استعمار۱۲

فصل سوم: پیروی از رهبران مذهبی۱۹

فصل چهارم: روشن فکران۲۵

فصل پنجم: رکود اقتصادی۳۰

فصل ششم: مدارس جدید، مطبوعات و انجمن ها۳۶

بخش دوم: پیروزی انقلاب مشروطیت۴۲

فصل اول: مشروطه اول۴۳

قیام تنباکو۴۳

دریافت وام از روسیه و انگلستان۴۸

سلطه بلژیکی ها بر گمرکات کشور۴۹

قحطی و کمبود نان ۵۰

آغاز انقلاب۵۳

یورش به ساختمان بانک استقراضی روس۵۶

مهاجرت صغری۵۶

مهاجرت کبری۵۸

دلیل حمایت سفارت انگلیس از آزادی خواهان۶۳

صدور فرمان مشروطیت۶۵

تشکیل نخستین مجلس شورای ملی۶۸

استبداد صغیر محمدعلی شاه۷۲

بمباران مجلس مشروطه۷۶

فصل دوم: مشروطه دوم۷۸

دوره استبداد صغیر و جنبش اجتماعی مخالف آن۷۸

فتح تهران۸۱

شیخ فضل اللّه نوری و مشروطیت۸۳

فصل سوم: مقایسه مشروطه اول با مشروطه دوم۹۱

۱. مشارکت مردمی۹۱

۲. رهبران۹۲

۳. دخالت استعمارگران۹۴

۴. آیین نامه انتخاباتی۹۵

۵. استقلال نمایندگان مجلس۹۶

بخش سوم:عوامل انحراف مشروطه۹۷

۱. اختلاف رهبران مشروطه و تأثیر آن در سرنوشت جنبش عدالت خواهی (مشروطه)۹۸

۲. نفوذ شاهزادگان و زمینداران و عوامل بیگانه در ارکان جامعه۱۰۴

۳. ادامه سلطه استعمارگران۱۰۶

۴. ناتوانی دولت مشروطه در حل مشکل های اقتصادی۱۱۱

۵. ورود ایلات و طوایف به عرصه سیاست و حکومت مشروطه۱۱۶

۶ . نقش برخی از روشن فکران در انحراف مشروطه۱۲۰

نقش روشن فکران در تدوین قانون اساسی۱۲۸

بومی نبودن قانون اساسی مشروطه۱۳۰

واکنش مردم به کاستی ها و شکست مشروطه۱۳۲

قیام جنگل۱۳۳

قیام شیخ محمد خیابانی۱۳۵

قیام کلنل محمدتقی پسیان۱۳۶

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان۱۳۹

پیشنهادهای۱۴۰

پیشنهادهای برنامه ای۱۴۱

پرسش های مردمی۱۴۱

پرسش های مسابقه ای۱۴۲

پرسش های کارشناسی۱۴۳

کتاب نامه۱۴۵

دیباچه

دیباچه

انقلاب مشروطه از دوره های حساس دگرگونی های تاریخی در کشور ایران به شمار می آید. جرقه این جنبش مردمی و ضد استبدادی در قیام تنباکو زده شد. مردمِ خسته از بیدادشاهان و تشنه عدالت، با رهبری عالمانه مراجع سه گانه نجف و مجتهدان تراز اول تهران، به صحنه سیاست پا نهادند و پایان خودکامگی و استبداد را فریاد زدند.

انقلاب مشروطه که رویکردی ملی ـ اسلامی داشت، بر آن بود تا جهش بزرگ در همه جنبه های زندگی مردم ایجاد کند تا آنان در پناه اسلام و به دور از استبداد، به اصلاح و آبادانی کشور خویش همت گمارند.

از نگاه دیگر انقلاب مشروطه تجلی گاه فقه سیاسی اسلام بود. عالمان دینی بیش از هر زمان دیگر در صحنه های سیاسی حضور یافتند و اسلام را به عنوان مکتب توان مند برای اداره جامعه معرفی کردند. در این میان، شیخ فضل اللّه نوری با طرح «مشروطه مشروعه»، گامی مهم در پیوند مشروطه و شرع برداشت. ایشان با شناخت دو جانبه از اندیشه های حاکم در غرب و رجال سیاسی آن زمان، با اعلام این که اسلام توانایی اداره جامعه را دارد، نسبت به گسترش زمینه های انحراف انقلاب مشروطه از خط مشی اساسی دین هشدار داد.

در این میان، استعمار پیر بریتانیا با کمک روشن فکرنمایان داخلی، از اختلاف رهبران مشروطه بهره جُست و جریان جنبش را به سود خود تغییر داد. در نتیجه، فرجام این حرکت مبارک که باید نهال آزادی را در سرزمین ایران بارور می کرد، زمینه ساز استبداد نوین خاندان پهلوی شد که به مراتب زیان بارتر از گذشته بود.

بی شک بررسی ماهیت این جنبش و بررسی پیش زمینه های پیدایش، نقطه اوج و فرود، جریان حذف اصلاح گران واقعی و ارزیابی بینش ها و افکار رهبران آن می تواند انقلاب اسلامی ما را در مرحله گذار از چالش های پیش رو یاری رساند.

بر این اساس، پژوهشگر گرامی جناب آقای دکتر علی رضا کریمی با استناد به منابع قابل اعتنا، به بررسی برخی از جنبه های این جنبش پرداخته اند. با سپاس از ایشان امیدواریم مورد استفاده برنامه سازان قرار گیرد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

انقلاب مشروطه هم چون انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ یکی از حوادث بسیار مهم تاریخ معاصر ایران به شمار می رود. شناخت انقلاب مشروطه و هر آن چه بدان مربوط است، پیش زمینه شناخت حوادث روی داده پس از آن در تاریخ معاصر ایران خواهد بود. شناخت دقیق حوادث سال های اخیر ایران نیز به ما کمک می کند تا مسیر حیات اجتماعی و سیاسی خود را با عقلانیت بیش تری تعیین کنیم.

آگاهی هر چه بیش تر از تاریخ ایران، به تقویت حافظه تاریخی ما می انجامد و به یقین، هر چه از حافظه تاریخی قوی تری برخوردار شویم، افزون بر این که می توانیم مسیر صحیح تری را برای خود در زندگی انتخاب کنیم، زمان رسیدن به هدف یا اهداف نهایی نیز کوتاه تر می شود. از این رو، در بحث مربوط به انقلاب مشروطه، پرداختن به عوامل ظهور و سقوط مشروطه در اولویت قرار گرفته است.

در این پژوهش، نخست به پیش زمینه های انقلاب مشروطه می پردازیم و در بخش های بعدی، فراز و نشیب های مشروطه و عوامل شکست آن را بررسی می کنیم.

شرایط کنونی کشور، بیش از پیش، این مسئولیت مهم را بر دوش همه ایرانیان نهاده است تا به گونه ای رفتار کنند که سعادتشان با کم ترین هزینه ممکن تأمین گردد. در این میان، شناخت درست زاویه های پیدا و پنهان

انقلاب مشـروطه می تواند ما را در این امر بسـیار مهم یاری رساند. امید است همه ایرانیان از هر قشر و طبقه ای هر چه بیش تر با درک این حسّ مسئولیت پذیری، درصدد افزایش آگاهی تاریخی خود و دیگران باشند تا آینده خود و کشور را هرچه بهتر رقم زنند.

این نوشـتار در سه بخش تهیه شده است: بخش نخست آن به بیان زمینه های پیدایش نهضت مشروطیت اختصاص دارد. بخش دوم، به رونـد شـکل گیری مشـروطه و در بخش سوم، به دلایـل انحراف مشـروطه و ایجـاد دیکتـاتوری نوین می پردازیم. امید است خوانندگان ما را از نظریه ها و انتقادهای خود بی بهره نگذارند.

بخش اول : پیش زمینه های انقلاب مشروطیت

اشاره

بخش اول : پیش زمینه های انقلاب مشروطیت

زیر فصل ها

فصل اول: استبداد

فصل دوم: استعمار

فصل سوم: پیروی از رهبران مذهبی

فصل چهارم: روشن فکران

فصل پنجم: رکود اقتصادی

فصل ششم: مدارس جدید، مطبوعات و انجمن ها

فصل اول: استبداد

فصل اول: استبداد

پیش از هر چیز باید منظورمان را از استبداد مشخص کنیم. «استبداد؛ یعنی خودرأیی یا خودکامگی و این مطلب، مستلزم وجود نظامی است که در آن، دولت ــ و در تحلیل نهایی، فردی که در رأس دولت قرار دارد ــ در مقابل ملت هیچ گونه تعهد و مسئولیتی نداشته باشد. اساس چنین حکومتی بر پایه بی قانونی استوار است».(۱)

وجه تفاوت این نوع حکومت با حکومت های دیگر نظیر پادشاهی، تک حزبی و دموکراسی تنها در نبود قانون است. به عبارت دیگر، وجه ممیزه این نوع حکومت با دیگر حکومت ها، عدالت نیست. ممکن است پادشاه مستبدی باشد، ولی به عدالت حکومت کند. هم چنین ممکن است پادشاهی با وجود داشتن نظام مبتنی بر قانون، حکومتی عادلانه نداشته باشد. به هر حال، تاریخ گذشته ما نشان می دهد که روح استبداد بر همه حکومت های موجود در ایران حاکم بوده است و بیش تر سردمداران آن نیز عادل نبوده اند.

۱- محمّد علی همایون کاتوزیان، استبداد، دموکراسی و نهضت ملی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، چ۱، ص۱۲.

در طول تاریخ گذشته، پیوسته نظام های استبدادی بر کشور ایران حکومت می کردند که هیچ گاه مجموعه قوانین مدون و فراگیری نداشتند. حاکم و وابستگان به حکومت، به رعایت قانون خاصی پای بند نبودند و در اصل، احکام و فرمان حاکم، قانون به شمار می رفت. گفتنی است این قانون خود خوانده نیز به محض مرگ آن حاکم و بر تخت نشستن حاکم جدید، باطل می شد.

همان گونه که هیچ قانونی، شاه را به رفتار مشخص و از پیش تعیین شده ای با زیر دستان لشکری و کشوری ملزم نمی ساخت، هیچ قانونی نیز او را در میزان دریافت مالیات های گوناگون از مردم یا برخورد همراه با رأفت و خشونت با توده های مردم، محدود نمی کرد. در این نظام های بی قانون، بیش تر شاهان، عدالت پیشه نبودند و استبدادشان با ستم در هم می آمیخت. هرگاه پادشاهی عاقل و با تدبیر و شجاع بر سر کار می آمد، تا حدودی، ستم حکومت و حکومتیان کاستی می گرفت، ولی هرگاه پادشاه سست عنصر، ناتوان، نادان و کم تجربه و بی اراده بر تخت سلطنت می نشست، ستم گری و بی عدالتی همه جا را فرا می گرفت. از آن جا که بحث انقلاب مشروطه به زمان حکمرانی سلسله قاجاریه مربوط می شود، شایسته است به تاریخ آن دوره نگاهی بیافکنیم.

در دوره قاجاریه، حاکمان و والیان به پیروی از پادشاه می کوشیدند هر چه بیش تر مردم را استثمار کنند. از آن جا که حکومت ولایت ها، شهرها و مناطق دور و نزدیک در مقابل پرداخت پول، به افراد واگذار می شد، حاکمان و والیانی که این گونه به حکومت می رسیدند، در ستم ورزیدن بر

مردم هیچ مرزی نمی شناختند. آنان برای این که مبلغ مورد انتظار خود را از مردم به دست آورند، به هر کاری دست می زدند. برای نمونه، حاکم قوچان چون نتوانست مبلغ مورد انتظار خود را از مردم فقیر و ناتوان این منطقه بگیرد، دستور داد دختران آن منطقه را به ترکمن ها و ارامنه بفروشند تا مبلغ مورد نظرش تأمین شود.(۱)

در چنین شرایطی، طبیعی است که دزدان و راهزنان، اراذل و اوباش محله ها، خان ها و زمین داران و افراد زورگو از فرصت پیش آمده بهره گیرند و به دلخواه خود بر مردم ستم کنند. در مواردی حتی همین افراد به طور غیر مستقیم و غیررسمی در جرگه عوامل حکومت در می آمدند. بدین گونه، نبودِ قانون، به ستم کاری حاکمان و فقر هر چه بیش تر مردم ایران می انجامید تا جایی که ۷۰ تا ۸۰ درصد مردم ایران را دهقانان همیشه گرسنه و نیمه برهنه تشکیل می دادند.(۲)

گفتنی است در مقابل این همه ستم و استبداد، کسی را یارای شورش و قیام نبود؛ زیرا پی آمدهای تند و شدید آن نه تنها گریبان گیر عوامل شورش می شد، بلکه خانواده و همشهریان و بسیاری از مردم بی گناه آن منطقه نیز می بایست تاوان شورش را به بدترین شکل ممکن بپردازند. برای مثال، ظل السلطان، حاکم اصفهان وقتی شنید در اصطهبانات شورش شده است، به قوام الملک، حاکم آن جا دستور داد که با سپاه خود،

۱- خاطرات و خطرات، ص ۱۳۱.

۲- علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، مدبر، ۱۳۷۵، ص ۳۸۰.

اصطهبانات را غارت کند و شورشیان را به همراه زنان و فرزندان آن ها اسیر سازد و نزد او بفرستد.

استبداد قاجاریه با استبداد سلطه های پیشین تاریخ ایران تفاوت بنیادین نداشت. تنها ویژگی شرایط دوران استبداد عصر قاجار این بود که با دوران حاکمیت دموکراسی در اروپا هم زمان شده بود. پی آمد برقراری ارتباط میان ایران و کشورهای اروپایی، آشنایی مردم ایران با شرایط سیاسی آن جا بود که در نتیجه، ایرانیان خواستار تغییر و تحول در نظام سیاسی ایران و برپایی نظام هایی مشابه نظام های سیاسی اروپا شدند.

ضرورت نیاز به ارتباط با اروپا هنگامی احساس شد که ایران پس از تحمل شکست های سنگین از روسیه دریافت که آمادگی مقابله با کشور قدرتمندی هم چون روسیه را ندارد، مگر این که به سلاح تمدن جدید مسلح شود. از این رو، نخستین گروه از دانشجویان ایرانی به اروپا اعزام شدند تا در برخی رشته های علمی _ کاربردی آن روز مانند: علوم نظامی، مهندسی، تفنگ سازی، پزشکی و زبان های اروپایی آموزش ببینند. بدیهی است دانشجویان اعزامی هنگام ورود به اروپا با این پرسش رو به رو می شدند که چرا اروپا این اندازه پیشرفت کرده و چرا ایران آن قدر عقب مانده است؟ البته آنان نخستین پاسخ خود برای این پرسش را در تفاوت نظام سیاسی ایران با نظام های سیاسی کشورهای اروپایی می دیدند.

میرزا صالح شیرازی یکی از نخستین دانشجویان اعزامی به اروپا بود که در سفرنامه اش به این نکته اشاره کرده و برای نخستین بار به تشریح حکومت های مشروطه پرداخته است. از آن جا که وی در انگلستان تحصیل

کرده بود، نظام سیاسی آن جا را به تفصیل در خاطراتش تشریح کرد و از مجلس، نمایندگان مردم، انتخابات، آزادی سیاسی و قانون، به تفصیل سخن راند.(۱) افزون بر آن، این دوران با اوج گرفتن برخی جنبش های ضد استبدادی در کشورهای همسایه هم زمان بود و اخبار مربوط به این تحولات در پیدایش زمزمه های مخالفت مردم ایران با استبداد قاجاری تأثیر می گذاشت.

در ترکیه، مدحت پاشا، آزادی خواه ترک، قانون اساسی را تنظیم و به تصویب سلطان عبدالحمید دوم رساند. در کشور مصر نیز قانون اساسی پا به عرصه وجود نهاد. ایرانیان ساکن آن جا که ناظر این تحولات ضد استبدادی بودند، به انتشار روزنامه های فارسی زبانی چون حکمت، ثریا و پرورش دست زدند و پیام خود را به ایران فرستادند. هم چنین در هندوستان و ژاپن قانون اساسی پدید آمد که خبر آن به ایران رسید. انقلاب ضد استبدادی سال ۱۹۰۵ روسیه نیز در خیزش مردم ایران بر ضد استبداد قاجاری مؤثر افتاد.(۲)

گفتنی است ایرانیان به چند صورت از تحولات موجود در اروپا باخبر می شدند که عبارت بود از: دانشجویان اعزامی به اروپا، مسافرت، نهادهای آموزشی، روزنامه های داخلی به ویژه روزنامه های فارسی زبان منتشر شده در خارج که به ایران قاچاق می شد، اروپاییان ساکن ایران و کتاب های

۱- اسماعیل رایین، سفرنامه میرزا صالح شیرازی، تهران، ۱۳۴۷، صص ۳۲۰ _ ۳۲۵.

۲- عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، صص ۱۶ _ ۱۹.

ترجمه شده به فارسی مانند: حیرت نامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی، دلیل السفرا میرزا محمّد هادی علوی، روزنامه سفر خسرو میرزا، سفرنامه رضا قلی میرزا، روزنامه سفر میرزا حسین خان آجودان باشی، مخزن الوقایع میرزا فرخ خان امین الملک، روزنامه سفر ناصرالدین شاه به فرنگ، روزنامه فرنگ و سفرنامه ناصرالدین شاه به فرنگ (سفر سوم)، تحفه العالم عبداللطیف شوشتری، سفرنامه و سیاحت نامه سلطان الواعظین در هند، مرآت الاحوال آقا احمد کرمانشاهی.

فصل دوم: استعمار

فصل دوم: استعمار

پدیده استعمار به دوران جدید اروپا مربوط است؛ دورانی که اروپا به بسیاری از شرایط عینی و معنایی خود پشت کرد. در این دوران، اروپا از نظر سیاسی، اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی دگرگون شد. برای نمونه، نظام فئودالی جای خود را به نظام سرمایه داری داد، نظام های سیاسی الیگارشی و دیکتاتوری کم کم به نظام های دموکراتیک تبدیل شد، کلیسا و دین جایگاه خود را نزد مردم از دست داد و مردم اروپا در مقابل افراط کلیسا، به عرصه تفریط سکولار کشیده شدند. پیدایش مفاهیمی چون ناسیونالیسم نیز مرزهای سیاسی و اجتماعی مشخصی برای مناطق اروپا ترسیم کرد.

در دوره جدید، حکومت های اروپایی به عنوان نماینده ملت و در واقع، نماینده طبقه سرمایه دار می کوشیدند بدون درنظر گرفتن هرگونه اصول اخلاقی و انسانی به حدود دیگر کشورها تجاوز کنند. شدت و روش این تجاوزها به میزان قدرت و آگاهی ملت مقابل بستگی داشت؛ چون هر قدر دولت و ملتی از قدرت و آگاهی بیش تری برخوردار بودند، آسیب کم تری از استعمار می دیدند. ایران عصر قاجار که هنوز در شرایط صدها سال پیش تر سیر می کرد، لقمه آماده و در دسترسی برای استعمارگران اروپایی به شمار می رفت.

روس ها از زمان پتر کبیر کوشیدند خود را به آب های آزاد برسانند.

یکی از راه های رسیدن روسیه به آب های آزاد، اشغال ایران بود که این خواسته روس ها خوشبختانه یا بدبختانه هم زمان با سلطه مطلق بریتانیا بر هندوستان بود. اظهار خوشبختی از آن روست که انگلیسی ها پس از تسلط بر هند پیوسته از پیشروی روس ها در قلمرو ایران نگران بودند و تا آن جا که ممکن بود، می کوشیدند با تقویت نسبی نیروهای نظامی ایران از گسترش نفوذ نظامی روس ها در ایران بکاهند. اظهار بدبختی نیز از آن روست که انگلیسی ها کوشیدند در تمام ارکان ایران نفوذ کنند و عوامل ایرانی نمای خود را در ایران به کار بگمارند. به طور طبیعی، تلاش های انگلیسی ها، واکنش روس ها را به دنبال داشت و در نتیجه طولی نکشید که ایران در دام وابستگی به بیگانگان استعمارگر گرفتار شد.

با تلاش روس و انگلیس برای نفوذ و دخالت هر چه بیش تر در امور داخلی کشور ما، ایران به طور روز افزون از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی به دولت های استعمارگر وابسته شد. تداوم این وابستگی، به تدریج، ناخرسندی مردم ایران از استعمار و استبداد وابسته به آن را برانگیخت. ستم استعمار از گذرگاه ستم استبداد، بر گرده مردم ایران سنگینی می کرد و نفرت از استعمار خارجی به طور طبیعی نفرت از استبداد داخلی را به دنبال داشت. پدیده استعمار به چند دلیل به انقلاب در کشور مستعمره می انجامید:

۱. استعمار با غارت اموال و منابع مادی یک کشور، بر ناخرسندی و نفرت آن ملت می افزود.

۲. چون این غارت ها وقتی ممکن بود که حکومت کشور مستعمره به طور مستقیم یا غیر مستقیم به کشور استعمارگر وابسته باشد، احساسات استقلال طلبی و ملی گرایی مردم علیه استعمار و استبداد برانگیخته می شد. حضور استعمار در کشور مستعمره به طور طبیعی، خودآگاهی درونی را در میان آن ملت پدید می آورد.

۳. حضور استعمارگران روس و انگلیس در ایران و تلاش روزافزون آنان برای وابسته کردن کشور ایران به خود نیز از نظر ملی و دینی، اعتراض مردم را به عملکرد استبداد قاجاری و استعمار خارجی در پی آورد. ایرانیانی که با مفهوم «ناسیونالیسم» آشنا شده بودند، حضور استعمار گران را تهدید استقلال و هویت ملی مردم ایران می دانستند. مردم دین دار به ویژه علمای بزرگ نیز حضور بیگانگان نا مسلمان و تسلط آنان بر سرنوشت کشور اسلامی را با منافع جامعه اسلامی و هویت امت اسلامی در تضاد می دیدند. از این رو، قیام علیه استبداد قاجاری را که عامل بیگانگان بود، برای مردم واجب شرعی معرفی می کردند.

استعمارگران روس و انگلیس برای گرفتن امتیازهای گوناگون از ایران، با یکدیگر رقابت داشتند. برای نمونه، روس ها در معاهده های گلستان و ترکمان چای افزون بر جدا کردن بخش های پهناوری از خاک ایران در بخش علیای رود اَرس، حق دخالت در امور دربار، پشتیبانی از جانشین پادشاه ایران و حق قضاوت کنسولی را بر ایران تحمیل کردند. دیری نگذشت که امتیاز انحصاری کشتی رانی و ماهی گیری در دریای خزر، تجارت در منطقه شمالی ایران، تأسیس بانک استقراضی روس، انحصار گمرکات شمال،

امتیـاز بهره برداری از منـابع رو و زیر زمینی نیمـه شـمالی ایران را نیز به دست آوردنـد. در مقابـل، انگلیسـی هـا بـا جـدا کردن افغانسـتان و بخشـی از بلوچسـتان از ایران، امتیـاز شـیلات و گمرکات جنوب، امتیاز اسـتخراج نفت و بهره برداری از آن، امتیاز بانک شاهنشاهی و کشتی رانی در کارون را از آن خود کردند.(۱)

پیش تر گفتیم که سـید جمال الدین اسد آبادی از روشـنفکران مسـلمان عصر قاجار، استبداد داخلی و استعمار خارجی را مهم ترین و دیرپاترین درد جامعه اسـلامی می دانست. وی کوشید دست های پیدا و پنهان استعمار را در نفاق افکنی های مذهبی و غیرمـذهبی برای مردم ایران بنمایاند. وی در نامه هایی که به علما و مجتهدان ایران و عراق می نوشت، آنان را از اسـرار پشـت پرده اسـتعمارگران درباره ایران آگاه می ساخت و به موضع گیری و مبارزه با اسـتعمار گران فرا می خوانـد. ایشان هشـدار می داد که روح صـلیبی هم چنان در غرب مسـیحی به ویژه در انگلسـتان زنده است. سـید جمال الدین، انگلسـتان را نه تنها قدرتی اسـتعماری، بلکه دشـمن سرسـخت مسـلمانان می دانست و معتقـد بود که هدف انگلسـتان، نابودی اسـلام است.(۲) نـامه او به میرزای شـیرازی آن قدر روشـنگر بود که میرزای شـیرازی را به صدور فتوای تحریم تنباکو واداشت. سـید جمال در آن نامه به امتیازهای

۱- نک: پیوکارلوتریو، رقابت های روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه: عباس آذرین، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ محمود افشار یزدی، گنجینه مقالات، نشـر نیما، موقوفات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۳۶۸، ج ۱، صص ۲۲۶ _ ۲۳۲؛ خان ملک ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، انتشارات بابک، ۱۳۵۴.

۲- مرتضی مطهری، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، انتشارات صدرا، صص ۱۴ _ ۳۹.

فراوانی که شاه ایران به بیگانگان و استعمارگران داده بود، اشاره کرد و از میرزا خواست نسبت به این امتیاز (تنباکو) از خود واکنش نشان دهد.(۱)

سید محمّد طباطبایی یکی دیگر از افرادی بود که در بخشی از نامه اش به عین الدوله، صدر اعظم پادشاه مستبد قاجار می نویسد: «... می بینم این مملکت به دست اجانب می افتد و تمام شئونات و اعتبارات ما می رود. پس تا نفس دارم، در نگهداری این مملکت می کوشم...».(۲)

هم چنین سید محمدکاظم یزدی، مرجع تقلید شیعیان در عراق، در تلگرافی به شاه ایران از اشغال نظامی خاک ایران به دست ارتش بیگانه ابراز نگرانی کرد.(۳) امّا از آنجا که انگلیسی ها تداوم منافع خود را در انقلاب مشروطه و برقراری نظام مشروطه می دیدند، به بستر سازی برای پیدایش آن پرداختند.

اگرچه برخی اظهار نظرهای افراطی در زمینه دخالت انگلستان در پیدایش مشروطه، از پدیده «توهم توطئه» برمی خیزد، ولی در پشتیبانی انگلستان از گام های نخستین مشروطه نمی توان تردید کرد. شاید آشکارترین نشانه پشتیبانی انگلیس از جنبش مشروطه و مشروطه خواهان، پناه دادن آنان در حیاط سفارت انگلیس و طرح خواسته های آنان در دربار

۱- حامد الگار، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۹، صص ۲۸۱ _ ۲۸۲؛ ناظم الاسلام کرمانی تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، صص ۶۸ _ ۷۱؛ عبدالحسین نوایی، شرح حال عباس میرزا ملک آرا، صص ۱۵۵ _ ۱۱۶.

۲- احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۸۱.

۳- عبدالهادی حایری، تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۱۱۳.

و حتی به قولی، تنظیم خواسته های ایشان و القای ماده مشروطه به تحصن کنندگان باشد.(۱)

به یقین، اگر انگلستان مخالف مشروطه بود، نه تنها به مشروطه خواهان پناه نمی داد، بلکه هیچ گاه برای طرح خواسته های آنان در دربار تلاش نمی کرد. دلایل گوناگونی در زمینه هدف انگلیسی ها از تلاش برای پیروزی مشروطه خواهان بیان شده است. یحیی دولت آبادی دلیل همراهی انگلیسی ها با مشروطه خواهان را بیم داشتن آنان از محمّد علی میرزا، جانشین مظفرالدین شاه می داند؛ زیرا محمّد علی میرزا با روس ها دوستی خاصی داشت و این سبب می شد نفوذ روس ها در ایران در زمان پادشاهی او، به زیان انگلیسی ها تمام شود.(۲)

در این دوره، روس ها با پرداخت وام به دربار ایران برای تأمین مخارج آخرین مسافرت مظفرالدین شاه به اروپا، بر نفوذ خود در ایران افزوده بودند.(۳) به ویژه با انعقاد قرارداد گمرکی میان ایران و روس، که به زیان تجار ایران بود و نیز استخدام نوز بلژیکی که آلت دست روس ها بود نفوذ و سلطه اقتصادی روس ها در ایران بیشتر شد. بدین ترتیب، نفوذ اقتصادی روس ها در ایران با منافع اقتصادی و تجاری انگلیسی ها در همه جای ایران به ویژه نفت جنوب تقابل داشت.(۴) انگلیسی ها برای روی کار آمدن

۱- تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۴۳۲.

۲- یحیی دولت آبادی، حیات یحیی، ص ۸۱ .

۳- تاریخ مشروطه، ج ۱، ص ۲۴.

۴- تاریخ مشروطه، ج ۱، ص ۳۷.

حکومت دلخواه خود، با مشروطه همراهی کردند تا منافع نفتی خود را در جنوب ایران بهتر تأمین کنند.

بنابراین، می بینیم که انگلیسی ها به عنوان یک کشور استعمارگر، با در پیش گرفتن این شیوه، تا اندازه ای به پیشرفت مشروطه کمک کردند. البته این سخن یا ادعا، هیچ گاه جنبش طبیعی و بر حق مردم ایران را مخدوش نمی کند؛ زیرا این جنبش در عوامل متعددی ریشه داشت چندان که به خواست انگلیسی ها مربوط نبود، بلکه انگلستان بر اساس منافع خود، در این جنبش اصیل مردمی دخالت می کرد.

فصل سوم: پیروی از رهبران مذهبی

فصل سوم: پیروی از رهبران مذهبی

دین اسلام از همان آغاز، جنبش دینی و سیاسی بود و به ویژه شیعیان به ارتباط تنگاتنگ دین و سیاست، عقیده راسخ داشتند. بنابراین، از نظر شیعیان ایران، عملکرد حکومتگران نمی توانست جدا از اسلام در نظر گرفته شود و رفتار زمام داران می بایست با اصول اسلام همآهنگ باشد. به همین دلیل، هنگامی که مردم، رفتار حکومت را در عرصه های گوناگون اجتماعی، با اصول اسلام و سفارش های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه معصومین علیهاالسلام در تضاد می دیدند و از آن ناخرسند بودند، رهبران مذهبی نیز نمی توانستند ساکت بنشینند و در مقابل آن، واکنشی از خود نشان ندهند.

در مقایسه با دوره صفویه، روابط علمای مذهبی با حکومت در دوره قاجاریه کاهش یافته بود؛ زیرا:

۱. تصور غاصب بودن قاجاریه در به دست آوردن قدرت وجود داشت؛

۲. رفتار شاه و دیگر کارگزاران حکومت با روح عدالت اسلامی بسیار در تضاد بود؛

۳. حکومت در امر قضا که علما آن را حق خود می دانستند، دخالت می کرد؛

۴. خطر سلطه نامسلمانان بر سرنوشت مسلمانان جدّی بود.

نویسندگان در مورد این که کدام یک از عوامل یاد شده، در تحریک برخی علما علیه حکومت قاجاریه نقش بیش تری داشته است، نظرهای گوناگونی ارایه کرده اند. برای مثال، گروهی گفته اند: «... تحولات ناشی از

روابط ایران بـا غرب این انگیزه [مخـالفت با قاجاریه] را فراهم آورد. همین انگیزه در شـرکت برخی از علما و فقها در انقلاب مشروطه نقش مهمی داشت».(۱)

برخی دیگر، انگیزه علما را از دخالت در امور سیاسی و مشـروطه خواهی، تأثیرپذیری از اندیشه های جدید اروپایی و توجه به دگرگونی هـای دنیای آن روز می داننـد.(۲) البته احمـد کسـروی، دخـالت علما را در مسایل سیاسـی به مسایل شخصـی آنان مرتبط دانسته است(۳) و حامد الگار، انگیزه های گوناگون دیگری را برای مخالفت علما با قاجاریه بر می شمارد.(۴)

شکی نیست که انگیزه هـای شخصـی نزد بیش تر علمـای مخـالف قاجـاریه، عامـل مهمی نبوده است. چگونه می توان موافقت علمای بزرگ عراق هم چون آقایان: مازندرانی، خراسانی و طهرانی و علمای ایران مانند: آیت اللّه سید محمّد طباطبایی و سید عبـداللّه بهبهـانی بـا مشـروطه را بـه انگیزه هـای شخصـی آنـان مرتبـط دانسـت. بـه یقین، آن چه رهـبران دینی را علیه قاجـاریه برانگیخت، چیزی جز احساس تکلیف شرعی در مقابل سرنوشت مردم مسلمان ایران نبود. بررسی اندیشه های بعضی از علمای آن عصر شاهد این سخن است. شیخ هادی نجم آبادی در کتاب تحریر العقلا نوشته است:

۱- حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی، نشر نی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۴.

۲- حسن اکبری بیرق، مبانی فکری ادبیات مشروطه، نشر پایا، ۱۳۷۹، ص ۴۵؛ محمد سالار کسرایی، چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰، نشر مرکز، ۱۳۷۹، ص ۲۷۰.

۳- تاریخ مشروطه ایران، ص ۳۳.

۴- نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، صص ۳۵۶ _ ۳۵۹.

... اگر پیروی قواعد شرعیه آن بزرگوار [پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم] نمایید و اصول دین و فروع دین را چنان که بیان فرموده و قرآن و سنتش به آن ناطق است، نگاه دارید، دین اسلام علّو پیدا خواهد کرد؛ دیگران طمع در دین شما نخواهند نمود، بلکه مایل به دین شما خواهند شد.(۱)

وی ریشه بدبختی ایرانیان را در «اعراض از آیات الهی» و تفسیر قرآن بنا «به رأی و وهم خود» می داند.(۲)

سید جمال الدین اسد آبادی نیز در رساله خود خطاب به علما نوشته است:

... علمای اعلام و پیشوایان اسلام، قیام به وظایف واجبه خود کرده، تکلیف خود را در نصیحت و خیرخواهی ادا نمایند و هر آینه اگر علما این مسلک را پیش گیرند، به زودی حق بلند خواهد شد و باطل سرنگون خواهد گردید و چنان نوری ساطع شود که چشم ها را خیره سازد... .(۳)

هم چنین سید محمّد طباطبایی در نامه هایی به مظفرالدین شاه و عین الدوله، صدر اعظم او شجاعانه از آنان می خواهد که بکوشند عدالت را برقرار و ستم را از ملت ایران رفع کنند. او به آنان می گوید چنان چه خواسته باشند مملکت قدرتمند باشد و بیگانه فرصت دخالت در امور مسلمانان را نیابد، باید به «تأسیس مجلس و اتحاد دولت با ملت و دولت با علما» اقدام شود.(۴)

تمام حرکت های مردم در جریان مشروطه خواهی از قیام تنباکو در زمان ناصرالدین شاه گرفته تا قیام ها، تحصّن ها و مهاجرت های مردم در زمان

۱- تشیع و مشروطیت، ص ۹۳.

۲- تشیع و مشروطیت، ص ۹۳.

۳- تشیع و مشروطیت، ص ۹۸.

۴- تشیع و مشروطیت، ص ۱۰۴.

مظفرالـدین شـاه به رهبری علمـا، از انگیزه های اعتقادی سرچشـمه می گرفت و علمای دینی و باور مـذهبی، عامل پیونـد تک تک افراد جامعه در مبارزه علیه سـلطه خارجی و اسـتبداد داخلی بود.از نامه سـید جمال الـدین اسدآبادی به آیت اللّه طباطبایی که در آن زمان در سامرا به سر می برد، به انگیزه تحرک سیاسی علما می توان پی برد. او در این نامه آورده است:

... چه کسـی برای این وظیفه [نجات مردم از ظلم و استبداد] سزاوارتر از تو است؟ ... اکنون اروپاییان اطمینان دارند که در این مذهب، اثری موجود است که سبب می شود مسلمانان بیمی از شوکت مستبدین نداشته باشند.(۱)

از نوشـته های آیت اللّه خراسانی نیز درمی یابیم که آنان قصـد داشـتند بـدین وسـیله قانون خـدایی را اجرا و از کشور اسـلامی ایران در برابر هجوم کفار نگاهبانی کنند.

اجرای امر به معروف و نهی از منکر نیز از اهـداف علمـا در حمـایت از مشـروطه بوده است. آقایـان خراسـانی و مازنـدرانی در تلگرافی چنین آورده اند:

البته بدیهی است زحمات و مجاهدات علما و امرا و سـرداران عظام ملی و مجاهدین دین پرست و وطن خواه و طبقات مختلف ایران در استقرار اساس قویم مشروطیت و این همه بذل نفوس و اموال در تحصیل این سرمایه سعادت، برای حفظ دین و احیای وطن اسـلامی و آبـادانی مملکت و ترقی و اجرای احکـام و قوانین مـذهب و سـدّ ابواب حیف و میـل در مالیه و صـرف آن در قوای نظامیه و سایر مصالح مملکتی و قطع مواد تعدّی و

۱- تشیع و مشروطیت، ص ۹۷.

تحمیل چند نفر نفس پرست خودخواه خودرأی بود.(۱)

در تلگراف دیگری از آنان چنین آمده است:

پر واضح است که اقدامات مجدانه داعیان محض حفظ دین مبین و قوت و شوکت دولت و ترقی ملت و ترفیع حال رعیت و صیانت نفوس و اعراض مسلمین بوده مکررا هم این معنی را نصا و خلوصا، تلگرافا و کتبا به عرض رسانیده... . بذل و جهد در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و سر مویی مخالفت و مسامحه به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت ... است.(۲)

در این میان، علمایی نیز بودند که کم و بیش در جریان مقدمات مشروطه حضور داشتند. عالم برجسته شیخ فضل اللّه نوری در شمار این دسته از علما است.(۳)

بی شک، شرکت او با دیگر علما در مهاجرت کبرا، ضربه سنگینی بر پیکر استبداد قاجاری به شمار می رود. او از علمای تراز اول تهران بود که موضع ضد استبدادی اش در جریان مشروطه اول، پشتیبانی بسیاری از مردم را نسبت به مشروطه خواهی به دنبال آورد.

می توان گفت بیش تر حوادثی که پیش زمینه روی دادن واقعه مهم مشروطه به شمار می روند، با حضور مؤثر برخی علما و روحانیان رقم خورده است، مانند: قیام تنباکو (در عصر ناصری)، اعتراض به امتیاز رویتر (در عصر ناصری)، واقعه تخریب ساختمان بانک استقراضی روس،

۱- تشیع و مشروطیت، صص ۱۲۳ _ ۱۲۴.

۲- تشیع و مشروطیت، ص ۱۲۴.

۳- رسول جعفریان، بست نشینی مشروطه خواه در سفارت انگلیس، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸، ص ۳۱.

تحصن در آرامگاه حضرت عبدالعظیم، مهاجرت کبرا و بسیاری حوادث دیگر.

بنابراین، شماری از روحانیان را می توان از نظریه پردازان اصلی و رهبران عملی انقلاب مشروطه دانست و به طور کلی انقلاب مشروطه را منهای توجه به نقش علما نمی توان بررسی کرد.

فصل چهارم: روشن فکران

فصل چهارم: روشن فکران

منظور از روشن فکران در این جا همه افرادی هستند که از دانش و فرهنگ اروپایی برخوردار یا با آن آشنا بودند و می کوشیدند با تأثیرپذیری از دگرگونی های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اروپا، چشم اندازهای جدیدی برای مردم ستم دیده ایران بگشایند.

جریان روشن فکری از زمانی آغاز شد که ایرانیان به تفاوت آشکار زندگی خود با اروپاییان پی بردند و برخی کوشیدند از گستره این تفاوت ها بکاهند. شکست های ایران از روس ها در زمان فتحعلی شاه، ایرانیان را از پیشرفت فن آوری اروپا در امور نظامی و دیگر عرصه های زندگی آگاه ساخت. از این رو، شماری از دانشجویان برای تحصیل روانه اروپا شدند. گروه دیگری از راهیان اروپا، مأموران سیاسی یا بازرگانان ایرانی بودند. همگی اینان با این پرسش روبه رو بودند. چرا اروپا این گونه پیشرفت کرده و شرق به ویژه ایران این همه از گردونه تمدن پس مانده است؟

آنان با نگارش مقاله، رساله و کتاب در پی یافتن پاسخ مناسب به این پرسش و تشریح آن برای مردم بودند.

این گروه به دلیل استبداد و اختناق قاجار، در خارج از کشور به سر می بردند و در انتقاد از رژیم قاجاری، جسارت بیش تری، از خود نشان

می دادند. افرادی چون سید جمال الدین اسد آبادی، ملکم خان، طالبوف و آخوند زاده در شمار این گروه بودند. البته روشن فکرانی که در داخل ایران به سر می بردند، از بیم تعقیب رژیم مستبد قاجاری نمی توانستند مقصودشان را شفاف و روشن در آثار خود باز گو کنند.

پیش از همه چیز باید آشکار شود که آیا روشن فکران در بیداری مردم ایران نقش داشته اند؟ اگر چنین بوده است، کدام قشرهای اجتماعی از اندیشه ها و روشن گری های آنان اثر پذیرفته اند؟

در این جا به عنوان نمونه، به چند مورد محدود اشاره می شود؛ زیرا پرداختن به تلاش های فکری همه روشن فکران در این کتاب نمی گنجد.

میرزا ملکم، طالبوف و آخوندزاده از نخستین چهره های مطرح روشنگری و روشن فکری هستند. با وجود این که در مورد حسن نیت بعضی از آنان تردید وجود دارد، ولی تأثیرپذیری قشرهایی از مردم باسواد را از این گروه نمی توان انکار کرد. برای مثال، میرزا ملکم خان که خود عامل انعقاد برخی قراردادهای استعماری با ایران بود، پس از آن که از مقام های سیاسی خود عزل شد، در اروپا به چاپ روزنامه و انتشار ده ها کتاب و مقاله علیه استبداد قاجاری دست زد.

طالبوف نیز که آن همه علیه استبداد قلم زده و در میان مشروطه خواهان آذربایجان، جایگاهی به دست آورده بود، پس از پیروزی مشروطه هیچ کار عملی نکرد. حتی هنگامی که مردم تبریز، او را به پاس قدردانی از تلاش هایش در راه مشروطه خواهی، به عنوان نماینده خود در مجلس شورای ملی برگزیدند، وی ماندن در روسیه را ترجیح داد و با وجود

اصرار مشروطه خواهان، از انجام وظیفه در مجلس مشروطه خودداری کرد.

طالبوف تبریزی در کتاب سیاست طالبی، از سیاست حکومت قاجار در وارد کردن فرآورده های غربی انتقاد می کند و از دولتمردان می خواهد به جای وارد کردن کالاهایی چون شیشه آلات و گرامافون و انتقال پول ایران به خارج، با صنایع و کارخانه های تولید کننده این کالا را به داخل ایران بیاورند و نگذارند ایرانی که زمانی صادر کننده کالاهای پارچه ای و غیره به روسیه و دیگر کشورها بود، حال وارد کننده این کالاها باشد. او ریشه همه این بدبختی را وجود استبداد و نبود قانون در ایران می داند.(۱)

در میان روشن فکران کم نبودند کسانی که با انتقاد از تقلید کورکورانه عوام و خواص از غرب و پشت پا زدن برخی افراد به سنت و فرهنگ ایرانی می کوشیدند به مردم بفهمانند به جای تقلید کورکورانه از غرب بایستی به اقتباس عاقلانه از غرب دست بزنند. آنان پشت پا زدن به اعتقاد و فرهنگ ایرانی، تحقیر عوام و ایرانیان عادی، غرق شدن در فساد اخلاقی، زیاده روی در شراب خواری، تقلید از پوشاک و خوراک و آداب و رفتار غربی و سست کردن بنیاد خانواده را نکوهش می کردند.(۲)

آخوندزاده با تأکید بر واژه هایی چون: ملت، ملیت، وطن و وطن پرستی(۳)

۱- عبدالرحیم طالبوف، سیاست طالبی، به کوشش: رحیم رئیس نیا، تهران، انتشارات علم، ۱۳۵۷، ص ۱۲۱.

۲- زین العابدین مراغه ای، سیاحت نامه ابراهیم بیگ، چاپ کلکته، ۱۹۰۹، ج ۲ و ۳، صص ۱۹۸ _ ۲۷۳؛ سیاست طالبی، ص ۱۴۶.

۳- فریدون آدمیت، اندیشه های میرزا فتحعلی آخوند زاده، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹، ص ۱۱۵.

می کوشید روح ملی گرایی را در مردم تقویت کند و با ایجاد پیوند میان افراد ملت، آنان را با حقوق انسانی شان آشنا سازد. وی بر اهمیت وجود قانون آن هم قانون فرنگی تأکید می کرد.(۱)

مجدالملک که روشن فکر درباری بود، در رساله مجدیه بر ایجاد حکومت قانون تأکید می ورزید. یوسف خان مستشارالدوله نیز وجود قانون را رمز پیشرفت و رفاه ایران معرفی می کرد. از این رو، کتاب خود را یک کلمه نام گذارده بود که مراد از آن، قانون است.(۲) بنابراین، می توان گفت بیش تر روشن فکران آن عصر، نبود قانون را عامل مهم عقب ماندگی ایران می دانستند و می پنداشتند چنان چه مردم به اهمیت قانون پی ببرند، برای داشتن قانون اقدام می کنند. داشتن قانون نیز مستلزم داشتن مجلس، انتخابات، آزادی و به دنبال آن نفی استبداد بود.

بی شک، روشن فکران، نخستین گروه از مخالفان دستگاه قاجاری بودند که یک جایگزین عملی برای نظام استبدادی قاجاری معرفی می کردند. آنان مهم ترین گذرگاه ورود اندیشه های نو سیاسی و مخالفت با نظام استبدادی به شمار می رفتند، هرچند از نظر اجتماعی با توده های مردم مأنوس نبودند.

از این رو، این گروه در جریان مشروطه اول هرگز به عنوان رهبران سیاسی ـ اجتماعی انقلاب مورد پذیرش مردم قرار نگرفتند.

دلیل این امر آن بود که:

۱- جمشید بهنام، ایرانیان و اندیشه ترقی، تهران، نشر فروزان، ۱۳۷۵، ص ۷۷.

۲- جمشید بهنام، ایرانیان و اندیشه ترقی، تهران، نشر فروزان، ۱۳۷۵، ص ۱۵۶.

۱. خاستگاه اجتماعی برخی از آنان با اکثریت جامعه متفاوت بود.

۲. بیش تر آنان افرادی سکولار و بعضا مخالف دین بودند.

۳. ذهنیت مردم که آن ها را اباحه گر و سهل انگار در امور اخلاقی می شناختند، مانع هرگونه نزدیکی اجتماعی شان با توده های مردم بود.

۴. برخی از آنان که پیش تر مقام های دولتی داشتند. (مثل میرزا ملکم خان). افزون بر این که مدتی عامل استبداد بودند، برخی قراردادهای استعماری را منعقد کردند.

آثار این نویسندگان پی آمدهای دیگری نیز داشت؛ یعنی آنان افزون بر دادن آگاهی های سیاسی در مورد میزان عقب ماندگی علمی و فنی ایرانیان نسبت به اروپاییان، به برخی آثار فرهنگی منفی نیز دامن زدند. یکی از نویسندگان می نویسد: «ریشه های علم زدگی، تعصب گریزی، فرار از خود، غرب باوری و غرب زدگی در کشور را بایستی در سخنان افرادی چون طالبوف جست وجو کرد».(۱)

۱- علی اکبر ولایتی، سیر و تفحص در مشروطیت و پس از آن، نشر حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۷۹.

فصل پنجم: رکود اقتصادی

فصل پنجم: رکود اقتصادی

اقتصاد ایران عصر قاجاریه هم چون قرون گذشته بر دو پایه کشاورزی و دامداری استوار بود. با این حال، صنایع دستی به ویژه در زمینه نساجی رونق فراوان داشت. در گذشته، منابع تولید و مصرف شرایط ثابت داشتند، ولی در این دوره که با پیشرفت های صنعتی اروپا همراه بود، اروپاییان می کوشیدند از یک طرف، با تولید و صدور فرآورده های صنعتی به بازارهای جهان سوم از جمله ایران، درآمد کافی به دست آورند و از طرف دیگر، با وارد کردن مواد اولیه بسیار ارزان از آن کشورها، سود خود را دو چندان کنند. چون اروپا در این عصر می کوشید به هر قیمتی، به بازارها و منابع مواد اولیه کشورهای دیگر دست یابد، کشورهایی باتوان اقتصادی سنتی و نظام سیاسی ضعیف و ناآگاه نظیر ایران یارای مقاومت در مقابل تهاجم اقتصادی و سیاسی اروپا را نداشتند. نتیجه برقراری چنین رابطه ای، ورود کالاهای صنعتی بسیار ارزان قیمت اروپایی به بازار ایران، رواج فرهنگ مصرف در میان مردم و حذف صنایع دستی و سنتی از گردونه تولید را در پی داشت. ضعف دستگاه سیاسی ایران نیز قدرت های استعمارگر انگلستان و روسیه را تحریک می کرد که با روش های گوناگون، امتیازهای تجاری، گمرکی و ارتباطی فراوانی از زمام داران قاجاریه بگیرند که نتیجه آن، چیزی جز نابودی آخرین رگه های حیات اقتصاد داخلی نبود.

گرفتن امتیازهـای رژی (تنبـاکو)، رویتر، لاتـاری، تلگراف، بانک شاهنشاهی، کشتی رانی در کارون، نفت، گمرکات جنوب و بسیاری امتیازهای گمرکی و بازرگانی دیگر از سوی انگلیسی ها و دریافت امتیازهای بانک استقراضی، انحصار ماهی گیری و کشتیرانی در دریای خزر، تأسـیس جاده های متعدد، بهره برداری از معادن و جنگل های نیمه شمالی ایران، گمرکات شمال از سوی روس ها(۱) نیز ایران و ایرانیـان را از نظر اقتصـادی، گرفتـار وضع فلاکت باری کرده بود. به طور طبیعی مردم ریشه همه این بدبختی های اقتصادی را در رفتار شاه و درباریان او می دانسـتند. البته آگاهان جامعه در آگاه ساختن افکار عمومی نسبت به عوامل نابسامانی های اقتصادی، نقش مهمی داشتند.

سیـد جمـال الـدین اسـد آبـادی در یکی از نـامه هـایش به میرزا حسن شـیرازی، برخی امتیازهـای اقتصادی را که شاه قاجار به استعمار گران و بیگانگان داده و با این کار به بازرگانان، بازاریان و مردم ایران ضربه زده است، این گونه تشریح می کند:

امـا آن چه به زیـان مسـلمانان انجام داده، این است که قسـمت عمـده کشور و درآمـد آن را به دشـمنان فروخته که به تفصـیل عبارت است از:

۱. کان ها و راه هایی که به کان ها منتهی می شود و هم چنین خطوطی که از معادن به نقاط مهمه کشور متصل است؛

۱- نک: تاریخ بیداری ایرانیان، صص ۱۱ _ ۳۸؛ سـعید نفیسی، تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران در قرون معاصر، تهران، بنیاد، ۱۳۴۴؛ چـارلز عیسوی، تاریـخ اقتصادی ایران، ترجمه: یعقوب آژنـد، تهران، نشـر گستره، ۱۳۶۲؛ محمـدعلی تهرانی کاتوزیان، مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹، صص ۴۴ _ ۵۰.

۲. کاروان سراهایی که در اطراف خطوط شوسه بنا می شود (در تمام کشور) به انضمام مزارع و باغستان هایی که در اطراف این راه ها واقع است؛

۳. رود کارون و مسافرخانه هایی که در دو طرف این رود (تا منتهی الیه آن) ساخته می شود و هم چنین مراتعی که تابع این رودخانه است؛

۴. راه اهواز تا تهران و آن چه از ساختمان ها و مسافرخانه ها و باغستان ها و مزارع در اطراف آن واقع است؛

۵. تنباکو و آن چه لازمه این محصول است (از مراکز کشت زارها، خانه های نگاهبانان و متصدیان حمل و نقل و فروشنده ها، هر کجا واقع شده و هر کجا ساخته شود)؛

۶. جمع آوری انگور به منظور ساختن شراب و هر چه ازدکان و کارخانه لازم است (در تمام کشور)؛

۷. صابون، شمع و شکر و کارخانه هایی که لازمه آن هاست؛

۸. بانک (چه می دانی بانک چیست؟) بانک عبارت از این است که زمام ملت را یک جا به دست دشمنان اسلام داده و مسلمانان را بنده آن ها نموده و سلطنت و آقایی کفار را بر آن ها بپذیرند... .

نصف دیگر مملکت را هم به عنوان حق السکوت به دولت روسیه داده (اگر ساکت شود) که آن هم عبارت است از: مرداب رشت و راه انزلی تا خراسان و آن چه از خان ها و مسافرخانه ها و باغستان ها تابع این راه است... . خلاصه این مرد تبه کار [ناصرالدین شاه]، کشور ایران را این طور به مزایده گذاشته و خانه های محمّد صلی اللّه علیه و آله و ممالک اسلامی را به اجنبی می فروشد، ولی از پست فطرتی و فرومایگی که دارد، به قیمتی کم و وجه اندک حاضر به فروش می شود... .(۱)

۱- سید محمّد محیط طباطبایی، نقش سید جمال الدین اسد آبادی در بیداری مشرق زمین، با مقدمه و ملحقات: سید هادی خسروشاهی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱، صص ۲۰۱ _ ۲۰۳.

آن چه سیدجمال به آن ها اشاره کرده، مربوط به دوره ناصرالدین شاه بوده و امتیازهای پادشاه بعدی یعنی مظفرالدین شاه و حتی پادشاهان پیشین؛ یعنی محمدشاه و فتحعلی شاه در آن نیامده است. هم چنین به امتیازهای اعطایی به روس ها اشاره تفصیلی نشده است. با این حال، همین مقدار، گستره امتیازهای اقتصادی اعطایی به استعمارگران را نشان می دهد.

وقتی حکومت کشور که در حقیقت نماینده مردم آن کشور است، به فکر استقلال و ترقی و سعادت آن ملت نباشد، جز وابستگی چیزی در انتظار آن کشور نخواهد بود. در آن صورت است که ملت «... از کاغذ قرآن تا کفن اموات، محتاج فرنگستان»(۱) می شود. با نفوذ استعمار در ایران بر اثر بی لیاقتی حاکمان قاجار، اقتصاد خودکفا و مستقل کشور به اقتصاد وابسته و وارداتی تبدیل شد. پیش تر کالاهای بسیاری هم چون منسوجات، ابریشم، حبوبات و پنبه از ایران صادر می شد، ولی پس از نفوذ استعمار، پارچه های پشمی، ابریشمی و پنبه ای و حبوبات، وارد و مواد خام صادر می شد.(۲)

عامل دیگری که در نابسامانی اوضاع اقتصادی کشور نقش داشت، نا اَمنی بود که از ضعف حکومت مرکزی و سوءاستفاده حاکمان و

۱- سیاست طالبی، ص ۱۲۱.

۲- احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۹، ص ۴۶؛ تاریخ اقتصادی ایران، صص ۱۰۸ _ ۲۰۶؛ لر کرزن، ایران و قضیه ایران، ص ۲۷۸.

شاهزادگان از موقعیتشان سرچشمه می گرفت.(۱) در چنین شرایطی، کسی به سرمایه گذاری در ایران تن نمی داد؛ زیرا نه راه ها اَمن بود و نه قانون و مرجع قضایی مستقلی وجود داشت تا در صورت تجاوز شاهزاده یا حاکمی خودسر به اموال خصوصی مردم، دادخواهی صورت گیرد.

ناامنی های موجود در روستاها به دلیل افزایش تهاجم ایلات کوچ نشین به روستاها و بهره کشی زمین داران و عوامل حکومتی از رعایا، روستاییان را به سوی شهرها کوچانده بود. به همین دلیل، جمعیت شهرنشین در قرن سیزدهم هجری به شدت افزایش یافت و از حدود ۵/۲ میلیون نفر به ۶ میلیون نفر رسید.

کاهش ارزش واحد پول رایج، افزایش بهای اجناس، افزایش مالیات حکومتی بر پیشه های شهری و زمین های کشاورزی در روستاها، کسری تراز پرداخت های کشور و بسیاری نارسایی های اقتصادی دیگر،(۲) نارضایتی هر چه بیش تر مردم را از حکومت قاجاریه در پی آورد. درآمد حکومت قاجار از محل مالیات ها نیز به دلیل کسری در موازنه پرداخت هایش با خارج، کاهش یافت. از این رو، پیوسته عیار مسکوک رایج را کاهش و مالیات ها افزایش یافت. همه این فشارها در کنار واگذاری انحصار منابع و فرصت های اقتصادی به بیگانگان و عناصر فرصت طلب داخلی، افزایش

۱- اوضاع اقتصادی ایران در قرن بیستم، گزارش هیأت اعزامی بازرگانی هند بریتانیا به جنوب شرقی ایران، ترجمه: معصومه جمشیدی و دیگران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶.

۲- محمّد علی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه: محمّد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، صص ۷۵ _ ۸۳.

شدید بهای مواد غذایی اصلی را برای مردم عادی به ارمغان آورد؛ زیرا روستاییان به جای تولید مواد غذایی اصلی ترجیح می دادند مواد خام صادراتی تولید کنند. برای مثال، کشاورزان به جای تولید حبوبات و غلات به ویژه برنج و حتی گندم، ترجیح می دادند تریاک و توتون و پنبه کشت کنند.(۱)

در این میان، محور اصلی انتقاد روشن فکران و دلسوزان جامعه در این دوره، رواج مصرف کالاهای اروپایی در ایران، نابودی صنایع، معادن و تولید داخلی، نبود بندر و راه های کافی، ضعف دولت و بازرگانان ایران و دخالت بیگانگان بود. زیاده روی در هزینه های دربار را باید بر همه این نابسامانی های اقتصادی افزود. با وجود فقر، گرانی و قحطی که در ایران بیداد می کرد، درباریان قاجاری در رفاه و تجملی تصور نکردنی، به غارت کشور سرگرم بودند. برای نمونه، خرج سالانه عزیز سلطان معروف به ملیجک دوم که کودکی بیش نبود، یک کرور پول ایرانی بود. هم چنین چهارصد زن در حرم سرای ناصرالدین شاه به سر می بردند(۲) که هزینه این زنان و دیگر وابستگان دربار تنها از جیب ملت تأمین می شد.

۱- اقتصاد سیاسی ایران، ص ۹۰؛ تاریخ اقتصادی ایران، ص ۲۰۶؛ چالش سنت و مدرنیته در ایران، ص۲۱۱؛ فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون، تهران، ۱۳۵۱، انتشارات خوارزمی، ص ۳۱۶؛ فریدون آدمیت، میرزا آقاخان کرمانی، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۷.

۲- مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۶۳ .

فصل ششم: مدارس جدید، مطبوعات و انجمن ها

فصل ششم: مدارس جدید، مطبوعات و انجمن ها

در این بحث، مدارس جدید، مطبوعات و انجمن های نوبنیاد را به عنوان پیش زمینه های بیداری مردم و آشنایی آنان با عوامل اصلی انقلاب بررسی خواهیم کرد.

بنیان گذار مدارس و مراکز تعلیم و تربیت به سبک جدید و به تقلید از اروپاییان، امیرکبیر بود که دارالفنون را بنا نهاد تا دانشجویان ایرانی با علوم و فنون روز آشنا شوند. هم چنین وی با ساخت چاپ خانه و انتشار روزنامه کوشید از فاصله مردم ایران با مردم اروپا در زمینه های علمی، فنّی و آگاهی های عمومی بکاهد. اندیشه های امیرکبیر در زمان ناصرالدین شاه و شاهان بعدی به همّت بعضی وزیران اصلاح طلب پی گیری شد، ولی مدارس به سبک جدید در زمان ناصرالدین شاه به دلیل مخالفت های او نتوانست گسترش زیادی یابد.

یحیی دولت آبادی در انتقاد از نبود یا کمبود مراکز آموزش و وسایل آموزشی به سبک جدید می گوید:

ملتی که از صد نفر، یک تن با سوادند؛ ملتی که از معلومات عصر حاضر تهی دست است؛ ملتی که خانه خود را نمی شناسد چه رسد به شناسایی دنیا؛ ملتی که در سرتاسر مملکتش هنوز یک مکتب خانه به اصول جدید دایر نگشته؛ ملتی که روشنی افکار دانشمندانش تنها از پرتو افکار فلاسفه و عرفای عالی مقام است، بی آن که هیچ گونه وسیله ای برای استفاده از

روشـنایی عصـر جدید در دست داشـته باشد، چگونه می تواند از تغییرات زمان و عزل و نصب این و آن اسـتفاده فوری کرده، خود را در جریان حیات بخش تمدن جدید عالم بیاندازد؟(۱)

یکی از بنیان گـذاران مـدارس به سـبک جدید، میرزا حسن رشدیه از مردم آذربایجان بود که دبسـتانی را به نام خود در تبریز دایر ساخت. در زمان صـدارت امین الـدوله، شـمار این گونه مدارس در تهران و شـهرهای دیگر ایران گسترش یافت و آزادی خواهان و روشن فکران با بنا نهادن این گونه مدارس کوشیدند شمار باسوادان جامعه را افزایش دهند.

آموزش در بسـیاری از این مـدارس، رایگـان بود و هر کسـی می توانست بـدون داشـتن دغـدغه فراهم آوردن هزینه تحصـیل، فرزنـد خـود را به آن جـا بسپارد. برای مثـال، در مکتب رشـدیه که حـاج میرزا حسن رشـدیه، آن را به دست ور و هزینه امین الدوله، صدر اعظم ساخته بود، شـصت نفر دانش آموز به رایگان تحصیل می کردند. در این گونه مدارس، زبان های اروپایی، زبان عربی، خط، قرآن، حساب، هنـدسه، فارسـی، جغرافیا و شـیمی آموزش داده می شـد. در کنار مدارس ابتدایی و متوسـطه، چنـد مـدرسه عالی نیز ساخته شـد که عبارت بودنـد از دارالفنون، مدرسه فلاحت، مدرسه علوم سیاسـی و مدرسه نظام. در این مـدارس، دانش آموختگـان بـا حقوق اجتمـاعی و سیاسـی خود آشـنا می شدنـد، به گونه ای که شـمار قابـل توجهی از آزادی خواهان مشروطه

۱- حیات یحیی، ج ۱، ص ۷۷؛ مخبر السلطنه هدایت، گزارش ایران، صص ۱۶۴ _ ۱۶۶.

از تربیت یافتگان همین مدارس بودند.(۱)

بـا بنیـان نهادن چاپ خانه در ایران، کتاب های سودمنـد در زمینه های گوناگون به ویژه تاریـخ، انتشار یافت. بیش ترین کتاب هایی که به خواست و تدبیر امیر کبیر چاپ می شد، در زمینه تاریخ و جغرافیا بود؛ زیرا وی در نظر داشت بدین وسـیله آگاهی عمومی مردم را درباره جهان و ایران بالا ببرد.

هم چنین در زمـان ناصـرالدین شـاه، دارالترجمه ای به ریاست اعتماد السـلطنه دایر شـد که به ترجمه و انتشار آثار فرانسوی می پرداخت. در این زمان شـمار ایرانیان تحصـیل کرده ای که فرانسه می دانستند، بسیار زیاد و ترجمه آثار اروپایی از زبان فرانسه به فارسـی رو به افزایش بـود. بـدین ترتیب، آگـاهی عمـومی به طـور محسوس بالاـ رفت، به گونه ای که «ناصـرالدین شـاه» به وضـعیت دوره فتحعلی شـاه غبطه می خورد و از این که مردم زمانه او هم چون زمان فتحعلی شاه، چشم و گوش بسـته نبودنـد، متأسف بود».(۲)

نخستین روزنـامه را در ایران، میرزا صالـح شـیرازی در سـال ۱۲۵۳ ه . ق به نـام کاغـذ اخبـار منتشـر کرد. البته نخستین روزنامه ادواری و پایـدار و رسـمی ایران در زمان امیر کبیر با نام وقایع اتفاقیه انتشار یافت که روزنامه رسـمی و دولتی بود. دیری نپایید که روزنامه های دیگری نیز در ایران انتشار یافتند.

۱- نـک: نهضت مشـروطه ایران بر پایه اسـناد وزارت امور خارجه، واحـد نشـر اسـناد وزارت امور خارجه، به کوشـش: ابراهیم صفایی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، صص ۱۵ ــ ۲۷.

۲- محمّد حسن اعتماد السـلطنه، روزنامه خاطرات اعتماد السـلطنه، با مقدمه: ایرج افشار، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۵، ص ۷۴۷.

البته هیچ کدام از آن ها اجازه و جرأت آن را نداشتند که علیه حکومت قاجار مطالب سیاسی بنویسند. این روزنامه ها در کنار چاپ بعضی اخبار ایران و جهان، مقاله ها و مطالبی درباره اروپا منتشر می ساختند تا مردم با اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اروپا آشنا شوند. روزنامه های دیگری نیز در خارج از ایران چاپ می شدند که عبارت بودند: از اختر و شمس در اسلامبول؛ حکمت، ثریا و پـرورش در قاهره؛ تـرقی و ارشاد در بـاکـو؛ حـبـل المتین در کلکتـه و قـانون در لندن.

انجمن های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی از دیگر عوامل افزایش روشنگری مردم در زمینه فساد حکومت استبدادی قاجار بود. پیش از آن که ایرانیان در این دوره به طور گسترده به اروپا بروند، از انجمن های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خبری نبود. انجمن معارف نخستین انجمنی بود که ۵۴ تن از روشن فکران، آن را با هدف گسترش معارف در ایران بنا نهادند. اعضای انجمن از هر گونه اقدامی برای روشنگری مانند: ساخت مدرسه و انتشار روزنامه کوتاهی نکردند.(۱) پس از آن، انجمن های دیگری شکل گرفتند که در مورد حسن نیّت بنیان گذاران برخی اعضای آن ها نمی توان کاملاً مطمئن بود. نام برخی انجمن هایی که پیش از پیروزی مشروطه تشکیل شدند، بدین قرار است: فراموش خانه، انجمن اخوت، لژ بیداری ایران، مرکز غیبی، حزب اجتماعیون، حزب عامیون، جامع آدمیت، انجمن مخفی و

۱- مهدی ملک زاده، تاریخ مشروطیت ایران، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۵۸، صص ۲۳۹ _ ۲۴۳؛ حیات یحیی، ج ۱، صص ۲۱۳ _ ۲۳۷. خاطرنشان می شود که افراد این انجمن سکولار بودند و معارفی که آن ها در پی گسترش آن بودند سنخیتی با معارف دینی نداشت.

کمیته انقلاب.

شاید امروزه دیگر برای کسی پوشیده نباشد که سنگ بنای فراماسونی و تشکّل های وابسته به آن را استعمارگران انگلیسی نهاده اند، ولی آیا در آن روزگار، افرادی که وارد این انجمن ها می شدند، نسبت به فلسفه وجودی آن تشکّل ها چنین شناختی داشتند؟ به گفته محمود کتیرایی، افرادی که وارد انجمن های وابسته به سازمان فرماسونری در ایران می شدند، در ابتدا از سیاست های پشت پرده و ضد ملی و استعماری آن با خبر نبودند.(۱) اسماعیل رایین نیز در مورد ارتباط تنگاتنگ انگلستان با سازمان فرماسونی می گوید: «اوزولی، سفیر انگلستان در ایران با وارد کردن درباریان به حلقه فرماسونری تقریباً همه اطرافیان شاه را فراماسون کرد.»(۲) به تعبیر وی، نخستین گام در راه تشکیل لژهای فراماسونی در ایران را سرهارفورد جونز، سفیر انگلستان در ایران به سال ۱۱۸۷ ه . ق / ۱۸۰۸ م برداشت.(۳) هم چنین ملکم خان که خود در فرانسه به عضویت فراماسونری در آمده بود، در سال ۱۲۷۵ ه . ق انجمن فراموش خانه را در تهران دایر کرد. در سال ۱۳۲۵ نیز لژ بیداری ایران پایه گذاری شد.

به هر حال، این انجمن ها با انتشار آثار گوناگون می کوشیدند مردم را بر ضد استبداد بشورانند و فعالیت های فکری و عملی روشن فکران را

۱- محمود کتیرایی، فراماسونری در ایران انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۱، مقدمه ص پ.

۲- اسماعیل رایین، حقوق بگیران انگلیس در ایران، تهران، ۱۳۵۲، صص ۳۳ _ ۳۴.

۳- اسماعیل رایین، فراموش خانه و فراماسونری در ایران، تهران، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۱۶.

سازمان دهی کنند.(۱)

۱- جامعه شناسی سیاسی، صص ۲۵۷ _ ۲۵۸.

بخش دوم: پیروزی انقلاب مشروطیت

اشاره

بخش دوم: پیروزی انقلاب مشروطیت

زیر فصل ها

فصل اول: مشروطه اول

فصل دوم: مشروطه دوم

فصل سوم: مقایسه مشروطه اول با مشروطه دوم

فصل اول: مشروطه اول

اشاره

فصل اول: مشروطه اول

در بخش اول زمینه های فکری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گوناگون مؤثر در پیدایش انقلاب مشروطه در ایران را مورد بررسی قرار دادیم. در این بخش، تاریخ انقلاب مشروطه را بررسی می کنیم. از آن جا که مشروطه پس از پیروزی برای مدت کوتاهی گرفتار استبداد دیگری شد و دوباره با حرکت انقلابی احیا گردید، این بخش را در دو فصل مشروطه اول و مشروطه دوم پی می گیریم.

معمولاً جریان مشروطه اول را از قضیه تنباکو و قیام مردم علیه امتیاز رژی آغاز می کنند، ولی با توجه به فاصله زمانی میان قیام تنباکو و انقلاب مشروطه که اولی در زمان ناصرالدین شاه و دومی در زمان مظفرالدین شاه رخ داده است، در این جا به اختصار به قیام تنباکو می پردازیم.

قیام تنباکو

قیام تنباکو

قیام تنباکو نخستین حرکت سیاسی و اجتماعی مهم در عصر قاجار است. بیش تر نویسندگان از این حادثه به عنوان سرآغاز مشروطه خواهی یاد می کنند؛ زیرا در این رویداد، بسیاری از مردم در پرتو رهبری واحد با یکی از تصمیم های رژیم حاکم به مقابله برخاستند و به خواسته خود رسیدند. به یقین، این تجربه بر جرأت، آگاهی و اعتماد به نفس مردم افزود و مردم

برای نخستین بار متوجه شدند که می توانند فرمانروا را وادار به فرمانبری کنند.

عصر ناصرالدین شاه دوره واگذاری امتیازهای فراوان به بیگانگان است. در این زمان، پادشاه قاجار که به دلیل مخارج افزون بر مداخل با مشکلات متعدد روبه رو بود، راه نجات را در وام گیری از بیگانگان و دادن امتیازهای رنگارنگ به آنان می دید. یکی از این امتیازهای واگذار شده، تنباکو بود.

براساس این امتیاز، همه فعالیت های مربوط به کشت، خرید و فروش و صادرات و وارادات توتون و تنباکو به طور انحصاری در اختیار شرکت رژی به مدیریت تالبوت قرار می گرفت که از حمایت انگلستان برخوردار بود. این امتیازنامه در ۲۸ رجب ۱۳۰۷ برابر با ۲۰ مارس ۱۸۹۰ به امضای شاه قاجار رسید.(۱) تالبوت پس از انعقاد این معاهده، کارمندان و کارشناسان اروپایی را به ایران آورد تا امور شرکت را اداره کنند. بسیاری از این افراد، دختران زیبارویی بودند که با همان هیأت غربی خود در خیابان های شهر ظاهر شدند و با برپایی میخانه ها و مهمان خانه های ویژه، مسلمانان را به این اماکن فرا می خواندند.

شرکت رژی در شهرهای تبریز، اصفهان، مشهد و شیراز، نمایندگی دایر کرد و با قرار دادن مرکز خود در تهران، مأمورانش را به گوشه و کنار

۱- اعتماد السلطنه، خلسه، به کوشش: محمود کتیرایی، تهران، ۱۳۵۷، ۲۰۰ _ ۲۰۱؛ ابراهیم تیموری، تحریم تنباکو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸، ص ۲۹ _ ۳۲.

ایران فرستاد. دولت ایران نیز برای هموار کردن راه فعالیت این شرکت، دستورهای جداگانه ای برای اداره های دولتی در سراسر کشور صادر کرد.

در این میان، حکومت با تصرف اموال و دارایی های بازرگانان ثروتمند، ایجاد محدودیت های گوناگون و رشوه ستانی از آنان و امتیازدهی مالی و اقتصادی به بیگانگان، به خشم روزافزون این قشر دامن زده بود. این عوامل به همراه دیگر زمینه ها مانند: برخورداری بازرگانان از سواد خواندن و نوشتن و داشتن روابط نزدیك با علما و مراجع دینی برانگیزه این گروه برای مقابله با استبداد قاجار افزود.

علمای دینی از دیگر مخالفان سرسخت این امتیازنامه بودند؛ زیرا آن را به زیان منافع مسلمانان می دانستند. رفتارهای غیراخلاقی انگلیسی های مستخدم شرکت در تهران و دیگر شهرها نیز نگرانی علما را بیش تر کرد. شیخ ذبیح اللّه محلاتی نوشته است که انگلیسی ها دختران مسلمان را که تا آن روز زیر پرده عصمت بودند، برای پرستاری استخدام کرده و آنان را بی حجاب به امور پرستاری واداشتند.(۱)

از سوی دیگر، اقشاری که از این امتیاز، زیان دیده بودند، به علما پناه بردند و از آنان یاری خواستند.(۲)

علما و روحانیانی که در قیام مردم علیه این امتیاز مؤثر بودند، عبارتند از: میرزای شیرازی (سامرا)، میرزا محمدحسن آشتیانی و شیخ فضل الله نوری (تهران)، حاج میرزا جواد آقا (تبریز)، آقا نجفی، ملا محمدباقر

۱- اعتماد السلطنه، خلسه، به کوشش: محمود کتیرایی، تهران، ۱۳۵۷، ۲۰۰ _ ۲۰۱؛ ابراهیم تیموری، تحریم تنباکو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸، صص ۴۳ و ۴۹.

۲- اعتماد السلطنه، خلسه، به کوشش: محمود کتیرایی، تهران، ۱۳۵۷، ۲۰۰ _ ۲۰۱؛ ابراهیم تیموری، تحریم تنباکو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۸، ص ۴۷.

فشارکی، آقا منیرالدین و شیخ محمدعلی (اصفهان)، میرزا احمد رضوی، حاج شیخ محمدتقی بجنوردی، سید حبیب الله مجتهد شهیدی، شیخ محمد رحیم، سید محمد کلاتی و میرزا عبدالرحمن مدرس (مشهد)، سید علی اکبری فال اسیری، میرزا علی مجتهد، آقا شیخ محمدحسین و حاج میرزا هدایت اللّه پیشنماز (شیراز)، حاج آقا میرزا محمدحسن (کرمانشاه)، حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار (سبزوار)، آقا میر سیدعلی مدرس (یزد).(۱)

سرانجام علمای ایران و خارج از کشور، خبر این امتیاز و زیان های ناشی از آن به مردم و جامعه اسلامی را به آگاهی میرزای شیرازی در عراق رساندند که ایشان را به صدور فتوای تحریم تنباکو و استفاده دخانیات واداشت. مردم با شنیدن این فتوا، به تحریم تنباکو و دخانیات پرداختند و حتی زنان حرمسرای ناصرالدین شاه در پیروی از این حکم، قلیان ها را شکستند.(۲)

ناصرالدین شاه که از هر طرف زیر فشار قرار گرفته بود، ناگزیر شد این امتیازنامه را لغو کند. وی بسیار کوشید تا علما را دست کم با لغو انحصار تجارت داخلی توتون و تنباکو راضی کند، ولی موفق نشد و سرانجام قرارداد از طرف شاه فسخ شد و در هفتم رمضان ۱۳۰۹ به تأیید دو طرف رسید. بر این اساس، دولت ایران مکلف شد از آغاز ماه رمضان

۱- تاریخ اقتصادی ایران، ص ۷۵.

۲- روزنامه خاطرات، اعتمادالسلطنه، ص ۷۸۱.

تا چهار ماه بعد، پانصد هزار لیره غرامت به شرکت رژی بپردازد.(۱) شاه که چنین مبلغی در خزانه نداشت، مبلغ یاد شده را از بانک شاهی که بانکی کاملاً انگلیسی بود، با بهره ۶ درصدی وام گرفت و در عوض، درآمد گمرک بندرهای خلیج فارس، بوشهر، بندرعباس، بندر لنگه و شهر شیراز را ضمانت ادای این تنخواه قرار داد.(۲)

بدین ترتیب، نخستین جنبش جدی سیاسی و اجتماعی مردم ایران در عصر قاجار به نتیجه رسید.البته زمام داران بدین ایران از این درس تاریخ، توشه کافی برنگرفتند و هم چنان به راه ناصواب گذشته ادامه دادند، به گونه ای که این امتیازدهی و وام گیری از بیگانگان سرآغاز امتیازدهی های فراوان دیگر در آینده شد. گفتنی است دولت انگلستان که همیشه با زیرکی، سیاست های استعمارگرانه خود را به پیش می برد، از این تجربه تاریخ بیش ترین بهره را برد. انگلستان بر آن شد تا عامل اصلی خیزش مردم ایران علیه منافع استعماری خود را به دقت شناسایی کند و در تضعیف آن بکوشد. از سوی دیگر، مردم ایران نیز که کاملاً به ماهیت سیاست های استعماری انگلستان پی برده و با مفاسد استبداد بیش تر آشنا شده بودند، دریافتند که با اتحاد میان خود و تمسّک به دین و رهبران دینی می توانند به پیروزی برسند. افزون بر آن، علما و مراجع دینی از میزان نفوذ و قدرت معنوی خود در میان توده ها آگاه شدند.

۱- روزنامه خاطرات، اعتماد السلطنه، ص ۸۰۴؛ ابراهیم صفایی، اسناد سیاسی دوره قاجار، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۵، صص ۷۲ _ ۷۳.

۲- تحریم تنباکو، صص ۲۱۱ _ ۲۱۲.

به همین دلیل، علما و مراجع به طور جدّی در جریان انقلاب مشروطه حضور یافتند و رهبری مشروطه اول را به دست گرفتند.

دریافت وام از روسیه و انگلستان

دریافت وام از روسیه و انگلستان

هنگامی که مظفرالدین شاه به پادشاهی رسید، بنیه جسمانی ضعیفی داشت و پیوسته بیمار بود. در این میان، بهانه درمان در اروپا سبب شد که وی به مسافرت به اروپا علاقه مند شود. به طور طبیعی، وضع بد خزانه این اجازه را به شاه نمی داد که به راحتی بتواند به اروپا مسافرت کند. به همین دلیل، وی برای انجام مسافرت های خود به اروپا ناگزیر بود از دو دولت استعمارگر آن عصر؛ یعنی انگلستان و روسیه، وام بگیرد. نتیجه چنین کاری چیزی نبود جز بر باد دادن ثروت ملت ایران و وثیقه گذاشتن امکانات و منابع مادی ایران نزد استعمارگران روس و انگلیس.

شاه در سال ۱۳۱۵ ه. ق به دست یاری امین الدوله، صدراعظم خود ۰۰۰/۵۰ لیره از بانک شاهنشاهی وام گرفت و گمرک کرمانشاه و بوشهر را وثیقه این وام قرار داد.(۱) چون این مبلغ ناکافی بود و امین الدوله نتوانست وام دیگری از انگلستان یا فرانسه بگیرد، ناچار به استعفا شد. هنگامی که امین السلطان به جای امین الدوله به صدر اعظمی برگزیده شد، چون با روس ها دوستی داشت، توانست ۲۷۵۰/۳۵ تومان با سود ۱۲ درصدی از شعبه بانک تجارتی بین المللی مسکو وام بگیرد و در عوض، گمرک شمال را به عنوان وثیقه آن به روس ها واگذار کند. هم چنین وی از روسیه و

۱- نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت خارجه، ص ۲۸.

بانک شاهی وام های دیگری دریافت کرد تا شاه دوباره بتواند به اروپا مسافرت کند.

در وام نخست، ایران متعهد شد که بدون اجازه روس ها، حق دریافت وام دیگری از هیچ دولتی را نداشته باشد و در وام دوم نیز تعهد داد که عوارض ۵ درصدی گمرک نفت روسیه به ۵/۱ درصد و عوارض قند و شکر روسیه از ۵ درصد به ۵/۲ درصد کاهش یابد.(۱) بنابراین، کالاهای روسی از چنان معافیت مالیاتی برخوردار شدند که نتیجه آن زیان دیدن خزانه و صنعتگران و بازرگانان ایرانی بود.

سلطه بلژیکی ها بر گمرکات کشور

سلطه بلژیکی ها بر گمرکات کشور

در سال ۱۲۸۷ ه. ق و در زمان امین الدوله، اداره گمرک ایران را به سه کارشناس بلژیکی سپردند. فردی به نام نوز، سرپرست این گروه بود که در آغاز پُست مدیر کل گمرکات کشور را در اختیار داشت و یک سال بعد هنگامی که شاه عازم سفر به اروپا بود، وزیر کل گمرکات گردید.(۲)

نوز بلژیکی با بازرگانان مسلمان ایرانی رفتار مطلوبی نداشت، به گونه ای که میان بازرگانان مسلمان و مسیحی ایرانی تفاوت و تبعیض قایل می شد. بازرگانان نیز از تعرفه های جدید گمرکی که از سوی دربار به نوز اعلام شده بود، ناخرسند بودند و آن را کار نوز و همراهانش می دانستند. هم چنین برخی روحانیان نارضایتی خود را از مدیریت و تسلط یک بیگانه نامسلمان بر گمرکات کشور اسلامی ایران اعلام داشتند.

۱- نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت خارجه، صص ۲۹ ـ ۵۱؛ تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، صص ۲۴ ـ ۲۷.

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۲۹.

نارضایتی مردم، بازرگانان و روحانیان در بوشـهر، شـیراز، یزد، اصـفهان و تهران به تناوب و با شدت و ضعف ادامه داشت. در تهران، برخی رجال دینی و بازرگانان و درباریان تصمیم گرفتند شاه را به عزل امین السلطان ترغیب کنند.(۱)

قحطی و کمبود نان

قحطی و کمبود نان

پیش از آن که قیـام رسـمی و علنی مردم برای حـذف کامـل اسـتبداد آغاز شود، اعتراض های مردم به بهانه های گوناگون در شهرهای ایران آغاز شده بود. و در این مرحله، ادعا یا شـعار حذف کامل استبداد قاجاری در میان نبود. این اعتراض ها بیش تر پس از سـفر دوم مظفرالـدین شاه به فرنـگ آشـکار شـد؛ زیرا شـاه بـا دیـدن وضع نابسامـان خزانه، به دستیـاری امین السـلطان (اتابک) کوشـید بر حجم مالیات ها بیفزایـد. ناآرامی و شورش از محرم و صـفر ۱۳۲۱ در شـهرهای ایران گسترش یافت. بهانه مشترک همه این اعتراض ها، به ویژه در شهرهای اصفهان، تبریز، ارومیه، اردبیل، شیراز و کرمان، کمبود نان بود.

در اصفهان، گروهی از مردم و طلاب در مسجد حکیم، مسجد شاه و خانه آقانجفی، مجتهد اصفهان گرد آمدند.(۲)

در تبریز نیز مردم خواسـتار برکنـاری اتابـک، عامـل دریـافت دو وام کلان از بیگانه و عزل مُسـیو پریم، رئیس بلژیکی گمرک آذربایجان شدند. در جریان این شورش، چندین مغازه مشروب فروشی تخریب و چندین هتل

۱- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۳۰.

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۶۸ .

و مدرسه (از نوع جدید) بسته شد.(۱)

شورش مردم در مشهد، به غارت خانه ها و انبارهای محتکران گندم انجامید. هم چنین خانه بیگلر بیگی، مسئول امنیت شهر به غارت رفت و مردم بیگلر بیگی جدید برای شهر برگزیدند.(۲)

گفتنی است علما و مجتهدان آن شهرها معروف از این قیام ها حمایت می کردند.(۳) گرچه این حوادث در ظاهر به دلیل گرانی و کمبود نان به وجود آمده بودند، ولی در واقع، این مسأله بهانه ای بیش نبود و عوامل مهم تری در پشت این حوادث قرار داشتند. مردم در جریان این قیام ها، با تخریب مشروب فروشی ها، مشروب خواران را حدّ زدند، خانه صاحب نفوذان و محتکران را غارت کردند و خواسته های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دیگری را مطرح ساختند. این موارد به خوبی نشان دهنده وجود عوامل بنیادی دیگر در این قیام ها است. حمایت مجتهدان ایران و عراق از این قیام ها نیز این ادعا را تقویت می کند. گفتنی است در بسیاری از شهرها، حکومت برای فرو خواباندن شورش ها، گندم و آرد فراوانی میان نانوایان پخش کرد، به گونه ای که گرانی وقطحی نان رخت بربست، ولی مردم هم چنان به اعتراض و قیام خود ادامه می دادند. از این رو، حکومت ناچار دست به دامان علمای شاخص این شهرها شد تا بلکه آنان، مردم را آرام کنند.

۱- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۷۱.

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۷۴.

۳- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۷۵.

به دنبـال اعتراض مردم و علمـا و تکفیر امین السـلطان از سوی علمـای نجف رحمه الله، شـاه او را از وزارت عزل کرد. البته شاه کسی را به جای امین السلطان به صدارت اعظمی معرفی کرد که فردی خودرأی، مستبد، بی اعتنا به اعتقادات مذهبی و رهبران دینی و مردم بود. او کسی نبود جز عین الدوله، شاه زاده مستبد قاجار.

در مدت بیش از یکصد سالی که از تکیه زدن خاندان قاجار بر تخت و سلطنت ایران می گذشت، هیچ یک از صدراعظم های ایران از شـاه زادگـان قاجـاری نبودنـد. این انتخاب از سوی مظفرالـدین شاه نتوانست حلّال مشـکلات ایران آن روزگار باشـد، بلکه خشونت ها و برخوردهای دور از واقع بینی این فرد واپس گرا، بر شـدّت مبارزه مردم با اسـتبداد قاجار افزود. عین الـدوله ماننـد دیگر کـارگزاران حکومـتی، حکـومت را هیـچ گـاه خـدمت گزار مردم نمی دانسـت، بلکه آن را وسـیله ای برای انجـام مقاصد خصوصی و تأمین منافع شخصی می پنداشت.(۱)

نخستین اقدام عین الدوله، تلاش برای تأمین هزینه سومین مسافرت مظفرالدین شاه به اروپا بود. وزیران پیشـین کوشیده بودند با گرفتن وام از دولت هـای بیگـانه و تأمین هزینه های سـفر شاه به فرنگ، مـدت حیات وزارت خود را تـداوم بخشـند، ولی عین الـدوله به گرفتن وام خارجی امیدی نداشت؛ زیرا ایران بر اساس قراردادش با روسـیه نمی توانست از کشور دیگری وام بگیرد. عین الدوله به شاه قول داده بود که بدون گرفتن

۱- عین الدوله و رژیم مشروطه، ص ۵۱.

وام، هزینه مسافرت شاه را به فرنگ فراهم کند. به همین دلیل، با مأموران بلژیکی گمرک و شخص نوز به گفت وگو پرداخت و به آنـان مـأموریت داد حقـوق گمرکی را چنـان تنظیم کننـد که پـول مورد نظر تـأمین گردد. بلژیکی هـا نیز بر فشـار خود بر بازرگانان ایرانی افزودند و سرانجام عین الدوله توانست بیش تر پول مورد نیاز برای سفر خارجی شاه را از این راه تهیه کند.

در زمان عین الدوله، قرارداد نفت دارسـی نیز به امضا رسـید. اگرچه پیش تر در دوره امین السـلطان، امتیاز نفت به انگلیسـی ها داده شـده بود؛ امتیازی که پی آمـد آن، رخ دادن حوادث ناگوار بعدی برای ایران بود.(۱) در کنار همه این کارها، دستگیری شمـاری از روحانیـان و طلاب به اتهـام ایجاد بلوا و آشوب و تبعیـد آنان به اردبیل، مردم را خشـمگین ساخت. عین الـدوله در اقدامی اهانت آمیز، پا در میانی سید عبداللّه بهبهانی را برای آزادی این گروه رد کرد و این کار، ناراحتی بیش تر روحانیان را از عین الدوله در پی آورد. مردم در شـهرهای مسیر اردبیل به حمایت از تبعید شدگان پرداختند و بوی انقلاب بیش از پیش به مشام رسید.(۲)

آغاز انقلاب

آغاز انقلاب

زمان آغاز انقلاب را می توان محرم سال ۱۳۲۳ دانست. در ماه محرم، مردم در مسجدها و تکیه ها بیش تر از دیگر ایام حضور می یافتند و در تماس با

۱- گزارش ایران، ص ۱۶۴.

۲- تاریخ بیداری ایرانیان، صص ۱۳۴ ـ ۱۳۷.

علما و روحانیان، از رویدادهای کشور آگاه می شدند. در این دوره، ستم کاری دولت و دربار نسبت به مردم به اوج خود رسیده و توان تحمل را از مردم گرفته بود. بسیاری از روحانیان و خطیبان، بر بالای منبر، از بدکرداری نوز بلژیکی و ستم کاری و اجحاف های او انتقاد می کردند.(۱) بازرگانان تهران ابتدا از سعدالدوله، وزیر تجارت و آیت اللّه بهبهانی استمداد خواستند و پس از آن به حرم حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری پناهنده شدند. آنان به سیاست گمرکی ایران که نوزبلژیکی اجرا می کرد، معترض بودند.(۲)

در این زمان، محمّد علی میرزا، ولی عهد شاه در تهران، نایب السلطنه بود. او از بیم این که در صورت تداوم تحصّن، خبر آن به دیگر ولایت ها برسد و آنان نیز به این گروه بپیوندند، به آنان وعده داد که به محض بازگشت مظفرالدین شاه به کشور، نوز را از مقام خود عزل کند. بنابراین، گروه یاد شده به تحصّن خود پایان دادند و به خانه های خود بازگشتند.(۳)

در همین گیر و دار، تصویری از نوز بلژیکی به دست مردم افتاد که در آن نوز لباس روحانیت پوشیده بود. نوز این عکس را در مراسم جشنی (بال ماسکه) گرفته بودکه بلژیکی های زیادی در آن حضور داشتند. این

۱- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۳۷.

۲- روزنامه حبل المتین در آن زمان، گزارش این تحصن به ویژه انگیزه های متحصنان را به چاپ رسانید. مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از انقلاب مشروطیت ایران، صص ۱۱۴ _ ۱۲۴.

۳- حیات یحیی، ج ۲، ص ۵.

مسأله، علما و بازرگانان را که مخالف حضور بلژیکی ها در گمرکات ایران بودند، بیش از پیش برآشفته ساخت.

سید عبداللّه بهبهانی، مجتهد بزرگ تهران در یکی از سخنرانی های خود با بیان سوء استفاده ها و بدرفتاری های نوز و هم دستان بلژیکی او، عکس یاد شده را توهین به روحانیت دانست. او گفت که مظفرالدین شاه بایستی نوز را از مسئولیت خود عزل کند. پس از آن، روحانیان دیگری مانند صدرالعماء، حاجی شیخ مرتضی (پسر میرزای آشتیانی)، شیخ محمدرضا قمی و سیداحمد طباطبایی (برادر سیدمحمد طباطبایی) نیز بر ضد نوز موضع گرفتند.(۱)

در این زمان، شاه در تب و تاب سفر سوّم خود به فرنگ بود که عین الدوله نیز از این فضا برای توجیه بی اعتنایی خود به این مخالفت ها سود برد.

از سوی دیگر، ظفرالسلطنه، حاکم کرمان در جریان قیام مردم این شهر، حاجی میرزا محمّد رضا، مجتهد معروف کرمان را به همراه وکلا‌یش به چوب بست. این دو مسأله، خشم هر چه بیشتر مردم و علما را در پی آورد(۲) علمای تهران از جمله سید محمّد طباطبایی در ۱۷ رمضان ۱۳۲۳، رفتار ظفرالسلطنه را در کرمان محکوم کردند و به انتقاد از حاکمانی پرداختند که عین الدوله به ولایت های کشور می فرستاد.(۳)

۱- تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۱۴۱؛ تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۳۷.

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۵۴.

۳- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۵۴.

یورش به ساختمان بانک استقراضی روس

یورش به ساختمان بانک استقراضی روس

در رمضان ۱۳۲۳ میان مردم شایع شد که روس های مسیحی در حال ساختن بنای بانک استقراضی روس در گورستان مسلمانان و کنار یک امام زاده هستند. مردم روزه دار در ۲۷ رمضان به اشاره علما به ویژه سید محمّد طباطبایی، به محل ساختمان بانک رفتند و آن جا را ویران کردند.(۱) حمله به بانک استقراضی روس تنها یک جلوه از خشم مردم علیه رفتارهای ضدمردمی حکومت قاجار بود.

مهاجرت صغری

مهاجرت صغری

پس از آن که عین الدوله به همراه مظفرالدین شاه از سفر فرنگ بازگشت، به جای آن که به خواسته های بازرگانان توجه کند و از ناآرامی ها بکاهد، تصمیم گرفت به بازرگانان و روحانیان گوشمالی دهد. علاءِ الدوله، حاکم تهران که هم چون عین الدوله، خصلت مستبدانه داشت، به اشاره صدراعظم، شماری از بازرگانان را به بهانه گران کردن قیمت قند تنبیه کرد. این کار خشم بازاریان و علما را برانگیخت. به همین دلیل، بازاریان، علما و مردم در شوال ۱۳۲۳ در مسجد شاه تهران تحصن کردند. عین الدوله دوباره به جای مصالحه با تحصن کنندگان می خواست مثل همیشه به زور و اجبار دست بزنند. در این میان، سیدمحمّد طباطبایی به معترضان پیشنهاد کرد که به حضرت عبدالعظیم پناهنده شوند و در آن جا بمانند تا

۱- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۵۴.

دولت به خواسته های آنان گردن نهد.(۱)

بنابراین، در ۱۶ شوال ۱۳۲۳، سیدمحمد طباطبایی، سید عبدالله بهبهانی، سید جمال الدین افجه ای، صدرالعماء، شیخ مهدی (پسر شیخ فضل الله نوری) و حدود هزار نفر روحانی و طلبه و بازاری به حرم حضرت عبدالعظیم مهاجرت کردند. بازار تهران نیز تعطیل شد.(۲)

در آن جا روزها حاج شیخ محمد یا شیخ مهدی واعظ به منبر می رفتند و سخن می راندند. برخی بازرگانان نیز هزینه معاش تحصن کنندگان را تأمین می کردند. عین الدوله کوشید آنان را به گونه ای پراکنده سازد. او به سیدمحمد طباطبایی پیشنهاد پرداخت بیست هزار تومان را داد مشروط بر این که از سید عبدالله بهبهانی جدا شود و به شهر بازگردد. اما سیّد نپذیرفت و پاسخ داد که من نه پول می خواهم و نه توقع دیگری دارم. ما خواهان عدالت و آسایش برای مردم هستیم و بس. عین الدوله حتّی کوشید با حیله، علما را از حرم بیرن آورد تا بتواند آنان را تبعید کند که نتوانست به این مقصود خود رسد.(۳) سرانجام متحصنان با تدوین خواسته های خود آنان را به آگاهی مردم و حکومت رساندند که مهمترین آن ها عبارت بودند از:

۱. بنای عدالت خانه ای در هر بلدی از بلاد ایرانب تا به عرایض و

۱- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، صص ۲۶۳ _ ۲۶۶ و ۲۸۱؛ حیات یحیی، ج ۲، صص ۱۰ _ ۱۱؛ تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۱۴۰؛ تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، صص ۵۸ _ ۶۸ .

۲- نهضت مشروطه ایران، ص ۱۳۰؛ تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۶۶ .

۳- تاریخ مشروطه، ج ۱، ص ۶۶ ؛ عین الدوله و رژیم مشروطه، ص ۱۰۵.

دادخواهی رعیت رسیدگی شود و به عدل و مساوات رفتار کنند؛ ۲. اجرای قانون اسلام درباره همه افراد بدون هیچ گونه ملاحظه؛ ۳. عزل مسیونوز از ریاست گمرک و مالیه دولت؛ ۴. عزل علاءالدوله از حکومت تهران.(۱)

سفیر عثمانی که واسطه متحصنان و شاه بود، خواسته های مردم را به صورت مکتوب نزد مشیرالدوله وزیر خارجه آورد و او نیز آن را نزد شاه برد. شاه به سفیر یاد شده پیامی فرستاد که خواسته های مردم را پذیرفته است. از این رو، عین الدوله دستور داد خواسته های علما را اجرا کند و همه متحصنان را محترمانه به شهر بازگرداند.(۲)

همان گونه که از مضمون مواد خواسته های متحصنان در حرم حضرت عبدالعظیم هویدا است، بحث مشروطه خواهی در میان نیست، بلکه حداکثر خواسته های مردم در آن دوره، به تأسیس عدالت خانه مربوط می شود که منظور از آن نمی توانست مجلس شورا باشد، بلکه منظور از آن، تشکیل دادگاه های صالحه و بی طرف و عادلانه بود. در مورد این که آیا متحصنان در این زمان هیچ گونه آگاهی و ذهنیتی از مشروطه داشتند یا نه، نمی توان به یقین ادعایی را مطرح ساخت.

مهاجرت کبری

مهاجرت کبری

مظفرالدین شاه در ذیقعده ۱۳۲۳ به عین الدوله دستور داد که عدالت خانه را در سراسر کشور دایر کند تا قوانین اسلامی در آن اجرا گردد و میان

۱- تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۲۹۶.

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۶۸ .

طبقه های گوناگون مردم فرقی گذاشته نشود.(۱) در این میان، عین الدوله برخلاف دستور شاه، از تأسیس عدالت خانه خودداری می کرد. ابتدا به بهانه این که تأسیس عدالت خانه باید به تأیید مجلسی از درباریان برسد، تا مدتی از اجرای فرمان شاه سرباز زد که البته از آن مجلس نیز نتیجه مشخصی بیرون نیامد.(۲) چون فشار مردم افزایش یافت عین الدوله تصمیم گرفت حکومت نظامی برقرار کند. مردم روز به روز بر اعتراض خود می افزودند که در جریان آن، شماری نیز کشته شدند. کم کم اعتراض مردمی از شهر تهران به دیگر شهرها سرایت کرد. دراین زمان، آیت اللّه سیدمحمّد طباطبایی در نامه ای به مظفرالدین شاه نوشت:

اعلی حضرتا! مملکت خراب و رعیت پریشان و گداست. تعدی حکام و مأمورین بر مال و عرض و جان رعیت دراز [است]و ظلم حکام و مأمورین اندازه ندارد. از مال رعیت هر قدر میلشان اقتضا کند، می برند. قوه غضب و شهوتشان به هر چه میل و حکم کند، از زدن و کشتن و ناقص کردن اطاعت می کنند. این عمارت و مبل ها و وجوهات و املاک در اندک زمان از کجا تحصیل شده؟ تمام مال رعیت بیچاره است. این ثروت همان فقرای بی مکنت است که اعلی حضرت بر حالشان مطلعید. در اندک زمان از مال رعیت، صاحب مکنت و ثروت شدند. پارسال دخترهای قوچانی را در عوض سه ری گندم مالیات که نداشتند بدهند، گرفته به ترکمان ها و ارامنه عشق آباد به قیمت گزاف فروختند. ده هزار رعیت قوچانی از ظلم به خاک روس فرار کردند. هزارها رعیت ایران از ظلم حکام و مأمورین به ممالک خارجه هجرت کرده، به حمالی و

۱- تاریخ انقلاب مشروطه ایران، ص ۳۰۸؛ حیات یحیی، ج ۲، ص ۳۲.

۲- حیات یحیی، ج ۲، صص ۵۲ _ ۶۴.

فعله گی گذران می کنند و در ذلت و خواری می میرند. بیان حال این مردم را از ظلم ظلمه به این مختصر عریضه ممکن نیست. تمام این قضایا را از اعلی حضرت مخفی می کنند و نمی گذارند اعلی حضرت مطلع شده، در مقام چاره بر آید. حالت حالیه مملکت اگر اصلاح نشود، عن قریب این مملکت جزو ممالك خارجه خواهد شد. البته اعلی حضرت راضی نمی شود در تواریخ نوشته شود در عهد همایونی، ایران به باد رفت و اسلام ضعیف و مسلمین ذلیل شدند.

اعلی حضرتا! تمام این مفاسد را مجلس عدالت؛ یعنی انجمنی مرکب از تمام اصناف مردم که در آن انجمن به داد عامه مردم برسند، شاه و گدا در آن مساوی باشند... [، رفع کند.] مجلس اگر باشد، این ظلم ها رفع خواهد شد و خرابی ها آباد خواهد شد. خارجه طمع به مملکت نخواهد کرد. سیستان و بلوچستان را انگلیس نخواهد برد، فلان محل را روس نخواهد برد. عثمانی تعدّی به ایران نمی تواند بکند. وضع نان و گوشت که قوت غالب مردم است و ما به الحیوه خلقند، بسیار مغشوش و بد است و بیش تر مردم از این دو محرومند.

اعلی حضرتا!... بیش تر [مردم] به عملگی و فعله گی قوتی تحصیل می کردند که آن را هم غدغن کردند همه روز جمعی از آن ها از گرسنگی می میرند. برای دولت، نقصی از این بالاتر تصور نمی شود. در زاویه حضرت عبدالعظیم سی روز با کمال سختی گذرانیدیم تا دست خط همایونی در تأسیس مجلس مقصود صادر شد... به انتظار انجام مضمون دست خط مبارک روز می گذرانیم. اثری ظاهر نشد. همه را به طفره گذرانیده، بلکه صریحا می گویند این کار نخواهد شد و تأسیس مجلس منافی سلطنت است. نمی دانند سلطنت، صحیح بی زوال با بودن مجلس است. بی مجلس، سلطنت، بی معنی و در معرض زوال است.(۱)

۱- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، صص ۸۵ _ ۸۶.

حتی اگر شاه نیز می خواست به خواسته مردم گردن نهد، عین الدوله نمی گذاشت. بنابراین، همه حمله ها متوجه عین الدوله بود. در این زمان همه تصور می کردند شاه به دلیل بیماری و سلطه عین الدوله بر همه چیز و همه جا، از متن نامه های ارسالی به شاه باخبر نیست. علما به ویژه بهبهانی و طباطبایی هر کدام هفته ای یک بار در مسجدی منبر می رفتند و مردم را به قیام تشویق می کردند.(۱)

در این هنگام، عین الدوله دستور دستگیری یکی از واعظان شجاع به نام شیخ محمّد واعظ را صادر کرد. مأموران هنگام انتقال او به زندان با مقاومت طلّاب رو به رو شدند. طلاب به کمک مردم توانستند شیخ واعظ را از دست مأموران نجات دهند. در این میان، طلبه ای به نام سید عبدالحمید در تیراندازی مأموران کشته شد. صدر العلما از مردم خواست که جنازه عبدالحمید را به مسجد جامع ببرند. علما بیش تر به همراه مردم در مسجد گرد آمدند و به عین الدوله پیام فرستادند که: «مقصود ما تأسیس مجلس عدل است که پس از این کسی ظلم و تعدی نکند و چون عین الدوله مانع عدالت خانه است و دست خط شاه را اجرا نمی کند، پس خاین به دولت و ملت است و باید از مسند وزارت برخیزد.»(۲)

عین الدوله که تصمیم به سرکوب مخالفان خود گرفته بود، شماری از تحصن کنندگان را در جریان راه پیمایی در اطراف مسجد به گلوله بست.

۱- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۸۸.
۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، صص ۹۵ _ ۹۹ و ۸۹ _ ۹۰.

تحصن چنـد روزی ادامه یـافت، ولی علمـا برای این که خـون بیش تری بر زمین نریزد، از مردم خواسـتند به خـانه هایشـان بـاز گردند.(۱) آن گاه بهترین راه برای دست یابی به خواسته هایشان را مهاجرت به مقصد قم تشخیص دادند. از این رو، حدود ده هزار نفر که در میان آنان بیش تر علما و مراجع وقت از جمله آقایان: طباطبایی، بهبهانی و شیخ فضل اللّه نوری حضور داشتند، به سوی قم حرکت کردنـد. بـدین ترتیب، پایتخت از علما و مراجع خالی شـد.(۲) بازرگانان و افرادی که در اعتراض شـرکت داشـتند، ولی به همراه علما به قم نرفته بودنـد، از بیم جان به سـفارت انگلیس پناهنـده شدنـد. گفته می شود که شـمار تحصـن کنندگان در سفارت به چهارده هزار نفر رسید.(۳)

پس از چند روز، تحصن کنندگان درخواست های خود را به وسیله کاردار انگلسـتان به عین الدوله اعلام کردند: درخواسـت های آنان عبارت بود از:

۱. بازگشت علمای مهاجر به تهران؛

۲. اطمینان دادن در مورد تعرض نکردن به آنان پس از پایان بست نشینی؛

۳. تلاش برای برقراری امنیت در مملکت؛

۱- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، صص ۱۰۰ _ ۱۰۶؛ تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۲۴۶؛ تاریخ مشروطیت ایران، ص ۳۵۷.

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، صص ۱۰۶ _ ۱۰۷.

۳- نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت خارجه، ص ۱۳۷ به بعد؛ ادوارد براون، انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱، ص ۱۱۰؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۳۷۴.

۴. افتتاح عدالت خانه با عضویت علما، بازرگانان و اصناف؛

۵. مجازات قاتلان شهیدان مردم.(۱)

تحصن کنندگان به پشتوانه هواداری مردم شهرهای گوناگون که به وسیله تلگراف اعلام می شد، افتتاح دارالشورا و عزل عین الدوله را نیز بر خواسته های خود افزودند.(۲)

دلیل حمایت سفارت انگلیس از آزادی خواهان

دلیل حمایت سفارت انگلیس از آزادی خواهان

این نکته که شمار زیادی از ایرانیان به سفارت انگلستان پناهنده شدند و در آن جا خواسته های خود را مطرح ساختند، به مسأله مناقشه برانگیزی تبدیل شده است. شکی نیست که انگلستان پیوسته به دنبال منافع خود بود و منافع ایران برایش چندان اهمیتی نداشت. حال چگونه است که ایرانیان به دشمن تاریخی و بیگانه پناهنده می شوند تا به کمک او، به دشمن داخلی خود؛ یعنی استبداد، ضربه بزنند؟

هم چنین در این تردیدی نیست که انگلستان در سفارت خود به مخالفان سیاسی ایران اجازه تحصن داد و حتی به صورت های گوناگون از آنان حمایت کرد و حتی خواسته هایشان را مستقیم نزد شاه قاجار مطرح می ساخت؛ مسئولان سفارت دستور بازگشایی درهای سفارت را به روی معترضان و متحصنان دادند و حتی بر این که شمار متحصنان در سفارت لحظه به لحظه در حال افزایش بود، روی خوش نشان می دادند.(۳)

۱- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۱۱۳.

۳- هاشم مافی، مقدمات مشروطیت، ج ۱، ص ۹۵، ص ۱۰۲.

در این جا چند پرسش مطرح است بدین شرح که:

۱. چرا انگلستان به مشروطه خواهان کمک کرد؟

۲. چرا مشروطه خواهان از انگلستان یاری خواستند؟

بی تردید، انگلستان در دست یابی به منافع خود در ایران با روسیه در رقابت بود.

در این زمان نیز انگلستان در رقابت با روسیه که حامی استبداد قاجاری بود، منفعت خود را در حمایت از معترضان به استبداد قاجاری تشخیص داد. به گفته یکی از تاریخ نگاران «انگلیسی ها تمام همّ خود را متوجه این کرده بودند که وسایل تنفر عمومی ملّت را نسبت به روس ها جلب و توجه عامه را به سوی خود جذب نمایند».(۱)

بی شک انگلیسی ها هنگامی که متوجه نارضایتی مردم از حکومت قاجاریه شدند، موضع خود را نسبت به حمایت از استبداد قاجاری تغییر دادند تا با ایجاد موقعیت مطلوب و محبوب نزد مردم ایران، منافع خود را بیش تر تأمین کنند.

بی تردید انگلیسی ها به دنبال یک دولت مشروطه قدرتمند در ایران نبودند. آن ها دولت مشروطه ای می خواستند که فاقد اقتدار و تمرکز قوی سیاسی باشد. چه، تنها در این حالت بود که انگلیسی ها و حتی نظامیان آن ها در نیمه جنوبی ایران می توانستند فعّال مایشاء باشند.

برخی سران مشروطه خواه نیز چاره ای جز تکیه بر انگلیسی ها نمی دیدند. چرا که آن ها گمان می کردند که مستبدین قاجار فقط از دُوَل

۱- هاشم مافی، مقدمات مشروطیت، ج ۱، صص ۸۷ و ۸۸ .

قدرتمند روس و انگلیس می ترسند و در غیر این صورت حاضر به تحمّل هیچ مخالف داخلی نیستند. این افراد از این نکته برای پیشبرد مقصود خود بهره بردند در حالی که ظاهرا چندان نگران اهداف انگلیسی ها در حمایت از مشروطه نبودند.

صدور فرمان مشروطیت

صدور فرمان مشروطیت

سرانجام، تداوم تحصّن در سفارت انگلستان، فشار روانی و اجتماعی ناشی از مهاجرت علما و بزرگان تهران به قم، پا در میانی انگلیس، ارسال تلگراف های فراوان از سوی افراد بانفوذ شهرهای ایران و عتبات، همراهی محمدعلی میرزا با تحصن کنندگان و اظهار هم دردی برخی صاحب منصبان قشون و قزاق خانه با آنان، دربار را واداشت تا از موضع سرسختانه خود عدول کند.(۱)

بدین ترتیب، مظفرالدین شاه ابتدا عین الدوله را از مقام وزارت عظمی برکنار ساخت و چند روز بعد در چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۲۴ برابر با ۱۵ اوت ۱۹۰۶ فرمان تأسیس مشروطه را صادر کرد.(۲)

مظفرالدین شاه در فرمان خود چنین نوشت:

... در این موقع که رأی همایون ملوکانه ما بر آن تعلق گرفته که برای رفاهیت و آسودگی قاطبه اهالی ایران و تأیید مبانی دولت، اصلاحات مقتضیه به مرور در دوایر دولتی و مملکتی به موقع اجرا گذارده شود، چنان مصمم شدیم که مجلسی از منتخبین شاه زادگان و علما و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه، در

۱- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۳۷۵.

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۱۱۹.

دارالخلافه تهران تشکیل و تنظیم شود که در موارد لازمه در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه، مشاوره و مداقه لازمه را به عمل آورده و به هیئت وزرای ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد. اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خودشان را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات مهمه قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض برسانند که به صحه مبارکه موشح و به موقع اجرا گذارده شود. بدیهی است که به موجب این دست خط مبارک، نظام نامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را مرتب و مهیا خواهید نمود که به عون اللّه تعالی این مجلس افتتاح و اصلاحات لازمه شروع شود و نیز مقرر می فرماییم که سواد دست خط مبارك را اعلان و اعلام نمایید که تا قاطبه اهالی... مطلع و مرفه الحال مشغول دعاگویی باشند.

اگرچه مردم از این فرمان خوشحال بودند، ولی از آن جا که کاستی هایی در آن می دیدند، از شاه خواستند در نامه و فرمان خود با صراحت به واژه «توده ملت»و «مجلس شورا» اشاره کند. از این رو، شاه در فرمان بعدی خود، مقصود معترضان را برآورده ساخت. شاه در این فرمان نوشت:

... در تکمیل دست خط سابق خودمان برای آن که عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کامله همایون ما واقف باشند، امروز مقرر می داریم که مجلس مزبور را به شرح دست خط سابق صریحا دایر نموده، بعد از انتخاب اجزای مجلس، فصول و شرایط نظام مجلس شورای اسلامی را موافق تصویب و امضای منتخبین به طوری که شایسته ملت و مملکت و قوانین شرع مقدس باشد، مرتب نمایند... .(۱)

۱- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۱۲۰.

به دنبال این فرمان، مقصود مردم برآورده شد. از این رو، بست نشینان سفارت انگلیس آن جا را ترک کردند و مهاجران قم نیز راهی تهران شدند. هم چنین قرار شد نظام نامه انتخابات نوشته شود. مخبر السلطنه هدایت در این زمینه می نویسد:

صنیع الدوله، محتشم السلطنه، میرزا حسن خان و میرزا حسین خان، پسران میرزا نصراللّه خان مشیرالدوله (صدر اعظم) و من در ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۲۴ از طرف مشیرالدوله برای تنظیم نظام نامه دعوت شدیم. نظر به مقتضیات وقت، صلاح را در انتخابات طبقاتی دیدیم و مدلول دست خط هم همین بود. ۶۰ نفر نماینده برای تهران و ۶۰ نفر برای ولایات مقرر شد و نوشته شد که انتخاب ۶۰ نفر از تهران برای افتتاح مجلس کافی است.(۱)

حدود ۳۰ نفر از نمایندگان تهران را طبقه شاه زادگان، اعیان، زمین داران، علما و بازرگانان و سی نفر بقیه را اصناف گوناگون چون کاغذ فروشان، حریرفروشان، کتاب فروشان، صحافان، بلورفروشان، سیگار فروشان، سقط فروشان، سمساریان، بقالان، حلاجان (لحاف دوزان)، ساعت سازان، بزازان، کفّاشان، پینه دوزان، قصابان، مرغ فروشان، کبابی ها، آهنگران، حلبی سازان، آشپزها و کله پزها، عبادوزها، زرگرها، حصیر باف ها، سلمانی ها و حمامی ها و غیره تشکیل می دادند. تعداد اعضای هرکدام از طبقات و صنوف به تفکیک برای شهر تهران عبارت بودند از: شاه زادگان و قاجاریه (۴ نماینده)، علما و طلاب (۴ نماینده)، بازرگانان (۱۰ نماینده)، زمین داران (۱۰ نماینده)، اصناف (از هر صنفی یک نماینده و جمعا ۳۲ نماینده). زمین داران و کشاورزان که به نمایندگی انتخاب می شدند،

۱- گزارش ایران، ص ۱۷۴.

می بایست مالک ملکی به ارزش دست کم هزاران تومان باشند. بازرگانان منتخب نیز می بایست حجره و تجارت معینی داشته باشند و نمایندگان منتخب از اصناف می بایست دارای دکانی باشند که کرایه آن دکان مطابق کرایه های حد وسط محلی باشد.

از میان این شصت نفر، سه نفر نماینده به اقلیت یهودی، ارمنی و زرتشتی اختصاص داشت. هر ایرانی باسواد که سنش از سی کم تر و از هفتاد بیش تر نبود و سابقه محکومیت جزایی نداشت و حقوق بگیر دولت نیز نبود، حق انتخاب شدن داشت و مدت نمایندگی آنان دو سال بود. برای مجلس، یک رئیس و دو نایب رئیس و چهار منشی در نظر گرفته شده بود که برای مدت یک سال انتخاب می شدند. این نظام نامه در شب ۲۱ رجب همان سال به امضای شاه رسید.(۱)

تشکیل نخستین مجلس شورای ملی

تشکیل نخستین مجلس شورای ملی

ابتدا در تهران، ۶۰ نفر نماینده با رأی مستقیم مردم انتخاب و وارد مجلس شدند. نمایندگان دیگر شهرها و ولایت ها نیز به تدریج وارد مجلس شدند که شمار آنان به ۱۶۱ نفر رسید. ترکیب مجلس بدین شرح بود:(۲)

۱- پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیرشانه چی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷، ص ۷۸؛ مذاکرات مجلس اول، ص ۲۹۶. نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، صص ۱۷۸ ـ ۱۷۹.

۲- چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰، ص ۳۱۷.

مراتب اجتماعی	تعداد نماینده	درصد
شاه زادگان و قاجاریه	۸	۵/۰
علما و طلاب	۴۷	۲/۲۹
عمال دیوانی (اعیان)	۳۶	۳/۲۲
بازرگانان	۲۸	۴/۱۷

اصناف

۲۹

۱۸

دیگران

۱۳

۸/۰

اولین جلسه مجلس در ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ در تهران تشکیل شد. نخستین لایحه ای که به مجلس برده شد، درخواست دولت برای دریافت چهارصد هزار لیره وام از روس و انگلیس بود. مجلس با دریافت این وام مخالفت کرد و تأسیس بانک ملی را پیشنهاد داد.(۱)

هنگام وضع و تصویب قانون اساسی و متمم آن، اختلاف میان نمایندگان آشکار شد. گروه های مخالف یکدیگر به طور کلی سه دسته بودند: دسته ای خواستار اقتدار و اختیار و نفوذ بیش تر پادشاه و دربار بودند. گروهی خواستار حاکمیت دموکراسی در معنای مطلق غربی آن بر کشور بودند. گروه سوم نیز روحانیان بودند که نگران شرع و تنافی قوانین مصوب مجلس با شرع بودند.

در این میان، آیت اللّه شیخ فضل اللّه نوری بیش از دیگران نگران بود

۱- گزارش ایران، ص ۱۷۷.

که مبادا هنگام وضع قانون اساسی و متمم آن، مطلبی برخلاف شرع گنجانده شود. به همین دلیل، با پذیرش مشروطه و اصرار بر این نکته که اختیارات شاه و حکومت باید محدود بوده و نمایندگان مردم سرنوشت خود و مردم را تعیین کنند، می گفت:

مشروطه ای که در فرنگستان ساری و جاری است با مشخصات خاصی که دارد، شایسته اجرا در ایران نیست... من به هیچ وجه منکر مجلس ملی نیستم، بلکه مدخلیت خود را در تأسیس این اساس بیش از همه کس می دانم.(۱)

وی مجلسی می خواست که اساسش بر اسلام باشد و برخلاف شرع، قانونی در آن به تصویب نرسد. به هر حال به اصرار و درخواست علما به ویژه شیخ فضل اللّه نوری، این ماده به متمم قانون اساسی افزوده شد:

مجلس مقدس شورای ملی... باید در هیچ یک از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله وسلم نداشته باشد... [بنابراین، بایستی] در هر عصری هیأتی که کم تر از ۵ نفر نباشد، از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند، به این طریق که علمای اعلام و حجج الاسلام مرجع تقلید شیعه اسلامی اسامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند، معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند. ۵ نفر از آن ها را یا بیش تر به مقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی به اتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده، به سِمت عضویت بشناسد تا موادی که در مجلس عنوان می شود به دقت مذاکره و غور و بررسی نموده، هر یک از آن مواد موضوعه که مخالفت با قواعد اسلام داشته باشد، طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند

۱- رضوانی، لوایح آقا شیخ فضل اللّه نوری، صص ۱۱ _ ۱۲.

و رأی این هیأت علما مطاع و متبع خواهد بود.(۱)

نخستین کمیسیونی که در مجلس تشکیل شد، کمیسیون امور مالی بود که می خواست به دخل و خرج مملکت سروسامانی دهد. البته ممکن نبود مجلس در این تصمیم پیروز شود؛ زیرا منافع افراد بسیاری به خطر می افتاد. مستشارالدوله در این باره می نویسد:

قبل از مشروطه هیچ یک از مشاغل دولتی حقوق معینی نداشت. اشخاصی که داخل خدمات دولت بودند از لشکری و کشوری، از ابتدای امر به فکر تحصیل مواجب می افتادند. خواه فعلاً متصدی خدمتی باشند و خواه در انتظار خدمت بوده باشند. حقوقات هم نقدی و جنسی بود. مثلاً- یک نفر سرهنگ فوج، حقوق معین خدمت نداشت. به مرور زمان به وسایل مختلفه، فرامین برقراری جیره و مواجب رسمی صادر می کردند. بعد به زحمات و تلاش بسیار محل پیدا می کردند و به وسایل و وسایط از محل هایی که یافت می شد، تماما یا قسمتی از آن چه فرمان صادر شده بود، مواجب برقرار می شد. بدیهی است که اهل دفتر و مالیه از هرکس بیش تر و بهتر از محل ها وقوف داشتند. لهذا به صیغ مختلفه در حق خود و کسان خود حتی در حق اولاد شیرخوار خود برقرار می کردند. نتیجه این ترتیب این شده بود که اغلب اشخاص و خصوصا اهل دفتر صاحب حقوقاتی در چندین ولایت بودند. لهذا خیلی اشکال داشت معلوم کردن میزان حقوق حقیقی حقوقات هرکس تا فرصت و مقتضیات اجازه دهد که این ترتیب به کلی منسوخ و برای هر شغلی مواجبی معین شود... گویا یکی از انتظارات دربار این بود که قطع حقوق های فوق الذکر باعث

۱- اسناد مشروطیت خاطرات و اسناد مستشارالدوله، به کوشش: ایرج افشار، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۲، ص ۲۱.

طغیان و شورش صاحبان حقوق گشته و منتهی به انهدام مشروطه شود.(۱)

مبارزه مجلس با منافع استعمارگران در ایران مانند: مخالفت با دریافت وام از روس و انگلیس، محدود کردن اقتدار بیگانگان و قطع حقوق و مواجب بی حساب درباریان و شاه زادگان، مخالفت با قرارداد ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس که بر اساس آن ایران را به منطقه نفوذ خود تقسیم می کردند؛ دشمنی عوامل استعمار خارجی و استبداد داخلی را با مجلس به ارمغان آورد.

استبداد صغیر محمدعلی شاه

استبداد صغیر محمدعلی شاه

مظفرالدین شاه پس از آن که نظام نامه انتخاباتی مجلس اول را در ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۴ امضا کرد، درگذشت. محمدعلی میرزا که ولی عهد او بود، در ۴ ذی الحجه ۱۳۲۴ بر جای پدر بر تخت سلطنت نشست. وی از همان ابتدا مخالفت خود را با مشروطه به شکل های گوناگون نشان داد. بسیاری مخالفت شاه جدید را با مشروطه باور نمی کردند؛ زیرا وی در دوره ولایت عهدی خود از مشروطه و مشروطه خواهان حمایت می کرد. البته دلایل همراهی او با مشروطه خواهان در آن زمان بدین شرح بود:

۱. تمایل به مشروطه خواهی در میان مردم تهران به ویژه آزادی خواهان سرشناس بسیار نیرومند بود. در نتیجه، وی مخالفت با مشروطه را برای آینده ولی عهدی خود مناسب نمی دید.

۲. مخالفت وی با مشروطه خواهان ممکن بود آنان را از او بیمناک و

۱- یادداشت های تاریخی مستشارالدوله، به کوشش: ایرج افشار، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۱، صص ۲۸ _ ۳۹.

به طرف رقیبش سالار الـدوله متمایل کنـد. حتی بیم آن داشت که شـعاع السـلطنه بر او ترجیـح داده شود به ویژه این که او می دانست آزادی خواهان آذربایجان از او دل خوشی ندارند.(۱)

محمـدعلی شـاه بـا دعوت نکردن از نماینـدگان مجلس برای حضور در مراسم تـاج گـذاری خود، نخسـتین دشـمنی خود را با مشروطه خواهان نشان داد.(۲) البته تنهـا محمـدعلی شاه نبود که با مجلس مخالفت می کرد، بلکه در کنار او، گروه بزرگی از درباریـان، زمین داران بزرگ و شـاه زادگـان سـتمگر به این کـار کمر بسـته بودنـد؛ زیرا تلاـش هـای اصـلاحی مجلس، منافع نامشـروع آنـان را تهدیـد می کرد. افزون بر آن، محمـدعلی شاه همه حاکمان ولایت ها را از میان افراد و شاه زادگان جاهل و مسـتبد برگزیـد و از آنـان خـواست که از تشـکیل انجمن هـای ولـایتی جلوگیری کننـد و به مشـروطه خواهـان اجـازه فعـالیت ندهند.(۳)

محمدعلی شاه برای این که در مبارزه اش با مشـروطه، یار و یاور مطمئن و قدرتمندی داشته باشد، امین السلطان را که در اروپا به سـر می برد، به ایران دعـوت و به پُست وزارت عظمی منصوب کرد؛ زیرا مشـیرالدوله را تـا انـدازه ای مشـروطه خواه و مـانع کارهای خود می دانست. امین السلطان در میان مجلسیان، طرفدارانی داشت که به طور طبیعی، انتخابش به این پُست

۱- حیات یحیی، ج ۲، ص ۹۶.

۲- گزارش ایران، ص ۱۷۷.

۳- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۴۱۲.

در میان مجلسی ها، اختلاف ایجاد می کرد.(۱)

امین السلطان پس از ورود به ایران با نیرنگ بازی، خود را همراه و موافق مشروطه و آزادی خواهان معرفی کرد. او با این کار می خواست اعتماد مشروطه خواهان را به دست آورد و آن گاه در فرصت مناسب از غفلت آنان بهره جوید و ضربه نهایی را بر پیکر مشروطه وارد کند. او تا اندازه زیادی در این تدبیر موفق شد و توانست میان مشروطه خواهان مجلس تفرقه اندازد. این مسأله، نگرانی مشروطه خواهان را در پی داشت و در پی آن، امین السلطان به دست فردی به نام عباس آقا صراف تبریزی ترور شد.(۲)

مشروطه خواهان از ترور امین السلطان بسیار خوشحال شدند؛ زیرا ترور وی مخالفان مشروطه را به هراس انداخت. به ویژه آن که وقتی حدود یک صد هزار نفر در مجلس چهلم عباس آقا، قاتل امین السلطان شرکت کردند، بر بیم و نگرانی های مخالفان مشروطه بیش از پیش افزوده شد.(۳) «سران مستبد و رجال درباری از کشته شدن اتابک [امین السلطان] و تجلیلی که از قاتل اتابک شده بود، چنان وحشت زده شدند که چند روزی از رفتن به دربار خودداری و در خانه علاءالدوله، انجمنی به نام انجمن خدمت برپا کردند و عریضه ای به شاه نوشتند که هرگاه شاه با مشروطیت

۱- حیات یحیی، ج ۲، ص ۱۱۸؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۴۶۳.

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۴۴۵؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۴۶۹؛ حیات یحیی، ج ۲،ص ۱۲۸.

۳- انقلاب مشروطیت ایران ادوارد براون، ص ۱۵۵.

همراهی نکند، از نوکری او صرف نظر خواهند کرد».(۱)

این حادثه موجب شد بزرگان مخالف مشروطه که در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی تحصن کرده بودند، به تحصن خود پایان دهند. حدود پانصد نفر از بزرگان مخالف مشروطه نیز در مجلس حاضر شدند و سوگند خوردند که پشتیبان مجلس هستند. هم چنین محمدعلی شاه که بیمناک شده بود، به مجلس آمد و عهد کرد به قانون اساسی احترام بگذارد. او که تا این زمان از تأیید و امضای متمم قانون اساسی خودداری می ورزید، بی درنگ آن را تأیید و مهر و امضا کرد.(۲)

گسترش فعالیت انجمن های پنهانی بیش از گذشته محمدعلی شاه را نگران کرد و دیگر کارهای مجلس نظیر: تنظیم بودجه سالانه دربار، کاستن از حقوق و مواجب شاه زادگان مستبد و متنفذی چون ظل السلطان و شعاع السلطنه و برانداختن رسم تیول سبب شد شاه در برانداختن مشروطه بیش تر شتاب کند.(۳)

محمدعلی شاه پس از کشته شدن امین السلطان، ناصرالملک را که مشروطه خواه بود، به صدارت اعظمی برگزید. البته پس از آن که اندکی آسوده خاطر شد، تصمیم گرفت محدودیت ها و فشارهای بیش تری نسبت به مشروطه خواهان و مجلس وارد کند. از این رو، ناصرالملک را برکنار و حتی قصد جان او کرد که ناصرالملک با پا در میانی انگلیسی ها از مهلکه

۱- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۴۹۶.

۲- دولت های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم، ص ۲۵؛ ایران بین دو انقلاب، ص ۸۴.

۳- دولت های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم، ص ۳۰.

جان به در برد.

پس از ناصرالملک، نظام السلطنه به مقام صدارت رسید. در زمان او آرامشی نسبی میان شاه و مجلس برقرار شد تا این که در ۲۵ محرم ۱۳۲۵، هنگامی که محمدعلی شاه به دوشان تپه می رفت از سوی افراد ناشناس با نارنجک مورد حمله قرار گرفت.(۱)

بمباران مجلس مشروطه

بمباران مجلس مشروطه

محمدعلی شاه که نشان داده بود هرگز حاضر نیست دموکراسی و مشروطه را تحمل کند، از این حادثه برای سرکوبی کامل مشروطه و مجلس بهره گرفت. وی در آغاز پادشاهی نیز می خواست مجلس را سرکوب کند، ولی در آن زمان، انگلستان از مشروطه پشتیبانی می کرد. هنگامی که انگلستان، مجلس اول مشروطه را در راستای منافع استعماری خود ندید، با آن به مخالفت پرداخت.

نخستین جلوه مخالفت انگلستان با مشروطه، توافق با روسیه در پیمان ۱۹۰۷ م. در مورد تقسیم ایران به سه منطقه نفوذ بود. محمدعلی شاه نیز چندین خواسته خود را به مجلس اعلام کرد. از آن جا که انجام خواسته های شاه نتیجه ای جز برپایی دوباره استبداد و این بار به صورت قانونی و به دست مجلس نبود، مجلسیان خواسته های او را رد کردند.(۲) محمدعلی شاه نیز در ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۲۶ به کمک قزاقان به فرماندهی لیاخوف روسی با توپ به مجلس یورش برد و آن را تعطیل

۱- حیات یحیی، ج ۲، ص ۱۹۹.

۲- حیات یحیی، ج ۲، صص ۳۰۰ _ ۳۰۶.

کرد.(۱) شماری از سران مشروطه نظیر ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل را بی درنگ اعدام کردند و گروهی دیگر به سفارت انگلیس پناهنده شدند یا تبعید یا زندانی گشتند.(۲)

بی تردید، چنان چه نمایندگان مجلس اول از اتحاد و دوراندیشی و زیرکی زیادی برخوردار بودند، پیش از آن که محمدعلی میرزا بتواند علیه مشروطه کودتا کند، با بهره گیری از حربه های مناسب می توانستند شاه را بر سر جای خود بنشانند و خیال تجاوز به مشروطه را از سر او بیرون کنند.

اما با این حال خوش بینی بی جای مجلسیان نسبت به شاه، نگرفتن تصمیم مؤثر و قاطع در مورد بازوی نظامی کشور و فرماندهی آن و موارد دیگر، سبب شد مجلس از شاه مستبد قاجار شکست بخورد. تغییر موضع انگلستان در حمایت از مشروطه و گرایش به حمایت از استبداد قاجاری نیز در کودتای شاه نقش اصلی را ایفا می کرد. به یقین، چنان چه محمدعلی شاه از ناخشنودی انگلستان نسبت به مشروطه مطمئن نمی شد، به راحتی نمی توانست به نابودی مشروطه کمر بندد. مخالفت مجلس با وام گرفتن دولت ایران از انگلستان و دگرگونی های جهانی که به توافق انگلستان با روسیه و تقسیم ایران به مناطق تحت نفوذ انجامیده بود، هم آهنگی انگلستان با روس ها را در سرکوبی مشروطه به دنبال آورد.

۱- تاریخ مشروطه ایران، ج ۲، ص، ۶۷۵ _ ۵۷۶؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۱۹۷.

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۲، صص ۶۵۱ _ ۶۵۶؛ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ص ۱۹۸.

فصل دوم: مشروطه دوم

اشاره

فصل دوم: مشروطه دوم

زیر فصل ها

دوره استبداد صغیر و جنبش اجتماعی مخالف آن

فتح تهران

شیخ فضل اللّه نوری و مشروطیت

دوره استبداد صغیر و جنبش اجتماعی مخالف آن

دوره استبداد صغیر و جنبش اجتماعی مخالف آن

دوره استبداد صغیر یک سال بیش تر دوام نیافت. به یقین، اگر محمدعلی شاه از درک و شعور سیاسی و اجتماعی برخوردار بود، می توانست بیهودگی رفتار خود را در سرکوبی مجلس بفهمد. بدیهی است ملتی را که به جسارت قیام علیه استبداد دست یافته است، نمی توان دوباره برای مدت طولانی زیر یوغ استبداد درآورد. در این میان، پشتیبانی روسیه و انگلستان از برپایی دوباره استبداد، مایه عبرت همگان است. این دو کشور استعمارگر هیچ گاه پیش بینی نمی کردند که عمر استبدادِ دوم، این مقدار کوتاه باشد.

در هر حال، با استقرار استبداد صغیر، سرکوبی آزادی خواهان و دوستداران مشروطه در همه جای ایران آغاز شد.

اهالی تبریز از زمانی که خبر به توپ بسته شدن مجلس را شنیدند، خود را برای یک مقاومت همه جانبه و نبرد با استبداد صغیر آماده کردند. انجمن ایالتی آذربایجان به شهرهای مختلف تلگراف زد و آن ها را علیه محمدعلی شاه برانگیخت. بدین ترتیب، علمای برجسته نجف مانند آیات عظام: خراسانی، مازندرانی و تهرانی مخالفت خود با محمدعلی شاه و

حمایت شان را از مجلس و مشروطه اعلام داشتند. آنان در تلگرافی به آقایان: بهبهانی، طباطبایی و افجه ای گفتند:

... همراهی با مخالفین اساس مشروطیت هر که باشد.... محاربه با امام عصر عجل اللّه فرجه است.(۱)

چندی نگذشت که شهر تبریز به دو قسمت تقسیم شد. یک قسمت، دولتی ها و طرفداران آن و قسمت دیگر، مشروطه خواهان به رهبری ستارخان و باقرخان بودند. رحیم خان چلبیانلو یکی از اشرار منطقه نیز با سواران خود به دولتیان یاری می رسانید.(۲)

البته آنان نتوانستند مجاهدان مشروطه خواه را شکست دهند. سرانجام، دولت مرکزی ناگزیر شد سپاهی را از تهران به فرماندهی عین الدوله و سپهدار به تبریز بفرستد. مقاومت سرسختانه مجاهدان تبریز به فرماندهی ستارخان و باقرخان، عین الدوله را از به دست آوردن پیروزی نا امید ساخت. از این رو وی تصمیم گرفت با محاصره کامل شهر تبریز و قطع راه های ارتباطی این شهر، مردم تبریز را در قحطی و فشار قرار دهد تا آنان را به تسلیم وادار سازد.(۳)

محمدعلی شاه وقتی پس از ماه ها جنگ با مشروطه خواهان تبریز از پیروزی نا امید شد، از ورود سربازان روس به ایران برای حمله به تبریز به بهانه نجات جان اتباع روس استقبال کرد. نیروهای متجاوز روسیه به

۱- تاریخ مشروطه ایران، ج ۲، ص ۶۱۴ .

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۲، صص ۶۷۷ و ۶۸۸ .

۳- عین الدوله و رژیم مشروطه، ص ۱۸۱.

زور وارد شهر تبریز شدند و گروهی از سران آزاده و مشروطه خواه مانند: ثقه الاسلام و شماری دیگر را به دار آویختند.(۱)

بایـد دانست فتح تبریز به دست روس ها برای محمدعلی شاه فایده ای نداشت؛ زیرا مقاومت یازده ماهه مردم این شـهر در برابر پادشـاه مسـتبد قاجـار، روح مقـاومت و جسـارت را در مردم ایران تقـویت کرده بود. به همین دلیـل، همـان زمـان که روس ها مشـغول دستگیری و اعدام بعضی از آزادی خواهان تبریز بودند، آزادی خواهان و مشروطه خواهان گیلان و اصفهان برای فتح پـایتخت، راهی تهران شدنـد. محمـدعلی شـاه که از این قیـام جدیـد به وحشت افتاده بود، نیروهای محاصـره کننـده تبریز را به تهران فرا خواند. در این میان، مشروطه خواهان تبریز دوباره قدرت گرفتند و تصمیم گرفتند روانه تهران شوند.

از سوی دیگر، در دو شـهر رشت و اصـفهان شورش درگرفت. انجمن رشت بر فعـالیت هـای خود افزود و جنـگ های خیابانی میـان نیروهای مردمی و دولتی به فرمانـدهی آقابالاخان سـردار افخم درگرفت. انقلابیون قفقاز و گروهی از ارامنه داشـناک نیز که تبعه عثمانی بودند، به فرماندهی یفرم خان ارمنی به گیلان آمدند. آقابالاخان به قتل رسید و مازندران به انقلابیون پیوست. انقلاـبیون به رهبری محمـدولی خـان تنکـابنی که در شـمال ایران املاک فراوان داشت، احیای مشـروطیت، گشایش مجلس و برکناری محمدعلی شاه را خواستار شدند و به سوی تهران حرکت کردند.(۲)

۱- عین الدوله و رژیم مشروطه، ص ۱۹۵.

۲- عبدالحسین نوایی، فتح تهران، تهران، انتشارات بابک، ۲۵۳۶، ص ۳۱.

در اصفهان، گروهی از مردم شهر اعم از پیشه ور و بازاری و روحانی در مسجد بست نشستند. دسته کوچکی از بختیاری ها نیز همراه با بست نشینان خواستار گشایش مجلس شورا شدند. بختیاری ها دسته دسته وارد شهر می شدند و مأموران دولتی در پراکنده کردن مردم ناکام ماندند. حاکم شهر از ترس مردم، پُست و مقام خود را رها کرد و گریخت. صمصام السلطنه بختیاری، رئیس ایل بختیاری و سردار اسعد، برادرش که به تازگی از پاریس آمده بود، رهبری انقلابیون اصفهان را به عهده گرفتند و به سوی تهران حرکت کردند.(۱)

فتح تهران

فتح تهران

مقاومت سرسختانه مردم تبریز در مقابل قوای دولتی، فعالیت های انجمن های محلی شهرها و ولایت های گوناگون، اعتراض بسیاری از علمای نامدار ایران و عراق به رفتار سرکوبگرانه محمدعلی شاه و فشار روس و انگلیس بر شاه ایران برای جلوگیری از رخ دادن انقلاب دیگر، محمدعلی شاه را مجبور کرد در فرمانی به تاریخ ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۷، مشروطه را برگرداند.(۲)

این اقدام محمدعلی شاه بسیار دیر هنگام بود و امیدی به کارگر افتادن این تدبیر نمی رفت؛ زیرا همه مردم به سرشت استبدادی محمدعلی شاه پی برده بودند. اعدام، شکنجه، تبعید و دیگر رفتارهای جنایت کارانه او در برابر مشروطه خواهان و از همه مهم تر به توپ بستن مجلس بر کسی

۱- علی اصغر شمیم، ایران در دوران سلطنت قاجار، ص ۵۲۹.

۲- اسناد مشروطیت، ص ۷۲.

پوشیده نبود. مردم که این تـدبیر محمـدعلی شاه را ترفنـدی برای نجات حکومت خود می دانسـتند، بـدان اعتنایی نکردنـد. به همین دلیـل، انقلابیون آذربایجـان، گیلان و اصـفهان با هـدف سـرنگونی محمـدعلی شاه به حرکت خود به سوی تهران ادامه دادند.

دو دولت روس و انگلیس بسـیار کوشیدند تا سران مشروطه خواه؛ یعنی سپهدار رشتی و صمصام السلطنه بختیاری را از تصرف تهران منصرف کنند، ولی این کار بی حاصل بود؛ زیرا اگر این دو نفر نیز می خواستند چنین کنند، مردم آرام نمی نشستند.

سرانجام در ۲۱ جمـادی الاخر ۱۳۲۷، تهران پس از درگیری کوتـاهی به تصرف مشـروطه خواهان درآمـد. محمـدعلی شاه به سفـارت روسـیه پناهنـده شـد. قوای قزاق به فرمانـدهی لیاخوف، خود را تسـلیم فاتحان کردنـد. سـپس در مجلس که با حضور سفیران روس و انگلیس، سـپهدار رشتی، صـمصام السـلطنه، سـردار اسعد و بسیاری از سران مشروطه خواه تشکیل شد، اعضا به اتفاق آرا، محمـدعلی شاه را از شاهی خلع کردند و پسر ۱۲ ساله اش، احمـدمیرزا را به سـلطنت رساندند. البته چون وی نابالغ بود، عضـدالملک، بزرگ خانـدان قاجـاریه به نیابت سـلطنت تعیین شـد.(۱) مشـروطه خواهـان پس از پیروزی، بـه محـاکمه و مجازات مخالفان مشروطه پرداختند. محمدعلی شاه از پادشاهی، خلع و به روسیه تبعید و شیخ فضل اللّه نوری به اعدام

۱- ایران بین دو انقلاب، ص ۹۱؛ تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ص ۲۶۱.

محکوم شد.

شیخ فضل اللّه نوری و مشروطیت

شیخ فضل اللّه نوری و مشروطیت

شیخ فضل اللّه نوری از جمله شخصیت های برجسته در جریان مشروطه است که هر نویسنده ای که دست به قلم برده و از حوادث مشروطه یا جنبش عدالت خواهی، سخن گفته، شیخ را از قلم نیانداخته، بلکه او را مورد توجه قرار داده است. البته هرکسی به پندار خود درباره او به داوری نشسته است؛ یکی، او را شهید عزّت و جنازه او بر سر دار را هم چون پرچم آزادی و آزادگی و مظهر وفا و دل بستگی به دین و شریعت نبوی صلی الله علیه و آله وسلم دانسته و دیگری، نسبت استبداد و همکاری با مستبد و ریاست طلبی به او داده است. برای شناخت دیدگاه شیخ درباره مشروطه و آگاهی از نقش ویژه ایشان در آن واقعه، باید ریشه فکری شیخ را در آن حرکت دینی و مردمی جست وجو کرد. جنبش تنباکو هرچند در اصل، نهضتی علیه عناصر وابسته به بیگانه در داخل حکومت بود و مضمون اصلی آن را مبارزه با استعمار خارجی تشکیل می داد، ولی در راستای نفی استبداد مطلقه بود که بعدها به عنوان یکی از ویژگی های اصلی انقلاب مشروطه و به نوعی بنیان آن را شکل می داد. احتشام السلطنه که خود از مشروطه خواهان و رئیس نخستین مجلس شورای ملی است، در این باره می نویسد:

در سال ۱۳۰۸ قمری، مرجع بزرگ عالم تشیع، مرحوم میرزای شیرازی، فرمان تحریم استعمال تنباکو را صادر و استعمال آن را در حکم محاربه با ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف اعلام نمود و جمیع علمای اعلام و جامعه روحانیت طهران از طلاب علوم دینی تا بزرگ ترین مجتهد معاصر در آن نهضت

بزرگ دینی و ملّی، یار و یاور و حامی مردم و مجری فتوای تحریم بودند که نهال آزادی و مشروطیت ایران در آن واقعه کاشته و آبیاری گردید و امروز همان نهال بارور شده است.(۱)

حامد الگار نیز در این باره می نویسد:

هیجانی که علیه امتیاز تنباکو پدید آمد، از یک سو تکرار نقش سنتی علما در مخالفت با دولت و از سوی دیگر پیش درآمد انقلاب مشروطه بود.(۲)

نیکی کدی نیز در کتاب تحریم تنباکو در ایران به این واقعیت اشاره دارد. به هر حال، این حقیقت را باید پذیرفت که مشروطه و جنبش عدالت خواهی مردم ایران در واقعه تحریم تنباکو ریشه دارد.

در این میان، نکته قابل توجه، نقش برجسته ای است که شیخ فضل الله در آن نهضت مذهبی داشته و هیچ کس آن را انکار نمی کند، حتی افراد سکولاری چون احتشام السلطنه می نویسد:

در آن وقایع، شیخ فضل اللّه نوری در طهران کباده ریاست می کشید و در صف پیشوایان روحانی مشوّق و محرّک مردم در مخالفت با امتیاز نامه رژی بود.(۳)

نقش شیخ در جنبش تنباکو را در سه جهت می توان مورد توجه قرار داد:

۱- سید محمدمهدی موسوی، خاطرات احتشام السلطنه، انتشارات زوّار، ص ۵۷۲.

۲- نقش روحانیت پیش رو در جنبش مشروطیت، ص ۲۸۶.

۳- خاطرات احتشام السلطنه، ص ۵۷۳.

۱. شیخ مهم ترین مجرای ارتباطی بین مردم و علما با رهبر عام جنبش؛ یعنی میرزای شیرازی بود. میرزا افزون بر کسب اخبار و اطلاعات، از فکر شیخ نیز در برنامه ریزی های مبارزاتی بهره می گرفت.

۲. شیخ در خنثی کردن تبلیغات سوء ایادی حکومت و کمپانی بر ضد نهضت، نقش مهمی داشت. مقصود آنان این بود که با پخش شایعه «جعلی بودن» حکم تحریم تنباکو میرزا، به حیثیت و مشروعیت نهضت ضربه بزنند، و با کاستن از اعتبار آن در اذهان عمومی، رهبران قیام را به انزوا و نهضت را به شکست بکشانند.

۳. شیخ در تبیین فلسفه نهضت و تقویت و تثبیت ماهیت مذهبی و سیاسی آن، نقش مهمی داشت.(۱)

البته نقش و فعالیت شیخ به همان نهضت تنباکو خلاصه نشد بلکه در نهضت عدالت خواهی یکی از رهبران مذهبی این نهضت بود و در جریان مشروطه نیز از نیروهای تأثیرگذار به شمار می رفت که تاریخ نگاران مشروطه به شرکت مؤثر شیخ در نهضت عدالت خواهی صدر مشروطه اشاره و اعتراف دارند. فریدون آدمیت و مهدی بامداد که از تاریخ نگاران سکولار هستند، تصریح کرده اند که شیخ در قیامی که منجر به صدور فرمان مشروطیت گردید خدمتی ارجمند کرد.(۲) اسماعیل رائین نیز در کتاب انجمن های سری در انقلاب مشروطیت خاطر نشان می سازد که شهید نوری در

۱- علی ابوالحسنی منذر، اندیشه سبز، زندگی سرخ، تهران، نشر عبرت، ۱۳۸۰، ص ۸۸ .

۲- فریدون آدمیت، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطه، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۴۰، ص ۲۴۶؛ مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۳، ص ۹۷.

طلوع مشروطه یکی از سه رهبر برجسته معترضان به شمار می رفت.(۱)

احمد کسروی که از مخالفان شیخ و روحانیت است، به این حقیقت اعتراف می کند و می نویسد:

جنبش مشروطه در تهران را دو سید پدید آوردند و صدرالعلماء و حاج شیخ مرتضی آشتیانی و شیخ محمدرضا قمی و کسان دیگری از ملایان، همگام می بودند، سپس در پیش آمد بست نشینی در مسجد آدینه [جامع تهران] و کوچیدن به قم، حاجی شیخ فضل الله نیز با آنان همراهی نمود و پس از آن همیشه همراه بود. پس از پیشرفت مشروطه و باز شدن مجلس، دیگران هر یکی بهره ای جسته، به کنار رفتند، ولی دو سید و حاجی شیخ فضل الله هم چنان بازماندند و چون مشروطه را پدید آورده خود می شماردند، از نگهبانی از آن بازنمی ایستادند.(۲)

سیدحسن تقی زاده نیز تکیه گاه مجلس و مایه قوت و قدرت آن را علمای بزرگ طهران می داند که در رأس آن ها، سید عبدالله بهبهانی، آقا میرسید محمد طباطبایی و حاج شیخ فضل الله نوری بودند.(۳)

شکی نیست که شیخ در جریان نهضت تنباکو نقش برجسته ای داشته و در نهضت عدالت خواهی نیز از نیروهای تاثیرگذار بوده، و حتی مخالفان او نیز بر این امر تأکید دارند، ولی پرسش اساسی این است که چرا شیخ پس از پیروزی نهضت عدالت خواهی و تشکیل مجلس و حتی حضور در مجلس، راه خود را جدا کرد و با مطرح کردن مشروطه مشروعه، به مخالفت

۱- اسماعیل رائین، انجمن های سری در انقلاب مشروطیت، انتشارات امیرکبیر، ص ۷۹.

۲- احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، انتشارات امیرکبیر، ج ۱، ص ۲۸۵.

۳- سیدحسن تقی زاده، زمینه انقلاب مشروطیت سه خطابه، تهران، انتشارات گام، ۱۳۵۶، ص ۴۴.

با مجلس و مشروطیت پرداخت و به همراه گروهی، در زاویه حضرت عبدالعظیم به بست نشست؟

در پاسخ به این پرسش، داوری های متفاوتی شده و می شود؟ برخی افراد دلیل مخالفت شیخ را همراهی با استبداد دانسته و رفاقت شیخ با عین الدوله و محمدعلی شاه را علت اصلی کنار کشیدن شیخ می دانند. برخی نیز ریاست طلبی و مانند آن را مطرح کرده و بر سر دار رفتن شیخ را نتیجه همراهی با استبداد می دانند!! برخی دیگر مخالفت شیخ را هوشیاری و دشمن شناسی و آشنا بودن او به زمان و احوال و اوضاع داخلی می پندارند. آنان توجه شیخ به گسترش حرکت سکولاریستی را از جمله عواملی می دانند که شیخ را به مخالفت وا داشته است.

ما برای پاسخ گویی به این پرسش، علت مخالفت ایشان را در سخنرانی هایش جست وجو می کنیم. ایشان در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم چنین سخن می گوید:

یا ایها الناس! من به هیچ وجه منکر مجلس شورای ملی نیستم، بلکه من مدخلیت خود را در تأسیس این اساس بیش از همه کس می دانم؛ زیرا که علمای بزرگ ما که مجاور عتبات عالیات و سایر ممالک هستند، هیچ یک همراه نبودند. همه را به اقامه دلایل و براهین، من همراه کردم. از خود آن آقایان عظام می توانید این مطلب را جویا شوید. الآن هم من همان هستم که بودم. تغییری در مقصد و تجددی در رأی من به هم نرسیده است و صریحا می گویم همه بشنوید و به غایبین هم برسانید که من آن مجلس شورای ملی را می خواهم که عموم مسلمانان آن را می خواهند، به این معنی که البته عموم مسلمانان مجلس می خواهند که اساسش بر اسلامیت باشد و برخلاف آن و برخلاف شریعت محمدی و

برخلاف مذهب مقدس جعفری قانونی نگذارد. من هم چنین مجلسی می خواهم. پس من و عموم مسلمین بر یک رأی هستیم. اختلاف میانه ما و لامذهبی هاست که منکر اسلامیت و دین حنیف هستند؛ چه بابیه مزدکی مذهب و چه طبیعیه فرنگی مشرب. طرف من و کافه مسلمین این ها واقع شده اند و شب و روز در تلاش هستند که بر مسلمان ها این فقره را مشتبه کنند و نگذارند که مردم ملتفت و متنبه بشوند که من با آن ها همگی همراهی و همراه هستیم و اختلافی نداریم.

آیا به رأی العین مشاهده نمی کنید که از تاریخ انعقاد این مجلس هرچه در تهران آزادی طلب و طبیعی مشرب و بابی مذهب است، یک دفعه از پشت پرده بیرون آمده اند و به دسته بندی و هرزگی و راهزنی شروع کرده اند. بگویید ببینم این چه اختصاص و خویشاوندی است میانه این نسخ مردم و این مجلس مقصود در بهارستان؟ خدای متعال راضی مباد از کسی که درباره مجلس شورای ملی غیر از تصحیح و تکمیل و تنقیح، خیالی داشته باشد و بر سخط و غضب الهی گرفتار باشند کسانی که مطلب مرا برخلاف واقع انتشار می دهند و بر مسلمان ها تدلیس و اشتباه می کنند و راه رفع شبهه را از هر جهت مسدود می سازند تا سخن ما به گوش مسلمان ها نرسد و به خرج مردم بدهند که فلانی و سایر مهاجرین منکر اصل مجلس شورای ملی شده اند.(۱)

شیخ در جای دیگر نیز دلیل مخالفت خود را بیان می کند آن گاه که دو سید بزرگوار؛ سید عبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی از طرف مجلس به زاویه حضرت عبدالعظیم رفتند تا شیخ را متقاعد کنند که برگردد. شیخ به آنان می گوید:

کرارا گفتم ما طبقه مسلمانان که دارای قانون و کتاب آسمانی هستیم،

۱- لوایح آقاشیخ فضل اللّه نوری، صص ۴۴ _ ۴۵.

چرا از روی قانون قرآن رفتار نکنیم و از روی قانون آلمان و انگلیس وضع قانون نماییم... فعلاً در موضوع مشروطیت و مجلس و وکلا ـ و حدود و عرف ابدا حرفی نداشتم و ندارم و این مجلس برای امروزه ما خیلی لازم است، اما چه نوع وکیل برای مجلس لازم است؟ دارای چه صفاتی باید باشد؟ ـ وکیل مسلمان باید مسلمان باشد. وکیل خارج از ملت اسلامی به درد ما نمی خورد و امور ما را بر صلاح نمی کند، هفت الی هشت نفر هستند که از متهمی گذشته، مسلمان نیستند. خود شما هم آن ها را می شناسید، خلاصه این چند نفر از مجلس باید خارج شوند.(۱)

آن چه از میان لوایح و سخنان شیخ می توان یافت، دغدغه دینی و اجرای شریعت نبوی صلی الله علیه و آله وسلم بوده است که دیگر علما خواه رهبران مجاور عتبات عالیات خواه پیشتازان روحانی حاضر در تهران نیز در این امر با شیخ همراه و همدل بودند ولی روشن فکران سکولار و استعمار انگلستان با مشتبه کردن امر، شیخ را در ردیف مستبدان قرار دادند و دیگران را از مشروطه خواهان قانون مدار!

شیخ در این باره در یکی از لوایح می نویسد:

آنچه خیلی لازم است برادران بدانند و از اشتباه کاری خصم بی مروّت بی دین تحرّز نمایند، این است که چنین ارایه می دهند که علما دو فرقه شدند و باهم حرف دین دارند و به این اشتباه کاری، عوام بی چاره را فریب می دهند که یک فرقه مجلس خواه و دشمن استبداد و یک دسته ضد مجلس و دوست استبدادند. لابد عوامِ بی چاره می گویند حق با آن هاست که ظلم و استبداد را نمی خواهند. افسوس که این اشتباه را به هر زبان و به هر بیان می خواهیم رفع شود، خصم بی انصاف نمی گذارد... تمام

۱- مقدمات مشروطیت، صص ۳۵۷ ـ ۳۶۸.

کلمات راجع است به چند نفر لامذهب بی دینِ آزادی طلب که احکام شریعت قیدی است برای آن ها می خواهند نگذارند که رسما این مجلس مقید شود به احکام اسلام و اجرای آن.(۱)

۱- موسی نجفی، اندیشه دینی و سکولاریسم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۹۶.

فصل سوم: مقایسه مشروطه اول با مشروطه دوم

اشاره

فصل سوم: مقایسه مشروطه اول با مشروطه دوم

از آن جـا که مشروطه اول بـا مشـروطه دوم برخی تفـاوت هـای اساسـی دارد، به مقـایسه کوتـاه و گـذرا میان مشـروطه اول و مشـروطه دوم می پردازیم. مشـروطه اول به دلیـل همین تفـاوت هـا در بسـیاری موارد به آرمان ها و خواسـته های حقیقی مردم نزدیک تر بود. این تفاوت ها را در موارد زیر می توان بیان کرد.

۱. مشارکت مردمی

۱. مشارکت مردمی

در مشـروطه اول، توده های مردم ساکن در شهرها به ویژه تهران بیش ترین نقش را در انقلاب ایفا کردند. در جریان مهاجرت های صغرا و کبرا، توده های مردم به همراه علما و مراجع خود حضور داشتند. در جریان تحصن در سفارت انگلیس، حدود ده تا چهارده هزار نفر از مردم شـرکت داشتند. هم چنین مردم عادی در قضیه حمله به بانک استقراضی روس یا جریان تحصن در مسجد جامع به طور فعال مشارکت داشتند.

بنابراین، در مشـروطه اول حرکت های براندازانه نظامی دیده نمی شود، بلکه مردم در گردهم آیی های عادی خود می کوشند با وارد آوردن فشار سیاسی بر حکومت، به خواسته های خود برسند.

در مقابل، مشروطه دوم، حرکتی نظامی بود که کاملاً از آگاهی و شور

و شعور اجتماعی برنخاسته بود. گروه های برانداز مؤثر در مشروطه دوم خاستگاه طبیعی اجتماعی نداشتند. برای نمونه، بیش تر سربازان سپهدار تنکابنی، رعایا و دهقانان شمال ایران بودند. سربازان صمصام السلطنه و سردار اسعد بختیاری نیز افراد ایل بختیاری بودند. از این رو، آن آگاهی سیاسی و احساس مسئولیتی که خاصّ انقلابیون مشروطه اول بود، هیچ گاه نزد انقلابیون یا فاتحان تهران دیده نمی شد. اطاعت مردم از رهبران خود در مشروطه اول صرفا بر اساس انگیزش های ترقی خواهانه و مبنی بر آگاهی های دوره روشنگری بود، حال آن که روحیه و تعصب ایلیاتی یا شرایط حاکم بر رابطه خاص ارباب و رعیتی فاتحان تهران را به پیروی از رهبرانشان وا می داشت.

۲. رهبران

۲. رهبران

در مشروطه اول، علما و مراجع، رهبری نظری و عملی حرکت را بر عهده داشتند، در حالی که در مشروطه دوم، رهبران فاتحان تهران را افرادی چون صمصام السلطنه بختیاری، سردار اسعد بختیاری، سپهدار تنکابنی و یفرم خان ارمنی تشکیل می دادند.

اینان که رئیس ایل یا فئودال یا خان زاده بودند، دانش سیاسی و اجتماعی چندانی نداشتند و بیش تر به دنبال حفظ منافع خود بودند.

سپهدار تنکابنی پیش از آن که مشروطه خواه شود، خود، یکی از عوامل جدی تحکیم استبداد محمدعلی شاهی در ایران بود. وی در آغاز سلطنت محمدعلی شاه در گیلان علیه مشروطه تلاش می کرد و پس از بمباران مجلس نیز از طرف شاه برای سرکوبی قیام تبریز به رهبری ستارخان و

باقرخان روانه آن جا شده بود. او تا اخرین لحظات که اندک امیدی برای نجات استبداد محمدعلی شاهی می رفت، سرسختانه طرفدار استبداد و دشمن مشروطه بود، ولی وقتی ممطئن شد که دیگر نمی توان به محمدعلی شاه دل خوش کرد از مبارزه با مشروطه خواهان تبریز دست برداشت. وی به گیلان بازگشت و علیه استبداد محمدعلی شاهی وارد مبارزه شد.

هرچند نگارنده در مورد سپهدار و سردار اسعد، اسنادی مبنی بر مزدوری آنان و وابستگی شان به بیگانگان و استعمارگران ملاحظه نکرده است، ولی شواهد متعددی از حرف شنوی و تمایل زیاد آنان نسبت به استعمارگران روس و انگلیس می توان یافت.

از آنجا که رهبران این دو مشروطه خاستگاههای اجتماعی متفاوتی داشتند، در میزان برقراری ارتباط با توده ها و اکثریت افراد جامعه نیز در شرایطی متفاوت از یکدیگر قرار داشتند. البته باید دانست در مشروطه دوم نیز رهبرانی نظیر ستارخان و باقرخان وجود داشتند که از میان توده های جامعه برخاسته بودند، ولی متأسفانه این گونه افراد هرگز فرصت و اجازه رهبری مشروطه را پس از پیروزی نیافتند. انقلاب مشروطه که معمولاً ـ یک انقلاب شهری شناخته می شود، در مرحله دوّم به دست رهبرانی افتاد که پایگاه شهری نداشتند. آنان نخبگانی بودند که شایستگی و انتخاب، آنان را به مرحله نخبگی نرسانده بود، بلکه حیله گری، قدرت، ارث و سنت ایلی یا زمین داری، آنان را به مقام رهبری جامعه نسبتا کوچکی در قالب ایل یا رعایای منطقه مشخص و محدود رسانده بود.

آن چه موجب انتخاب رهبرانی چون طباطبایی، بهبهانی و دیگران از سوی اکثریت افراد جامعه شهری و تا حدودی غیر شهری شده بود،

آگاهی، شجاعت، قدرت معنوی، خصایل مثبت اخلاقی و مردمی بودن شان بود.

۳. دخالت استعمارگران

۳. دخالت استعمارگران

در جریان مشروطه اول، انگلیسی ها از آن پشتیبانی کردند، ولی روس ها به آن روی خوش نشان ندادند. انگلیسی ها و روس ها هر کدام بر اساس حفظ منافع استعماری خود با مشروطه، موافقت یا مخالفت می کردند. پس از تشکیل مجلس اول مشروطه، انگلیسی ها دریافتند که این مجلس، دستگاه نسبتا مستقلی است و آنان نمی توانند از این راه در رقابت استعماری با روس ها بر آن ها پیشی بگیرند. به همین دلیل، از پشتیبانی خود کاستند.

هنگامی که مشروطه دوم به وجود آمد و انقلابیون ایلی و کشاورزی در آستانه فتح تهران بودند، روس ها و انگلیسی ها با هدف بهره برداری از ضعف های بنیادین مشروطه دوم برای حفظ منافع استعماری خود، هواداری شان را از آن اعلام کردند. رهبران مشروطه دوم مانند: صمصام السلطنه بختیار و سردار اسعد بختیاری، زمینه های کافی برای حرف شنوی از بیگانگان به ویژه انگلیسی ها را در وجود خود داشتند همان گونه که سپهدار تنکابنی نسبت به روس ها چنین بود.

سردار اسعد پیش از آن که به اروپا برود، با برخی نمایندگان سیاسی انگلستان روابط دوستانه داشت.(۱)

۱- تاریخ ایران، ج ۲، ص ۵۹۰.

گفته می شود که وی در لندن با هاردینگ، وزیر مختار سابق انگلیس در ایران که از پیش سابقه دوستی داشت، محرمانه دیدار کرد و با تشویق انگلستان به ایران آمد تا رهبری بختیاری ها را در مبارزه با استبداد محمدعلی شاهی برعهده بگیرد.(۱) از نوشته های ابراهیم صفایی می توان دریافت که صمصام السلطنه به دو دلیل با محمدعلی شاه و استبداد او درافتاد و از مشروطه حمایت کرد: ۱. تحریک های برادر کوچکترش که در این زمان در پاریس بود و به گفته این نویسنده با نمایندگان و عوامل سیاسی انگلستان ارتباط داشت. ۲. کینه وی از محمدعلی شاه به دلیل عزلش از مقام ایلخانی بختیاری.(۲)

۴. آیین نامه انتخاباتی

۴. آیین نامه انتخاباتی

گفتیم که بر اساس ماده ششم آیین نامه مجلس اول، نمایندگان منتخب می بایستی خاستگاه صنفی مشخص و معینی داشته باشند. انتخاب شوندگان به شش قشر و صنف اجتماعی تقسیم می شدند: شاه زادگان و قاجارها، اعیان و اشراف، روحانیان و طلاب، بازرگانان، اصناف و زمین داران. از این گذشته، نمایندگان منتخب از هر قشر محدود بودند و می بایست شرایطی نظیر: سواد یا در مورد اصناف، مغازه داشته باشند.

در نظام نامه مجلس دوم، منتخبان هر قشری بدون هیچ گونه محدودیتی انتخاب می شدند. اگرچه به نظر می رسد نظام نامه دوم به دموکراسی نزدیک تر باشد، ولی نظام نامه انتخابات مجلس اول، عادلانه تر بود؛ زیرا

۱- رهبران مشروطه، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲- رهبران مشروطه، ج ۱، ص ۳۰۰.

شرایط ایران در آن زمان بـه هیـچ وجـه انتخابـات از نـوع دوم را برنمی تابیـد. فئـودال هـا و شـاه زادگـان و رئیسـان ایـل هـا، پُرنفوذترین و قدرتمنـدترین افراد بودنـد. چنـان چه قانونی تعـداد و شـرایط نماینـدگی آن ها را محـدود و مشـخص نمی کرد، کسی جز آن ها یا عواملشان نمی توانست به مجلس راه یابد.

آیین نامه انتخاباتی جدید سبب شد بیش تر نمایندگان مجلس دوم از میان خان ها، زمین داران و شاه زادگان قاجار باشند و از شمار عناصر دموکرات و خرده پا و روحانیان کاسته شود.

۵. استقلال نمایندگان مجلس

۵. استقلال نمایندگان مجلس

در مجلس اول، نماینـدگان بـا دریـافت وام از انگلسـتان یـا روسـیه مخـالفت کردنـد، در حالی که در مجلس دوم چون عوامل وابسته بیش تری بـه مجلس راه یـافته بودنـد، این مجلس به دولت اجـازه داد که وامی به مبلغ ۱۲۵۰۰۰۰ پوند را از انگلسـتان دریافت دارد.(۱) در مجلس دوم، نزدیکـان محمـدعلی شاه و هم دسـتان او که در به توپ بسـتن مجلس نقش داشـتند، در این مجلس، عنوان نمایندگی را یدک می کشیدند.(۲)

۱- ایران بین دو انقلاب، ص ۹۳.

۲- ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۵۳۴.

بخش سوم:عوامل انحراف مشروطه

اشاره

بخش سوم:عوامل انحراف مشروطه

در تاریخ انقلاب ها، حوادث زیادی روی داده که میان پیش زمینه ها و نتایج آن انقلاب، تضاد و اصطکاک پدید آورده است. بزرگ ترین نمونه این ادعا، انقلاب فرانسه است. اندیشمندان بزرگی هم چون منتسکیو و روسو و دیگران برای آگاه ساختن افکار عمومی جهت برپایی نظامی دموکراتیک بسیار کوشیدند که سرانجام این کوشش ها به انقلاب فرانسه و در نهایت، استبداد ناپلئون انجامید. مثال دیگر، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه است که در پیدایش آن، گروه های گوناگون فکری نقش داشتند، ولی انقلاب به استبداد بلشویکی رسید. به یقین، مردمی که این انقلاب ها را برپا کردند، خواستار نظام دیکتاتوری ناپلئونی یا بلشویکی نبودند، بلکه عواملی این انقلاب ها را به کژراهه برده بود. انقلاب مشروطه نیز چنین سرنوشتی داشت. اکنون به عوامل ناهم آهنگی میان پیش زمینه ها و نتایج مشروطه یا به عبارت دیگر، انحراف مشروطه خواهیم پرداخت.

۱. اختلاف رهبران مشروطه و تأثیر آن در سرنوشت جنبش عدالت خواهی (مشروطه)

۱. اختلاف رهبران مشروطه و تأثیر آن در سرنوشت جنبش عدالت خواهی (مشروطه)

روشن است که وفاق و هم دلی و آگاهی نیروهای کارساز و هم بستگی میان افراد و اعضای جوامع به ویژه جوامع غنی و ثروتمند برای زورمداران و استعمارگران خوشایند نیست؛ زیرا وفاق و اتحاد و آگاهی راه هرگونه نفوذ استعمار و استثمار را برای زیاده خواهان و استعمارگران مسدود می کند و اجازه افزون طلبی را به آنان نمی دهد. از این رو، استعمار همواره کوشش داشته و دارد که با توسل به اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن»، به

مقصود خود دست یابد. البته به کارگیری این اصل دو پیش شرط دارد: نخست آن که نیروهای کارساز و تأثیرگذار در هر جامعه را شناسایی کند سپس نقاط ضعف آن ها را دریابد تا بدین وسیله، در میان آنان نفوذ کند. و با تفرقه افکنی و گسست در میانشان، نقشه خود را که همانا استثمار و افزون طلبی و بهره کشی است، اجرا کند.

در جریان نهضت دینی و مردمی عدالت خواهی (مشروطه) نیز به کمک شواهد و اسناد تاریخی، به خوبی می توان دخالت استعمار پیر انگلستان را ردیابی کرد، به این صورت که ابتدا در قضیه «نهضت تنباکو» و به دلیل خسارت سنگینی که متحمل شد، متوجه نیروی مؤثر روحانیت شیعه در ایران گردید. در کتاب ایران در دو سده واپسین در این باره آمده است:

استعمارطلبان انگلیس از دوران حوادث تنباکو و فتوای میرزا حسن شیرازی به عنوان مجتهد اعلم در نکشیدن قلیان و عدم معامله دخانیات، این نیرو [یعنی] روحانیونی را که برای سیاست استعماری انگلستان مشکلاتی پدید می آورند، شناخته بود. پس برای بازسازی آن ها برنامه ریزی کردند.(۱)

استعمار پس از شناخت این نیروی موثر، درصدد شناسایی راه نفوذ در آن ها برآمد و با تشکیل انجمن های سرّی و فراماسونری، شماری از طلّاب ضعیف النفس مانند: سید جمال واعظ اصفهانی و میرزا یحیی دولت آبادی و برخی دیگر را شکار کرده و آن ها را به عنوان روحانیون روشن فکر و برجسته در مقابل علمایی هم چون شیخ فضل الله نوری که به شهادت

۱- احسان طبری، ایران در دو سده واپسین، انتشارات حزب توده، ۱۳۶۰، ص ۲۴۶.

دوست و دشمن، از مجتهدان برجسته تهران بود، قرار داد. بدین ترتیب، به راحتی توانست در صف رزمندگان و انقلابیان صدر مشروطه اختلاف پدید آورد. که نتیجه این اختلاف، افتادن سرنوشت نهضت دینی و مردمی به دست روشن فکران سکولار یا به تعبیر رساتر، فرمانبران استعمار انگلستان بود.

تشکیل انجمن های سری یکی از راهکارهای انگلستان بود. انجمن سری سلیمان خان میکده با ۵۴ عضو یکی از انجمن های فراماسونری به شمار می رفت که رهبری آن برعهده روشن فکران سکولاری بود که برخی از آنان لباس روحانیت داشتند.(۱)

این گروه با وجود اندیشه سکولاریستی و اعتقاد به دخالت نکردن روحانیت در امور اجتماعی و سیاسی، برای پیشبرد اهداف استعماری غرب، ارتباط با علمای تهران و نجف را در دستور کار خود قرار داده بودند. این انجمن در ماده پنجم و هفتم اساس نامه خود آورده بود: «با حوزه علمیه نجف ارتباط پیدا کنیم»، «در میان روحانیان منتقد تهران با آن هایی که جسارت و شجاعت دارند، بدون این که از منظور ما آگاه شوند، همکاری کنیم.»(۲) در ماده چهاردهم نیز آمده است: «برای این که از اول کار، دچار حمله مخالفین نشویم، رفقا باید تمام مطالبی را که به وسایل مختلفه منتشر می کنند، با احکام اسلامی مطابق کنند و چیزی که حربه تکفیر

۱- مهدی ملک زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، علمی ۱۳۷۳، صص ۲۴۰ تا ۲۴۲.

۲- مهدی ملک زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، علمی ۱۳۷۳، صص ۲۴۰ تا ۲۴۲.

به دست بدخواهان بدهند، ننویسند».(۱)

بدین منظور روشن فکرانی چون ملکم خان که در باطن هیچ اعتقادی به دین و روحانیت ندارد و «دشمن ترین اشخاص برای نظم مملکت و تربیت ملت و آزادی آن ها را طایفه علما و اکابر فناتیک (سنّتی) می داند»،(۲) تلاش می کند متدینان و علما را تحت تاثیر اندیشه های سکولاریستی خود قرار دهد و افرادی چون سیدصادق طباطبایی فرزند سیدمحمد طباطبایی از رهبران مشروطه و سیدجمال از افکار و نوشته های او اثر می پذیرند.(۳) این در حالی است که ملکم خان در نامه اش به دانشمند انگلیسی به نام ویلفرید بلنت می نویسد: «... من خود ارمنی زاده مسیحی هستم ... فکر ترقی مادی را در الفاظ دین عرضه داشتم.»(۴)

به هر تقدیر، این گروه با نفوذ در میان روحانیت و فرستادن گزارش های نادرست به نجف و همکاری با برخی از نیروهای مؤثر در تهران، میان شاگردان میرزای شیرازی شکاف افکندند و نتیجه این شکاف، پیدایش دو گروه مشروطه خواه و مشروعه خواه بود.

دو جریان فکری مشروطه و مشروعه حاصل برداشت های متفاوت اجتهادی و مبنایی میان علمای دینی بود. البته باید دانست اختلاف رأی و

۱- مهدی ملک زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، علمی ۱۳۷۳، صص ۲۴۰ تا ۲۴۲.
۲- حجت الله اصیل، زندگی و اندیشه میرزا ملکم خان، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶، ص ۸۷ .
۳- ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱؛ مجله اندیشه حوزه، شماره ۶، مقاله «موسی نجفی».
۴- فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱، ص ۶۵ .

فتوا در میان علما، در هر زمانی، امری رایج و طبیعی و به تعبیر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم برای امت اسلامی رحمت است، ولی آن چه اختلاف رأی علمای عصر مشروطه را نسبت به دیگر زمان ها متمایز ساخت، برجسته کردن این اختلاف از سوی عوامل داخلی استعمار، طرفداری از یک گروه و تخطئه و تخریب گروه دیگر، طرفدار استبداد جلوه دادن آن ها و تلاش فراوان برای پنهان کردن واقعیت بود. گفتنی است هر دو گروه دل نگران اجرای درست شریعت بودند. البته برخی علما راهکار کوتاه شدن دست استبداد از کشور و اجرای شریعت را برقراری مشروطیت می دانستند. برخی دیگر که مشروطه مشروعه را مطرح کردند، ریشه ای تر عمل کرده و استعمار را که استبداد داخلی، دست نشانده آن بود، نشانه گرفتند. روشن است که اگر علمای مشروطه خواه نیز نقشه استعماری را درمی یافتند و نوک پیکان حمله را به سوی آن ها نشانه می گرفتند، استعمار پیر نمی توانست به هدف خود که حذف روحانیت و متلاشی کردن نیروی مؤثر آن بود، دست یابد.(۱) صد افسوس که سرانجام استعمار توانست با بهره گیری از عناصر ساده لوح، فرهنگ غرب گرایی را گسترش دهد(۲) و حتی توانست علمای آگاه و هوشیار مثل شیخ فضل اللّه را به دست هم رزمان و هم کیشان خودش از سر راه بردارد و قافله مشروعه را از حرکت باز دارد. سپس با حیله استعماری خود، روشن فکران سکولار

۱- شمس الله مریجی، مشروطه در آینه عبرت، مجله معرفت، سال ۸۲، شماره ۶۵، ص ۹۲.

۲- موسی نجفی، اندیشه دینی و سکولاریسم، ص ۱۳۷.

را بر مجلس و حاکمیت مسلط گرداند و علمای مشروطه را با تیر کینه از پای درآورد تا زخم کهنه اش که از ماجرای نهضت تنباکو در سینه داشت، التیام یابد.

به هر حال، اختلاف میان رهبران دینی جسارت سکولاریست ها را در پی داشت، به گونه ای که توانستند مجتهد درجه اول تهران؛ شیخ فضل الله نوری را بر دار بکشند. پس از شهادت شیخ و منزوی شدن بسیاری از علمای باتقوا و مردمی، بیزاری عمومی و ملی از انقلاب مشروطیت در مردم دین دار پدید آمد. باید دانست انقلاب ملی و مردمی وقتی قداست و مشروعیت دینی خود را از دست داد، عوامل تعالی بخش انقلاب از دست می رود و با کم ترین نغمه های مخالف، دچار تزلزل می شود. شهادت شیخ فضل الله نوری سبب شد که برخی علمای بزرگ حتی تا دهه های متمادی پس از انقلاب مشروطه، از آن به عنوان «فتنه مشروطه» یاد کنند.

بدیهی است که با ضعیف شدن هر دو جناح دینی مشروطیت، خلأ جدی در ارکان فکری و سیاسی مشروطیت به وجود آمد که این خلأ را سکولارها از یک سو و سیاست مداران دنیادوست از سوی دیگر پر کردند.(۱)

این رویداد به معنای کنار زدن اندیشه دینی و جای گزینی تربیت یافتگان غرب به جای علمای دین بود، پیش از این علما در اداره امور دنیا و دین مردم نقش برجسته ای داشتند، به گونه ای که در زمان تحصن آنان در

۱- موسی نجفی، مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۷۸، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

زاویه حضرت عبدالعظیم، زنان تهران در مقابل کالسکه شاه ایستادند و فریاد زدند که علمای ما را برگردانید؛ چه این که امور دین و دنیای ما مختل شده است.(۱) در پایان باید گفت این مسأله، پیش زمینه مناسبی را برای تشکیل حاکمیت سکولاریسم در ایران فراهم آورد تا این امر بعدها به دست رضاخان عملی گردد.(۲)

۲. نفوذ شاهزادگان و زمینداران و عوامل بیگانه در ارکان جامعه

۲. نفوذ شاهزادگان و زمینداران و عوامل بیگانه در ارکان جامعه

انقلاب مشروطه هم چون بسیاری از انقلاب های دیگر، انقلاب شهری بود. به عبارت دیگر، انقلاب مشروطه را قشرهای گوناگون شهرنشین به پیروزی رساندند. برای این که با ترکیب انقلابیون مشروطه بیش تر آشنا شویم، بهتر است به عناصر تشکیل دهنده تحصن در سفارت انگلستان اشاره کنیم. احمد کسروی می نویسد:

در سفارت انگلستان، قریب پانصد خیمه بلکه بیش تر زده شده بود. تمام اصناف حتی پینه دوز و گردو فروش و کاسه بندزن که اضعف اصناف اند، در آن جا خیمه زده بودند.(۳)

بخش بزرگی از مردم شرکت کننده در مهاجرت ها، تحصن ها و اعتراض ها علیه استبداد قاجاری، شهرنشینان ایران بودند که وضعیت اقتصادی چندان مطلوبی نداشتند. آنان که از سلطه زرمداران و زورمداران بر حیات و سرنوشت خود خسته شده بودند، می کوشیدند با این کار، نظام

۱- ر. ک: تاریخ بیداری ایرانیان؛ تاریخ مشروطیت ایران و نقش روحانیت پیشرو در مشروطیت و... .

۲- ر. ک: حمید بصیرت منش، علما و رژیم رضاشاه، چاپ نشر عروج، ۱۳۷۶، ص ۱۶۵.

۳- تاریخ مشروطه ایران، ص ۱۱۰.

سیاسی و اقتصادی را تا اندازه ای به تغییر و تحول وا دارند. طبیعی است اگر مردم به مقصود خود برسند، نارضایتی شان کاهش یابد یا از بین برود، ولی چنان چه بنابر هر علتی، خواسته هایشان تحقق نیابد، بر مخالفت ها و نارضایتی های خود می افزایند. بنابراین، اگر مشروطه می توانست نظام ایده آل و مطلوب را برای مردم به ارمغان آورد، کار جهت دیگری به خود می گرفت. البته چنین نشد؛ زیرا کسانی مأمور تدوین نظام نامه نظام مشروطه شدند که خود از صاحبان ثروت و قدرت بودند. افرادی چون مخبر السلطنه هدایت، مرتضی قلی خان صنیع الدوله، محتشم السلطنه، میرزا حسن خان (مشیرالدوله) پیرنیا و میرزاحسن خان مؤتمن الملک که از اشراف بودند، نظام نامه انتخابات را به گونه ای تنظیم کردند که تنها افراد ثروتمند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای نمایندگی مجلس را داشته باشند. برای مثال، تنها زمین داران و کشاورزانی از حق نمایندگی برخوردار بودند که صاحب ملکی دست کم به ارزش هزار تومان باشند یا از میان اصناف تنها کسانی می توانستند از این حق برخوردار شوند که مغازه ای داشته باشند که کرایه آن مطابق کرایه های حدّ وسط محلی باشد.(۱)

بیش تر نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی، از ملاّـکین و شاه زادگان بودند. از مجموع ۱۶۱ نفر نماینده مجلس اول، جمع بازرگانان، اصناف، علما و طلاب به ۱۰۴ نفر می رسید که در مقابل، ۴۴ نفر از

۱- دولت و حکومت در ایران، ص ۹۱.

شاه زادگان قاجاریه و اعیان بودنـد.(۱) بر این اسـاس، توده هـای بی بضاعت از انتخاب شـدن و انتخاب کردن نماینـده مجلس محروم می شدنـد. بـدیهی است در چنیـن شـرایطی، قـوانینی بـه تصـویب خواهـد رسـید کـه منـافع همـان گروه زمینـداران و شاهزادگان را بهتر تأمین کند.

۳. ادامه سلطه استعمارگران

۳. ادامه سلطه استعمارگران

انقلاب مشـروطه یک انقلاب ضـد اسـتبدادی و ضـد اسـتعماری بود. مردم تلاش کردند تا هم زمان با بریدن دست اسـتبداد از حاکمیت بر سـرنوشت خود، دست کارگزاران اسـتعمار را نیز از سـرنوشت ملت ایران کوتاه سازنـد. اصولاً راه اصـلی مبارزه با اسـتبداد، مبارزه با اسـتعمار بود؛ زیرا استعمار به کمک استبداد داخلی و به دست آن، حضور خود را در دست اندازی به منافع ایران با بسـتن معاهـده های گوناگون، مشـروعیت می بخشـید. از این رو، مبارزه با یکی مسـتلزم مبارزه با دیگری بود. به همین دلیل، افرادی که معتقد به مبارزه تنها با یکی از آن دو بودند، در مبارزه خود ناکام شدند.

جریـان مردمی که در انقلاـب مشـروطه شـرکت داشـتند، پس از پیروزی منتظر قطع کامـل نفوذ اسـتعمارگران در ایران و پایان یـافتن غـارت سـرمایه هـای ملی به دست آنـان بودنـد، ولی این گونه نشـد و اسـتعمارگران بر گستره میـدان تـاخت وتـاز خود افزودند. اسـتعمارگران روس و انگلیس اگر تا پیش از این در مورد میزان غارت ایران، مراقب یکدیگر بودند، پس از مشـروطه به یکـدیگر نزدیـک شدنـد و برای غـارت ایران و حتی تقسـیم ایران به دو قسـمت شـمال و جنوب در سـال ۱۹۰۷ م. به تـوافق رسیدند.

۱- دولت و حکومت در ایران، ص ۹۴.

پس از استقرار نظام مشروطه، روسیه نه تنها توانست امتیازهای گذشته را تثبیت کند، بلکه امتیازهای جدیدی نیز به دست آورد. روس ها پس از مشروطه، امتیازهای فراوانی در ایران به دست آوردند که برخی از آن ها بدین شرح است:

۱. ساخت کارخانه آسیاب بخاری در قزوین؛

۲. ایجاد کارگاه هایی برای ساختن پیت آهنی و صندوق چوبی در انزلی و آستارا؛

۳. گسترش شبکه توزیع نفت به وسیله شرکت روسی نفت نوبل در گیلان؛

۴. ساخت پنج کارخانه کوچک نفت در انزلی؛

۵. ساخت کارخانه تخته بری در ارومیه.(۱)

اصل دادن فرصت سرمایه گذاری به بیگانگان، استقلال ملی را خدشه دار نمی سازد، ولی اگر کشوری ناگزیر از دادن فرصت سرمایه گذاری تنها به اتباع یک کشور خاص باشد، استقلال ملی و اقتصادی و سیاسی آن کشور زیر سؤال می رود. مردم ایران انتظار داشتند پس از مشروطه، زورگویی روس ها در ایران پایان گیرد، ولی چنین نشد و کشورمان اجازه دادن فرصت سرمایه گذاری در نیمه شمالی ایران به اتباع هیچ دولتی جز دولت روسیه را نداشت. حتی ایرانیان اگر می خواستند در شمال ایران سرمایه گذاری کنند، ناچار به همکاری با سرمایه گذارانِ

۱- احمد اشرف، موانع تاریخ رشد سرمایه داری در ایران در دوره قاجاریه، تهران، ۱۳۵۹، ص ۶۴ .

روسـی بودنـد. تجـارت خـارجی در نیمه شـمالی نیز تنها با اتباع و دولت روسـیه امکان پـذیر بود. از این رو، پس از مشـروطه، تجارت خارجی ایران و روسیه به طور یک جانبه به نفع روس ها رو به گسترش نهاد.(۱)

پس از پیروزی مشـروطه، انگلیسـی ها هم چون روس ها و بلکه بیش از آن ها بر نفوذ و سـلطه خود در ایران افزودند. انگلیسی هـا افزون بر امتیازهـای مشابه روس ها که در جنوب ایران گرفتنـد، امتیاز انحصاری اسـتخراج و صـدور نفت ایران را در اختیار داشـتند. امتیاز نفت که درزمان مظفر الـدین شاه به انگلیسـی ها داده شـده بود، پس از پیروزی مشـروطه هم چنان به قوت خود باقی مانـد و آنان به غارت ذخایر نفتی ایران ادامه دادنـد. آنان حتی در جنوب ایران، ارتش مسـتقلی به وجود آوردند تا هم از مرزهای هندوستان و هم از چاه ها و تأسیسات نفتی جنوب ایران پاسداری کند.

دولـت انگلسـتان که نیمی از سـهام شـرکت نفت ایران و انگلیس را به بهـایی ۶۰ درصـد ارزان تر خریـده بود، نفت مورد نیـاز نیروی دریایی خود را به ۴۱ قیمت بازار جهانی از این شـرکت می خرید. در طول جنگ جهانی اول، نفت ایران هم چون خون در رگ های ماشـین جنگی انگلیس جریان داشت و بدین وسـیله نیروی دریایی انگلیس در طول چهار سال جنگ جهانی اول توانست ۵/۷ میلیون پوند استرلینگ صرفه جویی کند.(۲)

نفوذ روز افزون استعمارگران در ایران و سرسپردگی برخی اعضای

۱- دولت و حکومت در ایران، ص ۹۸.

۲- دولت و حکومت در ایران، ص ۱۰۰.

کابینه به آنان، آتش خشم مردم را شعله ور می کرد. دادن اولتیماتوم روسیه به ایران در قضیه اخراج مورگان شوستر سبب شد مردم بندر انزلی در دی ماه ۱۲۸۸ به کنسولگری روسیه و ساختمان شیلات حمله کنند. در بهمن ۱۲۸۸ نیز زنان تهران در مسجد شاه علیه استقراض خارجی، راه پیمایی اعتراض آمیز به راه انداختند. در فروردین ۱۲۸۹، مردم به نشانه اعتراض به حضور نظامیان روس و انگلیس در ایران، از برپایی جشن نوروز خودداری کردند. در اردیبهشت همان سال، مردم اصفهان به کنسولگری انگلیس یورش بردند و در ۲۶ آبان ۱۲۸۹، راه پیمایی بزرگی در میدان توپ خانه تهران در اعتراض به دخالت های انگلیس به راه افتاد.(۱)

مردم ایران از عملکرد دولت در گرفتن وام با شرایط ذلّت بار برای استقلال و هویت ملی ایران ناراضی بودند. دولت همواره خواستار گرفتن وام از خارج بود که با مخالفت مجلس دوم روبه رو می شد. دولت به همین دلیل و به بهانه ردّ کردن التیماتوم روسیه، مجلس دوم را بست و در غیاب مجلس، وام با بهره ۷۵ درصدی را دریافت کرد. یکی از شرایط دریافت وام این بود که دولت ایران می بایستی این وام را با نظارت سفارت روس و انگلیس خرج کند و بخشی از آن را برای ایمن سازی جنوب ایران هزینه گرداند. هم چنین دولت ایران می بایستی قرار داد ۱۹۰۷ م. را که در آن، ایران به نیمه شمالی (زیر نفوذ روسیه) و جنوبی (زیر نفوذ انگلستان) تقسیم شده بود، به رسمیّت بشناسد. هم چنین دولت مشروطه ملتزم شد که

۱- احمد قاسمی، شش سال انقلاب مشروطیت ایران، ص ۵۸.

مجاهدان را خلع سلاح کند و همراهان محمدعلی میرزا را که یاغی شده بودند، مشمول عفو عمومی گرداند. دولت ایران همه این شرایط را در ۲۹ اسفند ۱۲۹۱ پذیرفت که این مسأله نارضایتی مردم ایران را بیش تر کرد.(۱)

وثوق الدوله، نخست وزیر وقت در سال ۱۹۱۹ م. قراردادی را با دولت انگلستان به امضا رساند که بر اساس آن، ایران ملزم به واگذاری انحصاری همه فرصت های سرمایه گذاری به انگلستان و اتباع آن بود. هم چنین ایران می بایست برای تعلیم و تنظیم سپاهیان خود، سلاح و کارشناس را به طور انحصاری از انگلستان وارد کند. این قرارداد که ایران را تحت الحمایه انگلستان می ساخت، فرآیند دگرگونی در توازن نیروهای بین المللی آن عصر بود. در آن زمان، روس ها به دلیل انقلاب بلشویکی، نیروهای خود را از ایران بیرون برده بودند. بدین ترتیب، عرصه برای تاخت و تاز منحصر به فرد استعمار انگلستان آماده شده بود. انگلستان می خواست از این فرصت بهره بگیرد و منابع و ذخایر ایران را در منطقه شمالی کشور به چنگ آورد. امضای این قرارداد، خشم ایرانیان را برانگیخت و اعتراض، اعتصاب و راه پیمایی های بی شمار علیه این قرارداد به راه افتاد که سرانجام دولت انگلستان ناگزیر شد از منافع خود در این قرارداد چشم بپوشد.

با همه زیاده خواهی های قدرت های استعماری آن روز، دولت مشروطه که نماینده حقیقی مردم و خواسته های آنان بود با این تجاوزها، مقابله جدی نمی کرد. دولت های مشروطه یکی پس از دیگری تمام تلاش خود

۱- عمادالدین باقی، بررسی انقلاب ایران، نشر تفکر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۰۷.

را در گرفتن وام از روسیه یا انگلستان به کار بستند و حتی وثوق الدوله با عقد قرارداد ۱۹۱۹، همه امکانات و ذخایر ایران را به رایگان در اختیار استعمار پیر انگلستان قرار داد.

بنـابراین، اسـتعمارگران روس و انگلیسـی بـا تهدیـد و تطمیع، دولت هـای مشـروطه را از مسـیر حقیقی و اصـیل خـود منحرف ساختنـد. آن هـا بـا وارد کردن عوامل خود به دولت و مجلس مشـروطه می کوشـیدند منافع اسـتعماری شان را تأمین کننـد. در مواردی مانند قضـیه اولتیماتوم روسـیه نیز تهدید خارجی، دولتمردان ایران را در مسـیر هم نوایی با منافع بیگانگان قرار می داد. بنابراین، مشروطه نتوانست استقلال، آزادی، امنیت و اعتلای ملی را که از اهداف اصلی انقلابیون بود، محقق سازد.

۴. ناتوانی دولت مشروطه در حل مشکل های اقتصادی

۴. ناتوانی دولت مشروطه در حل مشکل های اقتصادی

در دوره قاجـاریه، مالیـات هـای گونـاگون، بی کـاری، گرانی و قحطی های دوره ای، روزگار مردم را تیره کرده بود. مردم از دولت مشـروطه انتظـار داشـتند که با در نظر گرفتن منافع همه ملت، به اصـلاح امور اقتصادی جامعه بپردازد و از مخارج بیهوده که بخش بزرگی از آن به مصـرف دربـار و مواجب درباریـان، شـاه زادگـان و منسوبان آن ها می رسـید، جلوگیری کنـد. هم چنین بـا پیش گیری از غـارت اموال و منابع ملی به دست اسـتعمارگران، قوانینی وضع کنـد تا عـدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه برقرار شود و گرفتن مالیات صورت ضابطه مند به خود بگیرد.

دولت مشـروطه در آغاز کار برای انجام هرگونه اقدامی، به درآمد بالای ملی نیاز داشت و برای این که این درآمد را به دست آورد، می بایست هرچه

زودتر از هدر رفتن منابع و ثروت ملی جلوگیری کند و در مرحله بعد، برای افزایش درآمد ملی، چاره تازه ای بیاندیشد.

مجلس در دوره اول تلاش کرد با حذف یا کاهش مواجب اضافی، از راه مالیات های جنسی و غیره، بر درآمد دولت بیافزاید، ولی چندان موفقیت آمیز نبود. بهترین گواه برای این ناکامی، ناتوانی دولت در تهیه و تنظیم بودجه و ارایه آن به مجلس اول برای تصویب موارد مخارج آن بود.(۱)

هنگامی که در دوره مجلس دوم، بودجه به مجلس عرضه شد، حدود ۰۰۰/۵۰۰/۱ تومان کسری داشت. بر اساس این بودجه، دولت مشروطه سالانه ۵۰۰ هزار تومان از مبلغ کل بودجه (۰۰۰/۶۱۸/۱۴ تومان) را به عنوان بدهی ایران به خارجی ها می داد؛ زیرا شاهان قاجار آن مبلغ را برای مخارج دربار و سفرهای خارجی خود از بیگانگان دریافت کرده بودند. در این بودجه، کم ترین رقم (۲۸۰۰ تومان) به وزارت فلاحت و تجارت و صنایع اختصاص داشت؛(۲) یعنی همان وزارت خانه ای که می توانست در تولید، ساخت کارخانه، رونق اقتصاد و کارآفرینی مؤثر باشد.

در آستانه جنگ جهانی اول، کشاورزان وضع فلاکت باری داشتند و قحطی همه جا را فراگرفته بود. یک چهارم کشاورزان در جریان قحطی از

۱- تاریخ اقتصادی ایران، ص ۵۷۶.

۲- تاریخ اقتصادی ایران، ص ۵۷۹.

گرسنگی مردند و با شیوع بیماری آنفلوانزا در شیراز، یک پنجم جمعیت این شهر هلاک شدند.(۱) پس از انقلاب مشروطه، استثمار دهقانان از سوی اشراف و زمین داران به همان سبک گذشته ادامه داشت که همین مسأله به شورش دهقانان در بعضی مناطق انجامید، به گونه ای که زمین داران آن مناطق در تلگراف هایی، به این شورش ها و علت آن چنین اشاره داشتند: «.. حال، رعایای این جا (گیلان) به این جهت (اخذ مالیات سنگین از آن ها) سرکشی نموده، مالیات نداده اند و بعضی هم متواری شده و تمام رعیت خانه ها مختل است».(۲) حتی یکی از نمایندگان مجلس در صحن علنی مجلس، به استثمار رعایا به دست زمین داران اعتراض کرد و از مجلس خواست که نظام مشروطه بر زمین های رعیتی و کشاورزی حاکم گردد.(۳)

یکی از خواست های مردم از مجلس شورای ملی، اصلاحات ارضی بود. این کار از نظر انسانی می توانست نوعی عدالت اجتماعی را محقق سازد و از نظر اقتصادی به رونق کشور بیانجامد؛ زیرا دهقان هرگاه صاحب قسمتی از زمین کشاورزی می شد، با تمام توان و همّت بر روی آن کار می کرد. نتیجه این کار در سطح خرد، رشد و توسعه اقتصاد خانواده دهقانی و در سطح کلان، رشد و توسعه اقتصاد کشاورزی کشور بود. زمین داران نیز که پول زمین های خود را دریافت می کردند، می توانستند آن

۱- تاریخ اقتصادی ایران، ص ۵۹۱.

۲- باقر مؤمنی، مسأله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران، انتشارات پیوند، ۱۳۵۹، ص ۸۵ .

۳- باقر مؤمنی، مسأله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران، انتشارات پیوند، ۱۳۵۹، ص ۸۵ .

را در زمینه توسعه امور زیر بنایی، صنعتی و اقتصادی کشور صرف کنند.(۱)

حزب دموکرات عامیون پیشنهاد انجام اصلاحات ارضی را به مجلس ارایه کرد که با مخالفت حزب اعتدالیون روبه رو شد. اعتدالیون این طرح را انقلابی دانسته و گفتند با خواسته های مختلف مردم و اوضاع امروز کشور مطابقت ندارد.(۲) شاید یک دلیل مخالفت این حزب با اصلاحات ارضی، عضویت برخی از زمین داران بزرگ در این حزب بود. بی شک، چنان چه اقدامات اصلاحی از این دست در کشور صورت می گرفت، رضایت خاطر دهقانان و همه ملت از عملکرد دولت و مجلس مشروطه فراهم می آمد و در فهرست کام یابی های دولت مشروطه ثبت می شد. سقوط ارزش پول رایج ایران که از مدت ها پیش آغاز شده بود، در دوره مشروطه ادامه داشت و افزایش قیمت ها نیز به تبع آن ادامه پیدا کرد.(۳)

با این وصف، فشار اقتصادی بر مردمی که امیدوار بودند با انقلاب مشروطه، وضع اقتصادی نسبتا بهتری پیدا کنند، بیش تر شد و نارضایتی آنان از مشروطه رو به فزونی گذاشت. در دوره مشروطه و پیش از آن، تجارت خارجی رشد کرده بود که بر اثر آن، تنها شمار اندکی از بازرگانان داخلی از این رشد سود بردند. رشد تجارت خارجی، صنایع بومی ایران را به آستانه تعطیلی کشاند؛ زیرا بازرگانان داخلی در رقابت با بازرگانان

۱- این نظر در همان سازمان در بیانیه شعبه پارلمان فرقه دمکرات در صفر ۱۳۲۹ به امضای سلیمان اسکندری انتشار یافت. باقر مؤمنی، مسأله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران، انتشارات پیوند، ۱۳۵۹، ص ۹۰.

۲- باقر مؤمنی، مسأله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران، انتشارات پیوند، ۱۳۵۹، ص ۹۱.

۳- باقر مؤمنی، مسأله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران، انتشارات پیوند، ۱۳۵۹، ص ۵۳۱.

خارجی به جهت امتیازهایی که دولت به آنان می داد، توان مقاومت نداشتند. البته می توان گفت این روندی بود که پیش از مشروطه آغاز گشته و در دوره مشروطه ادامه یافته بود.

در اواخر دوره مشروطه، کارخانه هایی نظیر: ریسمان ریسی، کاغذسازی، شکرریزی، چلوار بافی، بلورسازی و... به تعطیلی کشیده شدند.(۱) به دنبال تعطیلی این کارخانه ها، بی کاری و ورود کالاهای خارجی مشابه کالاهای تولیدی داخلی افزایش یافت. علت اساسی ورشکستگی کارخانه های تولید داخلی، پشتیبانی نکردن دولت مشروطه از کالاهای تولیدی داخلی و دادن اجازه ورود بی حد و حصر کالاهای خارجی با قیمت کم و کیفیت بالا بود. از بین رفتن تولید داخلی، به خارج شدن ارز از کشور می انجامید و از آن جا که تراز موازنه پرداخت ها در تجارت خارجی منفی بود، دولت ناگزیر به استقراض از خارج بود. به همین دلیل، در سال ۱۹۱۳ م. (۱۲۹۲ ه . ش) دُیون ایران به انگلستان،روسیه، هند و مؤسسه های مالی این کشورها به بیش از ۶ میلیون پوند رسید. تنها بهره پرداختی ایران به بیگانگان برای این وام ها، ۶۱۰ هزار پوند بود.(۲)

افزون بر آن، شرکت های سرمایه گذاری خارجی در رشته های بانک داری، حمل و نقل کالا و صادرات و واردات فعالیت داشتند و در تولید کالاهای ایران دخالتی نداشتند. بدین ترتیب، سیاست داخلی دولتمردان مشروطه ایران و سیاست های اقتصادی و استعماری دربار ایران

۱- دولت و حکومت در ایران، ص ۱۰۶.

۲- دولت و حکومت در ایران، ص ۱۰۵.

هیچ کدام در راستای توسعه صنعت و تولید کالا قرار نداشت، بلکه سیاست های آن ها وابستگی اقتصادی و خروج هرچه بیش تر ثروت از کشور را به دنبال می آورد. بالا رفتن آمار بی کاری، گرانی، تورم، کاهش صادرات محصولات داخلی و افزایش واردات محصولات خارجی که گویای ناکامی دولتمردان نظام مشروطه ایران در تحقق آرمان های اقتصادی جامعه بود، بر نارضایتی روزافزون مردم از مشروطه افزود و آنان را سرخورده کرد.

۵. ورود ایلات و طوایف به عرصه سیاست و حکومت مشروطه

۵. ورود ایلات و طوایف به عرصه سیاست و حکومت مشروطه

در طول تاریخ گذشته ایران، ایلات و طوایف، همیشه در تحرک های سیاسی و نظامی ایران نقش اصلی را ایفا می کردند. از دوران پیش از اسلام تا دوره پهلوی، ساختار حکومت های ایران را همین ایلات و عشایر تشکیل می دادند و به وسیله همین ایلات و عشایر، دشمنان داخلی یا خارجی سرنگون می شدند. بدیهی است یکی از عوامل توسعه نایافتگی ایران، ورود عشایر به دگرگونی های سیاسی ایران بوده است. ایلات هیچ گاه به کانون های تشکیلاتی، صنفی و سیاسی موجود در شهر اعتقادی نداشتند و آن ها را همیشه مانعی بر سر راه اقتدارطلبی خود می دیدند. از این رو، مدت ها زمان لازم بود تا یک ایل یا اتحادیه ای از ایلات که تازه به قدرت رسیده اند، با پیچیدگی و رسوم زندگی شهری آشنا شوند و خود در آن ذوب گردند. ابتدای آشنا شدن کامل آن ها با زندگی شهری، آغاز سقوطشان به دست ایلات و عشایر قدرتمند دیگر بود. از این رو، شهریان باسواد که دیوانیان از میان آن ها بودند، همیشه از دیدگاه ایلاتِ سوار بر مرکب سیاست و قدرت، شهروندان درجه اول به شمار نمی آمدند.

به نظر می رسید انقلاب مشروطه، خط پایانی بر این رشته از تاخت وتازها و قدرت طلبی های نامشروع ایلات باشد، ولی گویا سلسله قاجاریه که خاستگاه ایلی داشت، بر اساس سنت تاریخی ایران، تسلیم شدن در برابر قدرت اجتماعی ــ سیاسی شهریان را نوعی سرافکندگی برای خود می دانست و سقوط و تسلیم در برابر نیروی ایلات را ترجیح می داد. محمدعلی شاه قاجار، مشروطه حاصل از قیام توده های شهری را با توطئه و سرکوب تعطیل کرد و راه را برای مشروطه حاصل از تحرک سیاسی و نظامی ایلی باز گذاشت.

یکی از بزرگ ترین اشتباه های تاریخی مشروطه خواهان آن بود که به نیروی خود ایمان کافی نداشتند و حاضر شدند برای رسیدن به مشروطه، دوباره به آن سنت تاریخی ایران روی آورند و به ایلات و عشایر متوسل شوند. آنان از این غافل بودند که صاحبان قدرت ایلی یا فئودالی همان گونه که هیچ گاه درگذشته، به حال کشور و ملت دل سوزی نکرده اند، اکنون نیز از شعار و جریان مشروطه خواهی به عنوان بهانه ای برای دست یابی به قدرت سوءِ استفاده خواهند کرد. آنان دغدغه مشروطه خواهی و از دست رفتن مشروطه را نداشتند؛ زیرا مشروطه خواهی حاصل سال ها روشنگری، آگاهی و مطالعه بود و به طور طبیعی، افراد ایلات بسیار کم تر از شهریان با این تجربه آشنا بودند. بنابراین، آنان وقتی از مشروطه هیچ آگاهی نداشتند، چگونه می توانستند در تحقق آن موفق باشند.

ایل بختیاری به ریاست صمصام السلطنه بختیاری در مشروطه دوم نقش اصلی را ایفا کرد. افراد ایل بختیاری و حتی رئیس آن ها نسبت به مشروطه

و مفاهیم آن، شناخت و آگاهی و حتی دل سوزی و اشتیاقی نداشتند. قیام بختیاری ها بر ضد استبداد قاجار در دوران مشروطه برای تسویه حساب های قدیمی صورت گرفت و رنگی از آرمان خواهی و مشروطه طلبی نداشت؛ زیرا شاهان قاجار خودمختاری و آزادی خان های بختیاری را با انتصاب حاکمان محلی در اصفهان، محدود کرده بودند.(۱)

وضعیت محمد ولی خان تنکابنی نیز که یکی از بزرگ ترین زمین داران ایران به شمار می آمد، از صمصام السلطنه بهتر نبود. او که از کارگزاران استبداد محمدعلی شاهی بود و مجاهدان تبریز را در محاصره داشت، چگونه یک شبه دگرگون شده و به آرمان های مشروطه علاقه مند گشته بود؟ باری، وی چون فرصت طلبی بیش نبود، هنگامی که اشتیاق عمومی مردم را به مشروطه دید، دریافت که اگر بخواهد زمین هایش را از رفتن به زیر تیغ اصلاحات ارضی احتمالی در دولت جدید نگه دارد، باید پیش دستی کند. از این رو، به گیلان رفت و با در دست گرفتن رهبری انقلابیون و با مسلح کردن رعایای خود، به سوی تهران حرکت کرد و به یکی از دو چهره مهم مشروطه دوم تبدیل شد. بدیهی است رعایای محمدولی خان هم چون افراد ایل بختیاری همان گونه که مجبور بودند برای ارباب بیگاری کنند، اکنون ناگزیر شده بودند ارباب خود را در راه تهران همراهی کنند. افزون بر آن، آگاهی آنان از مشروطه بسیار اندک بود و به امور روزانه شان محدود می شد. برای مثال، زمین داران گیلان در

۱- انقلاب مشروطیت ایران ایوانف، ص ۶۰.

تلگرافی به تاریخ ۱۱ صفر ۱۳۲۵ به تهران نوشته بودند که «رعایای گیلان همچو فرض کرده اند که معنی سلطنت مشروطه بالمرّه آزاد بودن و ندادن مالیات است...».(۱)

بدین گونه سرنوشت مشروطه در اختیار اشراف ایلی و زمین دار قرار گرفت. حزب اعتدالیون در مجلس شورای ملی در آن زمان حزب طبقه اعیان و اشراف ایران بود. در اصل، انقلاب مشروطه به سود صاحبان وسایل تولید به ویژه زمین داران تمام شد و با تصویب قانون ثبت اسناد و املاک، امنیت حقوقی و سیاسی مالکیت ارضی را تضمین کرد.(۲)

اگر مردم مشروطه خواه ایران، فرمان بازگشت مشروطه محمدعلی شاه را می پذیرفتند، شاید مشروطه فرجام خوش تری پیدا می کرد. محمدعلی شاه در فرمان خود آورده بود: «... برای ترتیب و تنظیم ادارات دولتی، اصول مشروطیت را که در تأمین آسایش حال رعیت و ترتیب ادارات دولت بهترین اساس است، از تاریخ امروز که چهاردهم ربیع الثانی ۱۳۲۷ است، به میمنت و سعادت در این مملکت برقرار فرمودیم...».(۳)

گفتنی است این فرمان وقتی صادر شد که اشراف ایلی و فئودالی برای تصاحب قدرت در پایتخت سوی تهران به حرکت درآمده بودند و پذیرش این فرمان را چندان به منفعت خود نمی دیدند. مردم نیز چون یک بار

۱- باقر مؤمنی، مسأله ارضی و جنگ های طبقاتی در ایران، ص ۸۵ .

۲- جامعه شناسی سیاسی، ص ۲۰۲.

۳- اسناد مشروطیت (خاطرات و اسناد مستشار الدوله)، ص ۲۹۰.

پیمان شکنی محمدعلی شاه را دیده بودند، دیگر نمی توانستند به او اعتماد کنند.

۶ . نقش برخی از روشن فکران در انحراف مشروطه

اشاره

۶ . نقش برخی از روشن فکران در انحراف مشروطه

پیش از بررسی نقش روشن فکران در انحراف جنبش مشروطه، توجه به دو نکته لازم است:

نکته اول ــ اصولاً روشن فکران، جمعی از افراد آگاه و خبره هر جامعه انـد که همانند چشـمان تیزبین، معضـلات و مشـکلات اجتماع خود را پیش از توده مردم درک می کننـد و در پی حل آن ها برمی آینـد. از این رو، باید آنان را چراغ هدایت جامعه دانست و این از ویژگی های برجسـته روشن فکران است. با این حال، واقعیتی را که نمی توان نادیـده گرفت این است که همه آنـانی را که عنوان روشن فکر بر آن هـا اطلاـق می گردد، در یک سـطح از آگاهی و شـناخت و تعهّـد نمی توان قرار داد. به همین دلیل، روشنفکران را با توجه به واقعیت های عینی و خارجی می توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) روشن فکرانی که معضـلات و مشـکلات اجتمـاعی را به خوبی شـناخته و راه حل های مناسبی نیز برای رفع آن ارایه می دهند.

ب) روشن فکرانی که کاستی ها را به خوبی شـناسایی کرده انـد و در ارایه راه حل، اگرچه راه خطا در پیش گرفته اند اما هیچ گاه وابسته به بیگانگان و مقلّد آن ها نبودند.

ج) روشن فکرانی که برخی از کاستی ها را به نوعی دریافته اند ولی به لحاظ وابستگی به فرهنگ غرب و بیگانگی با فرهنگ خودی در ارایه راه

حل ها، به راه خطا رفته اند.(۱)

در این مبحث، منظور از روشن فکران، دسته سوم هستند؛ افرادی چون میرزا ملکم خان ناظم الدوله برخی جنبه های معضلات اجتماع زمان خود را درک کرده بود، امّا راه حلی که این افراد پیشنهاد می دادند، چیزی جز پذیرش فرهنگ مادی غرب و پیروی کورکورانه از ارزش های غربی نبود. فعالیت های افرادی چون سیدحسن تقی زاده که در مکتب ملکم خان شاگردی کرده و راه حل او را در مجلس مشروطه و محافل تصمیم گیری ارایه داده است، شاهد گویایی است بر این واقعیت.

سرّ این نکته آن است که چنین روشن فکرانی تنها دغدغه نام و نان خود را داشتند. اگر روشن فکرانی چون ملکم زمانی روزنامه ای به نام «قانون» منتشر می کند و به پندار برخی، یکی از عوامل بیداری مردم می شود. انتشار این روزنامه از سر دل سوزی نبود، بلکه به خاطر بی نامی و نانی است؛ چون در اثر خبطی که در امر «لاتاری» کرد، مورد غضب ناصرالدین شاه قرار گرفت و از مناصب خود عزل گردید. وی بدین وسیله خواست نام و نان خود را حفظ کند چنان چه خود در نامه اش به ناصرالدین شاه بدان اذعان می دارد و می نویسد:

و الله بالله هر یک از تکالیف را که اشاره بفرمایید، قبول خواهم کرد. به همه حالت راضی ام مگر بی کاری، حتی بی کاری را هم قبول خواهم کرد، اما به شرط این که اسباب گذران من مهیا باشد. اگر بخواهند هم گرسنه باشم و هم بی کار بمانم، این نخواهد شد. من اگر حقه بازی بکنم،

۱- شمس الله مریجی، سکولاریسم و عوامل اجتماعی شکل گیری آن در ایران، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۳.

سالی هفت هشت هزارتومان عاید من می شود، اگر روزنامه نویسی بکنم... .(۱)

نکته دوم _ اساسا انـدیشه روشن فکر، امری مطاع و دارای ارج و منزلت است؛ انـدیشه ای که از دل و جان برآمده و برای رفع یا دفع معضـلی از معضـلات جامعه بیان شده باشد. از این رو، آن دسـته از روشن فکران که در راسـتای شـناخت درد اجتماعی انـدیشه کرده و معضـلات را شـناخته اند، ولی در ارایه راهکار رفع آن راه خطا پیش گرفته اند، از آن نظر که دغدغه اجتماعی داشـته انـد و به شـناسایی درد جامعه پرداخته اند، قابل تقدیر و مورد احترام هسـتند و خواهند بود. البته نباید از راه حل درسـت غافل بود. افرادی که در مشـروطه و نهضت عدالت خواهی از پیشتازان بودند و تلاش فراوان کردند و درد را شناختند، ولی راه حل را مشروطیت دانسته و در نهایت به این خطا پی بردند و گفتند: «سرکه گذاشتیم و شراب درآمد»، از این دسته اند.

اندیشه ای که از سر تقلید و به تعبیر نویسـنده کتاب شاعران در زمانه عسـرت، تفکری قلابی(۲) باشـد، نه تنها درد اجتماعی و جامعه خود را نشناخته، بلکه بر معضلات خواهد افزود. در این مبحث، سخن از روشن فکرانی است که اندیشه ای قلابی داشته و از تفکر اصیل حتی تفکر غرب طرفی نبسته و تنها شیفته ظواهر مادی آن شدند و بدون توجه به

۱- محمد مددپور، سیر تفکر در ایران معاصر، موسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۱۳۸.

۲- رضا داوری اردستانی، شاعران در زمانه عسرت، تهران، انتشارات نیل، ۱۳۵۰، ص ۷۸.

ریشه و اساس آن، برای پیشرفت کشور نسخه پیچیدند. افرادی چون ملکم، و تقی زاده ها به جای پیدا کردن راه حلی بومی و بر اساس ارزش ها و فرهنگ خودی به تقلید از آموزه های غرب پرداختند.

بی شک، اساسی ترین انحرافی که در نهضت عدالت خواهی پدیدار گشت، تغییر ماهیت آن حرکت دینی و مردمی بود که با نقشه استعماری بریتانیای کبیر و به واسطه مجریان روشن فکر داخلی اش انجام گرفت. زیرا دغدغه اصلی علما و مردم که موجب جنبش عمومی گردید، بیدادگری دستگاه حاکم و بی توجهی و تجاوز کارگزاران قاجاری به حقوق دینی و اجتماعی مردم بود، همه نویسندگانی که درباره نهضت عدالت خواهی (مشروطه) قلم زده اند، ماجرای توهین مسیونوز بلژیکی نسبت به روحانیت و ارزش های دینی را یکی از رویدادهای مهم و از مقدمه های این نهضت برشمرده اند تا جایی که تاریخ نگاران و رجال سکولار نیز نتوانسته اند آن را کتمان کنند.(۱) به هر تقدیر، ماجرای یاد شده و بی عدالتی ها و ستم دستگاه حاکمه، رهبران دینی را بر آن داشت تا برای اصلاح امور دین و دنیای مردم، حرکت کنند و خواستار عدالت خانه ای شوند تا مظلومانی چون سیدهاشم بازرگان بتوانند حق خود را بستانند. از این رو، یکی از خواسته های اصلی علمای متحصّن در حرم حضرت عبدالعظیم، ایجاد عدالت خانه بود و جنبش مردمی نیز «جنبش عدالت خواهی» نام گرفت.

این هدف و خواسته دینی قیام کنندگان بر روشن فکران وابسته که

۱- خاطرات احتشام السلطنه، ص ۵۱۹.

سودای مشروطیت غربی «کنستیتوسیون» را در سر می پروراندند، گران آمد و منتظر فرصتی بودند تا بتوانند آموزه های غربی و نسخه هایی را که روشن فکرانی چون ملکم خان، آخوندزاده و طالبوف به اشارت بریتانیا پیچیده بودند، به اجرا گذارند. از این رو، آن هنگام که علما و رهبران دینی نهضت با مهاجرت به قم، دومین تحصّن بزرگ خود را در کنار حرم کریمه اهل بیت علیهاالسلام تشکیل دادند، مردم را به سوی سفارت خانه انگلیس هدایت کردند. آنان که صحنه را از بزرگان دین خالی دیدند، افکار عمومی و ساده را از هدف مقدسی که در پیش گرفته بودند، منحرف ساختند و این جا بود که ناگهان رنگ قیام دینی تغییر کرد.

اسماعیل رایین در این باره می نویسد: «تحصن در سفارت و حمایت علنی انگلیس ها در تهران و لندن از انقلابیون، چهره شورش و انقلاب را تغییر داد.»(۱) و این به دلیل اجرای نقشه استعماری انگلیس به دست روشن فکران وابسته ای چون حسینقلی خان نوّاب و میرزا یحیی خان، منشی های سفارت در خانه استعمار بود. اجرای این نقشه بسیار مؤثر افتاد؛ زیرا مردمی که برای بازگشت علمای مهاجر به قم، دست یاری به سوی سفارت دراز کرده بودند، نه تنها خواستار برگشت آن ها نشدند، بلکه حضور آنان را به حال مظلومیت عموم مفید ندانسته و حتی حاضر به استقبال از آن ها نشدند!

عبدالله بهرامی در خاطرات خود می نویسد:

۱- انجمن های سری در انقلاب مشروطیت ایران، ص ۸۷ .

حسینقلی خان نواب و میرزا یحیی، منشیان سفارت در ملاقات با متحصنین گفتند: بهتر آن است که مقصود را بالا ببرید و اهمیت بدهید. متحصنین گفتند: ما عدالت خانه می خواهیم. نواب گفت: نه این خوب نیست، بگویید ما مشروطه می خواهیم.(۱)

نتیجه تلاش های روشن فکران در سفارت خانه موجب شد تا مردم متحصن در سفارت در جواب کاردار انگلیس که پرسید: «مقصود شما چیست تا با شاه صحبت شود، گویا آقایان (روحانیون) را می خواهید برگردانید؟ گفته اند: «خیر به آن قناعت نداریم. گفت: شاید عزل عین الدوله را هم می خواهید؟ گفتند: این هر دو به حال مظلومیت عموم چه فایده ای دارد؛ ما مشروطه می خواهیم. او پرسید: مشروطه چیست؟ در پاسخ نتوانستند مقصود را برسانند. خود کاردار توضیح داد و مردم گفتند: ما همین را خواستاریم.»(۲)

ضیاءالدین دری از شاهدان عینی ماجرا نیز می گوید:

سخن از مشروطه در میان نبود و این کلمه را کسی نمی دانست. لفظ مشروطه را اعضای سفارت به مردم تعلیم دادند.(۳)

حیدرخان عمو اوغلی نیز در خاطراتش می نویسد:

متحصنین سفارت مطلقا اطلاعی از وضع مشروطیت نداشته. فلهذا هیأتی از عالمان مملکت [روشن فکران] همیشه دستورالعمل های باطنی خودشان

۱- عبداللّه بهرامی، خاطرات عبداللّه بهرامی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۳۵، ص ۷۹.

۲- حمید سیّاح، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و خشیت، تهران، شرکت سهامی افست، ۱۳۴۶، ص ۵۶.

۳- مهدی انصاری، شیخ فضل اللّه نوری و مشروطیت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۷۹.

را به آن ها تلقین می نمودند که من هم جزو آن هیأت مشغول کار بودم.(۱)

باید دانست عمو اوغلی همان کسی است که در رکاب تقی زاده و حزب آن ها بود و پس از استقرار مشروطیت سیدعبداللّه بهبهانی را ترور کرد. البته برخی از رهبران دینی مشروطه نیز در ابتدای امر به گمان آن که مبنای دین اسلام بر عدالت و مشاوره و اصول دین بر مشروطیت است،(۲) مشروطیت را حکومت کردن بر اساس شریعت اسلام و عدالت و مساوات می دانستند.(۳) از این رو، با روشن فکران هم صدا شدند و از مشروطیت دم می زدند. البته مشروطیتی که به تعبیر برخی از رهبران آگاه، از دیگ سفارت انگلیس درآمد، غیر از آن بود که در شریعت مطرح است.

اساسا مطرح کردن مشروطه مشروعه در مقابل مشروطه بدان جهت بود که شیخ فضل الله نوری از این نقشه روشن فکران آگاه بود، ولی تلاش شیخ شهید و ایستادگی اندیشه دینی در مقابل اندیشه سکولاریستی روشن فکرانی چون تقی زاده به جایی نرسید. سرانجام این اندیشه، شیخ شهید را بر دار نامردمی کشید، سید عبدالله را در مقابل دیدگان نزدیکانش به گلوله بست، زبان سیدمحمد طباطبایی را در کامش حبس کرد و میدان عمل و عرصه حکومت را در دست استعمار و کارگزاران سکولارش قرار داد.

۱- مهدی انصاری، شیخ فضل اللّه نوری و مشروطیت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۷۹.

۲- تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۴، ص ۹۶.

۳- نقش رحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ص ۳۵۰.

مسأله روشن و انکارناپذیر در این قضایا، نقش ممتاز و منحصر به فرد روشن فکران است که عاملان اصلی اجرای نقشه استعمار در انحراف مشروطه بودند. این انحراف و تغییر جنبش دینی و مردمی به مشروطیت غربی، پی آمدهای منفی فراوانی به همراه داشت که برخی از آن ها را می توان موارد زیر دانست:

الف) کنار گذاشتن اندیشه دینی، حذف رهبران دینی از مصدر کار، سپردن امور به دست نااهلان و پیدایش استبداد جدید؛

ب) استحاله فرهنگی و گسترش اندیشه سکولاریستی غرب از جمله: بی هویتی، تقلید و سطحی نگری؛

ج) نا امیدی و سرخوردگی متدینان و انقلابیون مذهبی و کناره گیری آنان از سیاست؛

د) واپس گرایی اجتماعی و سیاسی و وابستگی اقتصادی؛

ه) وابستگی مطلق به غرب و غرب زدگی همه جانبه به دست تقی زاده هایی که با افتخار اعلان می کند که: «من اولین نارنجک تسلیم در برابر غرب را چهل سال پیش بی پروا انداختم».(۱)

و) هرج و مرج، فرقه بازی ها، ناامنی و شکل نگرفتن نهادهای قانونی که سرانجام زمینه ظهور رضاخان را فراهم ساخت و زمام حکومت به دست مستبدی افتاد که به گواهی تاریخ، هیچ یک از شاهان قاجار مثل او بیدادگری نکرده بود.

ز) چیرگی سکولاریزم و لاییزم بر صحنه تحولات سیاسی ایران پس از

۱- علی محمد نقوی، جامعه شناس غرب گرایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۸۷ .

مشروطه.(۱)

نقش روشن فکران در تدوین قانون اساسی

نقش روشن فکران در تدوین قانون اساسی

پس از آن کـه نقش روشن فکران را در انحراف انقلاب از عـدالت خـواهی به مشـروطیت بررسـی کردیم به دومین مـورد می پردازیم که همان تدوین قانون اساسی است.

انقلاب مشـروطه با پیشـتازی علمای مذهبی و با هدف سـرنگونی استبداد و اجرای احکام شریعت و عدالت خواهی آغاز شد و پس از پیروزی مردم، تن دادن دربـار به خواسـته هـای انقلابـیون و برپـایی مجلس شورای ملی، نوبت به تـدوین قانون اساسـی رسـید. این جـا بـود که روشن فکران آن چه را در سـر نهـان داشـتند، آشـکار کردنـد و بـا مـذهبیون به مقـابله پرداختنـد؛ زیرا «مذهبیون هوادار قوانین آسـمانی بوده و می گفتند: بیایید فکرتان را منحصـر به اجرای قانون اسلام کنید. اغلب آن چه دیگران دارند از قانون اسـلام اتخاذ و اقتباس نمودند، ولی بی تردید چنین انتزاعی از قانون در حدود شـرع نه فقط در اندیشه و آرزوی مشروطه خواهان منور الفکر نبود، بلکه مورد پسندشان نیز واقع نمی گردید.»(۲)

به همین دلیـل به درگیری بـا مـذهبیون پرداختنـد. این اختلاـف بـا پیروزی روشن فکران پایـان یافت و پیش نویس طرح تنظیم قانون را حسن پیرنیا و برادرش، حسین پیرنیا مؤتمن الملک، فرزندان میرزا نصرالله خان نایینی با هم یاری

۱- نک: موسـی نجفی، مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسـی ایران، شـمس الله مریجی.سـکولاریسم و عوامل اجتماعی شـکل گیری آن در ایران،

۲- مهدی انصاری، شیخ فضل الله و مشروطیت، ص ۱۱۳.

سعدالدوله در پنجاه و یک ماده نوشتند. سعدالدوله برای کمک به تدوین قانون اساسی مشروطه، چند کتاب قانون از پارلمان انگلیس و یک نسخه از قانون اساسی بلژیک را از منشی سفارت بلژیک به دست آورد و در اختیار این هیأت قرار داد.(۱)

در این هنگام بود که شیخ فضل الله و هم فکرانش تلاش کردند تا با اصل پیشنهادی خود، از گذراندن حکم خلاف شرع پیش گیری کنند، ولی تقی زاده و هم فکرانش دخالت دین و علمای دین را در امور قانون گذاری برنتابیدند و با آگاهی از محتوای قانون پیشنهادی شیخ فضل اللّه (مبنی بر نظارت چند مجتهد بر امر قانون گذاری)، باهم تبانی کردند و اجازه خواندن آن را در مجلس برای رأی گرفتن و تثبیت ندادند. احمد کسروی در این باره می نویسد:

نمایندگان آذربایجان از چگونگی [قانون مذکور] آگاه شدند، به خشم آمدند و باهم چنین نهادند که روز یکشنبه در مجلس از خوانده شدن آن جلوگیرند؛ چه می دانستند که اگر خوانده شود، بیش تر نمایندگان آن را تایید خواهند کرد و کار از کار خواهد گذشت.(۲)

این گروه پس از این که توانستند از خواندن قانون یاد شده در مجلس جلوگیری کنند، با فرستادن تلگرافی خطاب به مردم تبریز، آنان را تحریک کردند. تبریزیان نیز به هیجان آمده و فریاد برآوردند که ما قانون مشروطه

۱- مقدمات مشروطیت، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲- تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۳۱۶.

می خواهیم، نه شریعت.(۱)

هرچند این اصل پیشنهادی پس از تلاش شیخ و یارانش تصویب شد، ولی به گونه ای اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس، با در دست گرفتن زمام امور از سوی حزب دمکرات که روشن فکرانی چون تقی زاده در آن بودند، این اصل برای همیشه معلق ماند.(۲)

بومی نبودن قانون اساسی مشروطه

بومی نبودن قانون اساسی مشروطه

حکومت قانون مهم ترین چیزی بود که مشروطه خواهان و مبلغان مشروطه، خواستار برپایی آن بودند. آنان مهم ترین وسیله ترقی و رسیدن به آزادی و برابری را داشتن قانون معرفی می کردند. روزنامه اختر نخستین روزنامه ای بود که موضوع قانون را مطرح کرد و ملکم خان، روزنامه خود را قانون نامید. یوسف خان مستشارالدوله، رساله ای نوشت به نام یک کلمه و منظورش آن بود که راه حل همه مصایب ایران، حاکمیت قانون بر کشور است.

مشروطه خواهان پس از این که توانستند مظفرالدین شاه را به اعطای مشروطه وادارند، به فکر تنظیم و تدوین قانون اساسی افتادند. آنان نسخه ای از قانون اساسی بلژیک را از سفارت این کشور گرفتند و کمبودهای آن را با قوانین انگلیس و فرانسه جبران کردند. بدین ترتیب، مجموعه قوانین بیگانگان، قانون اساسی ایران شناخته شد و پایه اقدام ها و نظریه پردازی های مشروطه خواهان قرار گرفت. اگر این اقدام بعضی از

۱- نقش روشن فکران وابسته، موسسه قدر ولایت، ج ۴، ص ۷۸.

۲- حسن معاصر، تاریخ مشروطیت در ایران، مستخرجه از اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان، صص ۳۷۴ _ ۳۸۲.

مشروطه خواهان را نخواهیم خیانت بدانیم، دست کم بایست آن را کاری شتاب زده و بدون دوراندیشی بشناسیم. یکی از علمای آن عصر در این مورد کتابی نگاشت و قانون ملی را در برابر قانون غربیان مطرح ساخت. به نظر او، قانون غربیان از اساس با قوانین اسلامی، ناهماهنگ؛ در مبارزه با استعمار، ناتوان و در اداره جامعه، ناکارآمد است.(۱)

بدیهی است که پذیرش کامل قوانین یک کشور بیگانه و حاکم کردن آن بر سرنوشت ملت، با استقلال ملی سازگار نیست و قوانین هر کشور باید با فرهنگ و تاریخ آن جامعه همآهنگ باشد. این تقلید کورکورانه را دست کم می توان نوعی از خودبیگانه بودن دست اندرکاران این تقلید و تصویب دانست.

سید عبدالحسین لاری در رد قانون غربیان و تأیید قانون ملی می گوید:

[طبق قانون ملی] فرمانروایان و کارگزاران باید در میان مردم، چه در گفتارشان و چه در کردار و رفتارشان، به حق و راستی و اعتدال و اندرز و عدالت گام بردارند و عادت نکوهیده و ناپسند بی عدالتی را به هر شکل آن ترک کنند و برای نمونه، از این همه اجحاف و زیاده روی در جریمه و سرانه و گذرنامه و قرنطینه و جزای نقدی، حرکات وحشیانه نسبت به آشنا و بیگانه به ویژه مسلمانان، به هر اسم و رسم و بهانه ای دست بردارند؛ چه این کارها برای محرومان جامعه زیان بار است. باید با کمال جدیت، راه ظلم و ستم و دشمنی و بهتان را در جامعه ببندند... قانون باید جوری تنظیم شود که جدایی دولت و ملت را از بین ببرد و از مهاجرت ایرانیان

۱- سیدمحمدتقی آیت اللّهی، ولایت فقیه؛ زیربنای فکری مشروطه مشروعه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۲۲.

به خارج به واسطه یافتن شغل ممانعت کند. توسعه و زمینه های اشتغال باید در داخل وجود داشته باشد تا ایرانیان مجبور به مهاجرت به خارج نباشند.

قوانین مالیاتی موجود، متناسب با توان مالی مردم ایران نیست. وقتی قانون متناسب با شرایط واقعی جامعه نباشد، در جامعه کج روی و انحراف پدیدار می شود. مثلاً چون مالیات وضع شده بر قصابان متناسب با شرایط عینی جامعه نیست، لاجرم قصاب ها اقدام به کم فروشی و دزدی حیوانات می کنند... قوانین گمرکی بایستی به گونه ای باشد که موجب ورشکستگی مادی تجار داخلی یا فرار آن ها به دیار کفر نشود.(۱)

به یقین، قانون اساسی غیر بومی، با روحیه، سلیقه و آرمان های مردم سازگار نبود و بی اعتمادی بازاری، بازرگان، روحانی، کارگر و دیگران را نسبت به مجلس و دولت مشروطه در پی می آورد.

واکنش مردم به کاستی ها و شکست مشروطه

واکنش مردم به کاستی ها و شکست مشروطه

چون دولت مشروطه که حاصل انقلاب مردم بود، نتوانست ایده آل و مطلوب های مردم را برآورده سازد، تنش گروه های سیاسی افزایش یافت. اوضاع اقتصادی، اجتماعی و امنیتی آشفته تر گشت. بر شمار بی کاران افزوده شد، گرانی به اوج رسید و نفوذ استعمار در کشور بیش از پیش گسترش یافت. همه این مسایل، مردم را از دولت های مشروطه ناامید کرد و برخی را به فکر اصلاح مشروطه انداخت.

قیام های متعددی در گوشه و کنار کشور به راه افتاد که هرکدام کم وبیش خواستار اصلاح نظام مشروطه بودند. قیام میرزا کوچک خان در جنگل های گیلان، کلنل محمدتقی پسیان در خراسان و شیخ محمد خیابانی در

۱- سیدمحمدتقی آیت اللّهی، ولایت فقیه؛ زیربنای فکری مشروطه مشروعه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۲۹.

تبریز، واکنش مردم در مقابل احساس سرخوردگی آنان نسبت به ناکامی مشروطه بود. در این جا به عوامل و اهداف این قیام ها اشاره می کنیم تا دلیل شکست مشروطه بیش تر آشکار شود:

قیام جنگل

قیام جنگل

میرزا کوچک خان و گروهی از مشروطه خواهان که از دولت های مشروطه رضایت خاطر نداشتند، در جنگل های گیلان دست به قیام زدند. «میرزا، مسلمانی شیعه، میهن دوست، سازش ناپذیر و رزمنده ای نستوه و رهبری فسادناپذیر بود که تنها هدفش، رهایی کشور از زیر سیطره قدرت های خارجی و فساد داخلی بود. جنبش جنگل نه جنبشی تجزیه طلبانه بود، نه بورژواملی و نه کمونیستی... واکنشی اصیل بود در برابر سرخوردگی و افسردگی پس از پیروزی مشروطه و سرنگونی محمدعلی شاه».(۱)

جنبش جنگل، هدفش را استقلال مملکت و رفع فساد از ساختار دولت معرفی کرد.(۲) نگاهی به برخی مواد مرام نامه جنبش جنگل این نکته را به ما می آموزد که نکته های مطرح شده در آن به صورت نظری یا عملی در میان مجموعه قوانین یا آیین نامه های دولتی های مشروطه نبوده یا بدان کم تر توجه شده است. برای نمونه، در بخشی از مرام نامه جنبش جنگل چنین آمده است:

... قوای مجریه در مقابل منتخبین مسئول بوده و تعیین آن ها از مختصات نمایندگان متناوب ملت می باشد.. الفای کلیه شئون و امتیازات... مصونیت

۱- اقتصاد سیاسی ایران، ص ۱۱۸.

۲- سردار جنگل، ص ۵۲.

شخص و مسکن از هر نوع تعرض و حریت اقامت و مسافرت... آزادی فکر، عقیده، اجتماعات، مطبوعات، کار، کلام.... انتخابات باید عمومی و متناسب و مساوی و مستقیم باشد.... منابع ثروت از قبیل خالصه جات، رودخانه ها، مراتع، جنگل ها، دریاها، معادن، طرق و شوارع و کارخانجات جزو علاقه عمومی است... مالکیت اراضی با ملاحظه تأمین معیشت عمومی تا حدی تصدیق می شود که حاصل آن عاید تولید کننده شود... ممنوع بودن انحصار و احتکار ارزاق و سرمایه... تعلیمات ابتدایی برای کلیه اطفال مجانی و اجباری است... دیانت چون از عواطف قلبیه است باید مصون از تعرض باشد... قضاوت باید سریع، ساده و مجانی باشد... برانداختن اصول بی کاری و مفت خواری به وسیله ایجاد مؤسسات و تشکیلاتی که تولید کار و شغل می نماید... ایجاد و تکثیر کارخانجات با رعایت حفظ الصحه کارگران... تحدید ساعات کار در شبانه روز منتها به هشت ساعت و استراحت عمومی و اجباری در هفته یک روز... تأسیس دارالعجزه و مریض خانه های عمومی و مجانی... جلوگیری از امراض مسریه و مسکرات و منع استعمال افیون و سایر مواد مخدره....[(۱)]

میرزا کوچک از انقلابیون مشروطه بود که پیوسته به عنوان یک سرباز مسلّح یا به عنوان یک روشنگر در حوادث مربوط به مشروطه حضور داشت، ولی وقتی دولت و مجلس و زیرمجموعه های رسمی نظام مشروطه را با آرمان ها و ایده آل های ملت ایران هماهنگ ندید، دست به قیام زد. قیام او برای ریشه کن کردن مشروطه نبود، بلکه می خواست با اصلاح مشروطه، عوامل فاسد را از آن بیرون براند و مشروطه را آن گونه که ملت انتظار داشتند، در خدمت آرمان های مردم قرار دهد.

۱- سردار جنگل، صص ۵۶ - ۵۹.

قیام شیخ محمد خیابانی

قیام شیخ محمد خیابانی

شخصیت آزاده دیگری که علیه عوامل فاسد و وابسته دولت مشروطه قیام کرد و کوشید صدای خود را به گوش خفتگان برساند، شیخ محمد خیابانی بود. وی قرار داد ۱۹۱۹ وثوق الدوله با انگلیسی ها را وطن فروشی و خیانت به ایران و ملت می دانست. از این رو، به همراه شماری از هم رزمان خود در تبریز، حزب دمکرات را دایر کرد و جریده تجدد را ارگان آن حزب قرار داد.

در مرام نامه حزب دموکرات آمده است:

مقصد قیامیون در اصلاحات داخلی، توسعه معارف و تشکیل یک قشون منظم و با دیسپلین تحت سرپرستی صاحب منصبان ایرانی و اصلاحات اقتصادی و تأسیس مؤسسه های ملی و روی کارآوردن یک کابینه صالح و مقتدری است که اقلاً دو سال روی کار مانده، به هرج و مرج ایران و حکومت های دره بگی خاتمه بدهد. [هم چنین هدف ما] آوردن مستشاران فنی و متخصص از دول بی طرف برای اصلاح مالیه و استخراج معادن و تسطیح طرق و به کار انداختن چرخ های مملکت به طرف ترقی و تمدن [است].(۱)

از این مطالب می توان دریافت که دولت مشروطه در تأمین موارد یادشده، سستی نشان داده است؛ چون در غیر این صورت، مرام نامه حزب خیابانی نمی توانست با طرح خواسته های مردم و وعده عملی کردن آن ها، ملت را مجذوب خود سازد.

۱- شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی، به قلم چند نفر از دوستان و آشنایان او، نشر اقبال، ۲۵۳۶، ص ۳۴.

اکنون گوشه هایی از اندیشه شیخ محمدخیابانی را می آوریم که بررسی هریک از آن ها، ما را در فهم عوامل قیام او علیه دولت و نظام رسمی مشروطه یاری می کند:

اولین لازمه شرافت یک ملت، استقلال است... آزادی مستلزم مساوات است... در مقابل قانون همه برابریم... عطر گلاب، جعل ها را سرآسیمه می کند. عطر آزادی را در مملکت نشر نمایید تا جعل های استبداد از میان بروند... آزادی عقیده در بالای سر هر سیاست حاکم است... در عین آزادی باید مقید باشی. عوام تابع تلقینات است و هرگاه مدیران او قابل و صاحب حسن نیت باشند، ممکن است نتایج حسنه از عوام گرفت... ترحم بر غاصبین حقوق جماعت، خیانت بر جماعت است... اعمال جماعت آنی و غیر ارادی است مثل یک زلزله ناگهانی، عالمی را به هم زده، خود نیز از میان می رود... به نام هر اکثریتی نمی توان حکم قطعی داد... یک ملت ترسو به زودی در چنگال هر مستبد گرفتار می آید... .(۱)

استقبال فراوان مردم آذربایجان از قیام شیخ محمدخیابانی گواه سرخوردگی مردم ایران از مشروطه است. آیا اگر مردم ایران از انقلاب مشروطه راضی بودند، در قیام های متعدد علیه معایب مشروطه به طور گسترده شرکت می کردند؟

قیام کلنل محمدتقی پسیان

قیام کلنل محمدتقی پسیان

پسیان، جوان تحصیل کرده ایرانی بود که در رشته هوانوردی تحصیل کرده بود و پس از بازگشت به ایران به ریاست ژاندارمری خراسان رسید. او انسانی خوش سیرت و حقیقت یاب و حق جو بود که

۱- شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی، به قلم چند نفر از دوستان و آشنایان او، نشر اقبال، ۲۵۳۶، صص ۵۸ _ ۶۴ .

انحراف و شکست مشروطه، وی را ناخرسند و نگران می ساخت. پس از آن که سیدضیاءالدین طباطبایی در سال ۱۲۹۹، کودتای انگلیسی خود را به راه انداخت و رضاخان عامل نظامی این کودتا، وزیر جنگ شد، سیدضیاء بسیاری از اشراف دولت مشروطه را دستگیر کرد. کلنل به دستور سیدضیاء، قوام السلطنه را که از اشراف و کهنه کاران عرصه سیاست و والی خراسان بود، دستگیر کرد و به تهران فرستاد. در این میان، سناریوی انگلیسی ها بر حذف سیدضیاء و تشکیل دولت قوام شکل گرفت. کلنل نیز فرصت را برای قیام مغتنم شمرد و به یاری ژاندارم های خود علیه دولت مرکزی شورید. البته قیام او با نقشه رضاخان و قوام السلطنه به شدت سرکوب گردید و خود نیز کشته شد.

کلنل که کارگزاران فاسد نظام مشروطه را مانعی بر سر راه ملت ایران می دانست، از صدور دستور دستگیری اشراف نظام مشروطه استقبال کرد و گمان برد که زمان اصلاح مشروطه رسیده است. او قلبی پاک و بی ریا داشت و از زد و بندهای سیاسی پشت پرده بی خبر بود. به همین دلیل، دست پنهانی انگلیس را در پشت پرده نمایش کودتای سیدضیاء نمی دید. وقتی سیدضیاء از وزارت عزل و تبعید شد و قوام به صدارت عظمی رسید، پنداشت که جریان اصلاحات _ که با سیدضیاء آغاز شده _ شکست خورده است و دوباره عناصر فاسد و اشرافی بر سر کار آمده اند. از این رو، در برابر دولت مرکزی به مقاومت پرداخت.(۱)

۱- اوضاع ایران در دوران معاصر، صص ۴۵ _ ۴۷؛ بررسی انقلاب ایران، صص ۱۱۹ _ ۱۲۰.

بهترین گواه برای تبیین بزرگی و نیکویی شخصیت این مرد بزرگ، تشیع جنازه بی نظیر وی در مشهد بود. این تشییع جنازه نشان داد که مردم از مشروطه ناخشنودند و از هر کسی که برای مخالفت با نظام مشروطه به پا خیزد، پشتیبانی می کنند.

ص:۱۴۵

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

پیشنهادهای کلی

بی تردید، انقلاب مشروطه ایران یکی از حوادث کم نظیر تاریخ ایران به شمار می رود که افزایش شناخت نسل جوان ایران از این رویداد افزون بر این که آگاهی تاریخی و سیاسی آن ها را بیش تر می کند، به آن ها یاری می رساند تا پدیده بزرگ انقلاب اسلامی را بهتر درک کنند و با توجه به تجربه انقلاب مشروطه، نسبت به آسیب شناسی انقلاب اسلامی انگیزه بیش تری داشته باشند. بنابراین، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران که قوی ترین دستگاه ارتباط رسانه ای در ایران است بایستی در زمینه معرفی کردن انقلاب مشروطیت به نسل جوان بکوشد. در این زمینه، مواردی مطرح می شود:

۱. انقلاب مشروطه از حوادث مهم دوران معاصر به شمار می آید. مراحل شکل گیری، زمینه ها، روند جریان و پایان و سرانجام آن، همه عبرت آموز و اثرگذار است. معرفی این حادثه و بیان جریان های تأثیرگذار و رویکرد مردم و دولت های استعماری به آن، در افزایش بینش مردم اهمیت فراوان دارد.

۲. استعمار در انحراف مشروطه نقش اصلی را بازی کرد و با هم دستی استبداد داخلی، حرکت به حق مردمی را شکست داد. در حال حاضر نیز با روش های استعمار نوین پیچیده تر می کوشد انقلاب اسلامی ایران را به بی راهه بکشاند. بنابراین، در برنامه های گوناگون برای بررسی انقلاب مشروطه به نقش استعمار و حیله های آن در مقابله با حرکت های مردمی در عصر مشروطه اشاره شود تا عبرتی باشد برای همگان.

۳. انقلاب مشروطه به عنوان صحنه نخستین برخورد مهم میان علمای اسلام از یک سو و روشن فکران غرب زده از سوی دیگر در عرصه سیاسی کشور اهمیت دارد. اکنون پس از گذشت یک قرن، عملکرد هر دو گروه ها به خوبی قابل بررسی است. صدا و سیما می تواند با بیان منصفانه اهداف، افکار و رفتار هر یک از این گروه ها، داوری اصلی را بر دوش مردم بگذارد.

۴. کینه استعمار و دوستانش از اسلام و روحانیت سابقه ای طولانی دارد و امر تازه و نو نیست. به اعتراف دوست و دشمن، اعدام روحانی آگاه و مبارز، شیخ فضل الله نوری انتقامی بود که استعمار از روحانیت گرفت. پس از آن نیز نویسندگان غرب زده با ترور شخصیتی ایشان کوشیدند او را ضدمشروطه و خواست مردم و طرفدار استبداد جلوه دهند. صدا و سیما می تواند با معرفی شیخ فضل الله نوری با معرفی شخصیت آن شهید و اندیشه های او، چهره واقعی اش را نشان دهد و او را به عنوان مردم سالار دینی معرفی کند.

پیشنهادهای برنامه ای

پیشنهادهای برنامه ای

۱. ساخت فیلم و سریال از جریان انقلاب مشروطه یا حوادث برجسته آن مانند: قیام شیخ محمد خیابانی، به توپ بستن مجلس، محاکمه شیخ فضل الله نوری، فتح تهران و ... .

۲. نقد و ارزیابی کتاب هایی که به عنوان منابع مهم در شناخت نهضت مشروطیت مطرحند.

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. آیا انقلاب مشروطه توانست خواسته های مردم را محقق سازد؟

۲. شماری از علمای هدایتگر در انقلاب مشروطه را نام ببرید؟

۳. اگر علما در انقلاب مشروطه وارد نمی شدند، آیا انقلابی رخ می داد؟ چرا؟

۴. جنبه ضد استبدادی انقلاب مشروطه پررنگ تر بود یا جنبه ضد استعماری آن؟

۵. برخی دخالت های انگلستان در امور ایران تا پیش از مشروطه را نام ببرید؟

۶. به نظر شما چرا نهضت مشروطه شکست خورد؟

۷. به نظر شما تفاوت انقلاب مشروطه با انقلاب اسلامی سال ۵۷ چه بود؟

۸. به نظر شما تفاوت انقلاب مشروطه با انقلاب اسلامی سال ۵۷ چه بود؟

۹. آیا کار مشروطه خواهان در ترجمه قانون اساسی بلژیک و فرانسه و انگلستان و معرفی آن به عنوان قانون اساسی ایران کار درستی بود؟ چرا؟

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. انقلاب مشروطه در زمان کدام پادشاه قاجار رخ داد؟ مظفرالدین شاه

۲. کدام یک از استعمارگران خارجی در مرحله اول انقلاب مشروطه از آن حمایت کرد؟ انگلستان

۳. مجلس اول مشروطه به دستور کدام پادشاه به توپ بسته شد؟ محمدعلی شاه

۴. نخستین مهاجرت علما و مردم به کجا صورت گرفت؟ حرم عبدالعظیم حسنی

۵. شیخ فضل اللّه نوری به چه اتهامی اعدام شد؟مخالفت با مشروطه

۶. رهبر قیام جنگل که بود؟میرزا کوچک خان جنگلی

۷. فرمان مشروطیت در چه سالی صادر شد؟ ۱۲۸۵ ه . ش

۸. در پایان دوره استبداد صغیر چه کسانی تهران را فتح کردند؟ خان ها و زمین داران

۹. قرارداد ۱۹۱۹ وثوق الدوله با چه دولتی بسته شد؟ انگلستان

۱۰. التیماتوم روسیه به ایران در چه موردی بود؟اخراج مورگان شوستر

۱۱. کدام یک از علمای عراق در اهمیت مشروطه کتاب نوشت؟میرزای نایینی

۱۲. رهبران روحانی سرشناس مشروطه در ایران چه کسانی بودند؟ سیدمحمد طباطبایی، سیدعبداللّه بهبهانی و شیخ فضل الله نوری

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. میزان تأثیر تبلیغات روشن فکران را در انقلاب مشروطه ارزیابی کنید؟

۲. آیا میان علما و روشن فکران در مورد مشروطه و تحولات سیاسی آن تعامل فکری وجود داشت؟

۳. مشروطه اول با مشروطه دوم چه تفاوت هایی داشت؟

۴. عوامل شکست مشروطه اول چه بود؟

۵. با توجه به این که مشروطه با نظام ولایت فقیه تفاوت بنیادین دارد، دخالت علما در انقلاب مشروطه را چگونه می توان تحلیل کرد؟

۶. مخالفت شیخ فضل اللّه نوری با مشروطه را تحلیل کنید؟

۷. آیا دخالت ایلات و فئودال ها در مشروطه دوم را می توان اصلی ترین عوامل ناکامی و شکست مشروطه دانست؟

۸. آیا می توان ناکامی مشروطه را از عوامل اصلی ظهور رضاخان و رسیدن به پادشاهی دانست؟

۹. نقش طبقه سرمایه دار و خرده بورژوار در انقلاب مشروطه چه بود؟

۱۰. میزان آگاهی عمومی مردم عصر مشروطه تا چه اندازه بود؟

۱۱. با توجه به این که مشروطه خواهان عناصر استبداد را از ساختار سیاسی و اداری مشروطه پاک سازی نکردند، آیا جریان مشروطه را می توان یک انقلاب دانست؟

۱۲. مشکلات رهبری مشروطه چه بود؟

۱۳. میان انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی تحلیل مقایسه ای ارایه دهید.

۱۴. از تجربه جریان مشروطه در راستای آسیب شناسی انقلاب اسلامی چه درس هایی می توان گرفت؟

کتاب نامه

کتاب نامه

۱. آبادیان، حسین. مبانی نظری و حکومت مشروطه، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴.

۲. آدمیت، فریدون. اندیشه ترقی و حکومت قانون، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۱.

۳. ________________ . اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹.

۴. ________________ . ایدئولوژی مشروطیت، انتشارات پیام، تهران، بی تا.

۵. ________________ . ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، نشر پیام، تهران، ۲۵۳۵.

۶. ________________ . میرزاآقاخان کرمانی، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۷.

۷. آل احمد، جلال. در خدمت و خیانت روشنفکران، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۷.

۸. آوری پیتر. تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیح مهرآبادی، عطائی، تهران،۱۳۷۳.

۹. آیت اللّهی، سیدمحمدتقی. ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروعه، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

۱۰. ابراهامیان، یرواند. ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند و حسن شمس آوری و محسن مدیر شانه چی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۷.

۱۱. اشرف، احمد. موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۹.

۱۲. اعتمادالسلطنه. محمدحسن خان؛ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، با مقدمه ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۵.

۱۳. افشار، ایرج (به کوشش). اسناد مشروطیت، خاطرات و اسناد مستشارالدوله، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۶۲.

۱۴. افشار، ایرج (به کوشش). مشروطیت در آذربایجان، انتشارات طلایه، تهران، ۱۳۷۰.

۱۵. ________________ . یادداشت های تاریخی مستشارالدوله، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۶۱.

۱۶. افشار یزدی، دکتر محمود. گنجینه مقالات، نشر بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار؛ تهران، ۱۳۶۸.

۱۷. اکبری بیرق، حسن. مبانی فکری ادبیات مشروطه، نشر پایا، ۱۳۷۹.

۱۸. الگار، حامد. نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطه، ترجمه ابوالقاسم سری، توس، تهران، ۱۳۵۵.

۱۹. الگار، حامد. نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس؛ تهران ۱۳۵۹.

۲۰. ایوانف. انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه کاظم انصاری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.

۲۱. باقی، ع. بررسی انقلاب ایران؛ نشر تفکر، ۱۳۷۰.

۲۲. بشیری، احمد (به کوشش). کتاب نارنجی، نشر نور، تهران، ۱۳۶۷.

۲۳. بشیریه، دکتر حسین. جامعه شناسی سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶.

۲۴. بهار، محمدتقی. تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.

۲۵. پیر ریگا، ژان و برنارهورکادویان ریشکارد. ایران در قرن بیستم، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۷.

۲۶. پیوکارلو ترنزیو. رقابت های روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین؛ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳.

۲۷. ترکمان، محمد. مکتوبات شیخ فضل اللّه نوری، موسسه فرهنگی رسا؛ تهران، ۱۳۶۳.

۲۸. حائری، عبدالهادی. تشیع و مشروطیت در ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.

۲۹. داودی، مهدی. عین الدوله و رژیم مشروطه، کتاب های جیبی، تهران، ۱۳۷۲.

۳۰. دکتر جمشید بهنام. ایرانیان و اندیشه ترقی، نشر فرزان، تهران، ۱۳۷۵.

۳۱. دولت آبادی، یحیی. حیات یحیی، نشر فردوس، تهران، ۱۳۷۱.

۳۲. رائین، اسماعیل. حقوق بگیران انگلیس در ایران، تهران، ۱۳۵۲.

۳۳. ________________ . فراموشخانه و فراماسونری در ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۷.

۳۴. رضوانی، هما (به کوشش). لوایح آقا شیخ فضل اللّه نوری، انتشارات تاریخ ایران، تهران، بی تا.

۳۵. رواسانی، دکتر شاپور. دولت و حکومت در ایران؛ نشر شمع، بی تا.

۳۶. ساسانی، خان ملک. دست پنهانی سیاست انگلیس در ایران؛ انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۴.

۳۷. سالار کسرائی، محمد. چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰؛ نشر مرکز، ۱۳۷۹.

۳۸. شمیم، علی اصغر. ایران در دوره سلطنت قاجار، موسسه انتشارات مدبر، تهران، ۱۳۷۵.

۳۹. شیرازی، میرزاصالح. سفرنامه میرزا صالح شیرازی، به کوشش اسماعیل رائیل، تهران، ۱۳۴۷.

۴۰. صفائی، ابراهیم (به کوشش). نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امورخارجه، واحد نشر اسناد وزارت امور خارجه، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰.

۴۱. طالبوف، عبدالرحیم. سیاست طالبی، به کوشش رحیم رئیس نیا، انتشارات علم، تهران، ۱۳۵۷.

۴۲. ________________ . کتاب احمد، به کوشش م.ب. مؤمنی؛ تهران، ۱۳۴۶.

۴۳. طباطبایی، محمدمحیط. مجموعه آثار ملکم خان، تهران، ۱۳۲۷.

۴۴. طبری، احسان. اوضاع ایران در دوران معاصر، بی نا، ۱۳۵۶.

۴۵. عیسوی چارلز. تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، تهران، ۱۳۶۲.

۴۶. عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند؛ نشر گستره، تهران، ۱۳۶۲.

۴۷. فخرائی، ابراهیم. سردار جنگل، انتشارات جاویدان، بی تا.

۴۸. فراستخواه، مقصود. سرآغاز نواندیشی معاصر (دینی و غیر دینی)، شرکت سهامی انتشارات تهران، ۱۳۷۳.

۴۹. قاسمی، احمد. ۶ سال انقلاب مشروطیت ایران، بی نا، بی تا.

۵۰. کاتوزیان، دکتر محمدعلی. اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲.

۵۱. کاتوزیان، محمدعلی. استبداد، دمکراسی و نهضت ملی، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۵۲. ________________ . مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۹.

۵۳. کتیرائی، محمود. فراماسونری در ایران، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۱.

۵۴. کرمانی، میرزاآقاخان. سه مکتوب میرزاآقاخان کرمانی، بی نا؛ بی تا.

۵۵. کسروی، احمد. تاریخ مشروطه ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

۵۶. گزارش هیات اعزامی بازرگانی هند بریتانیا به جنوب شرقی ایران، ترجمه معصومه جمشیدی و دیگران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، ۱۳۷۶.

۵۷. لُرد کرزن. ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.

۵۸. محیط طباطبائی، محمد. نقش سیدجمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین،با مقدمه و ملحقات سیدهادی خسروشاهی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ــ بی تا.

۵۹. مخبرالسلطنه. گزارش ایران، محمدعلی صوتی، نقره، تهران، ۱۳۶۳.

۶۰. مخبرالسلطنه مهدی قلی خان هدایت. خاطرات و خطرات، نشر زوار، تهران، ۱۳۲۹

۶۱. مذاکرات مجلس اول، ابن سینا.

۶۲. مراغه ای، زین العابدین. سیاحت نامه ابراهیم بیک، چاپ کلکته، ۱۹۰۹، ج ۲ و ج ۳.

۶۳. مطهری، مرتضی. نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، انتشارات صدرا.

۶۴. ملکزاده، مهدی. تاریخ مشروطیت ایران، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۵۸.

۶۵. مؤمنی، باقر. مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران؛ انتشارات پیوند، تهران، ۱۳۵۹.

۶۶. ناطق، هما. روزنامه قانون؛ امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۵.

۶۷. ناظم الاسلام کرمانی. تاریخ بیداری ایرانیان؛ انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.

۶۸. نفیسی، سعید. تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران در قرون معاصر، انتشارات بنیاد، تهران، ۱۳۴۴.

۶۹. نوائی، عبدالحسین. دولت های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم،انتشارات بابک، تهران، ۲۵۳۵.

۷۰. ________________ . فتح تهران، انتشارات بابک، تهران، ۲۵۳۶.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹